

بسم الله الرحمن الرحيم

رئوشة راهييان نور

موضوع:

▼
تبلیغ و مبلغ:

گروه مخاطب:

عمومی

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره کتاب: ۱۵۰۱

مسلسل انتشار: ۲۷۹۱

متون آموزشی طرح هجرت ۶۳

رهنوشه راهیان نور تاپستان ۱۳۸۵ ویژه دانش آموزان ابتدایی / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، مدیریت تدوین رهنوشه راهیان نور. - قسم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ .
 ۲۶۴ ص. : جدول، نمودار. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۱۵۰۱ . متون آموزشی طرح هجرت؛ ۶۳)
 (تبلیغ و مبلغ؛ ۷۰)

ISBN 964 - 548 - 142 - 2 - 13500

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد لاتینی شده:

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. اسلام - مسائل مفترقه. ۲. اسلام - به زبان ساده. ۳. تعلیمات دینی. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، مدیریت تدوین رهنوشه راهیان نور. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب.

BP A / ۹۶۷۲ ر

۱۳۸۵

۲۹۷/۰۲

رهشنه راهیان نور

تابستان ۱۳۸۵

«ویژه دانش آموزان ابتدایی»

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیریت تدوین رهشنه راهیان نور

بوشهر
۱۳۸۵

بوستان کتاب

ره‌توشہ راهیان نور (تابستان ۱۳۸۵)
ویژه دانش آموزان ابتدایی

- بهه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معاونت فرهنگی و تبلیغی
- تدوین، ویرایش، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و نموده خوان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معاونت فرهنگی و تبلیغی مدیریت تدوین ره‌توشہ راهیان نور
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی) • نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵
- یزدگاهی، چاپ و مصحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • شماره: ۱۲۵ • تاریخ: ۶۶۰۰ بهه: ۱۳۵
- شمارگان: ۱۳۵ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

گه دفتر مرکزی: قم، خیابان شهداد (صفاییه)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۴-۷، نمایر: ۷۷۴۲۱۵۵-۷، تلفن پخش: ۷۷۴۳۴۲۶

گه فروشگاه مرکزی: قم، چهار راه شهداد (عرضه ۱۲۰۰) عنوان کتاب باهمکاری ۱۷۰ ناشر)

گه فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان فلسطین جنوبی، دست چپ کوچه دوم (پشن)، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۵

گه فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

گه فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۰۳۷۰

گه فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

گه نمایندگی‌های فروش کتاب مؤسسه در داخل و خارج کشور (فهرست انتهای کتاب)

پست الکترونیک: E-mail:info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت:

<http://www.bustaneketab.com>

امام خمینی (ره)

سر بعثت رسول اکرم تزکیه
امت است و تعلیم و تربیت
امت.

۱۳۵۸/۶/۲

مقام معظم رهبری (مدظلهالعالی)

ما درس اخلاق پیغمبر، درس
عزّت پیامبر اعظم، درس
علم آموزی و درس رحمت و
کرامت و درس وحدتی را که
ایشان به ما داد و درس‌های
زندگی ماست، باید در برنامه
زندگی خودمان قرار بدهیم.

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۳	عقاید
۱۵	کودک خدا پرست
۲۳	برترین دین
۳۵	رسول مهربان
۴۷	آینه زیبا
۵۹	خورشید مهربان
۷۱	اخلاق
۷۳	گل خوشبو
۸۳	هزار دانه یاقوت
۹۳	نظم و موقیت
۱۰۱	گلستان
۱۱۱	درهای بهشت
۱۱۹	مهربان ترین
۱۳۹	قرآن
۱۴۱	توجه پیامبر به قرآن
۱۵۱	سیمای پیامبر در قرآن
۱۵۹	آداب تلاوت قرآن
۱۷۱	شهر قشنگ

۱۸۳.....	احکام
۱۸۵.....	قطار آمادگی ۱
۱۹۰.....	قطار آمادگی ۲
۲۰۵.....	بهترین هدیه
۲۱۷.....	خانه‌های نورانی
۲۲۷.....	فعالیت‌های پرورشی
۲۲۹.....	کارگاه خلاقیت
۲۴۵.....	کارگاه قصه‌نویسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

سپاس خدای را که بار دیگر توفیق نشر معارف نبوی را در سال پیامبر اعظم به مبلغین حوزه علمیه عنایت فرمود.

سرآغاز پیام وحی خواندن و یادگیری است. حق تعالی خود به عنوان اولین معلم بشریت به پیامبرش چنین دستور داده است: بخوان به نام پروردگارت که انسان را آفرید و به او آموخت آنچه را که نمی‌دانست.

رسالت آشنا کردن انسان‌ها با خداوند، وظیفه اصلی انبیا و ائمه علیهم السلام است و در پی آنان، افرادی که سیراب از سرچشمه علم اهل بیت گشته‌اند. همانانی که با هجرت به دوردست‌های کشور اسلامی، در مسیر تبلیغ دین گام برمی‌دارند.

عرصه تبلیغ، نیاز به آگاهی و شناخت مسائل پیچیده تربیتی دارد. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با توجه به این مهم، همچون سال‌های گذشته درس‌های کاربردی و متنوع در زمینه‌های اعتقادی، احکامی، اخلاقی و... تنظیم نموده است تا مبلغان بتوانند با استفاده از این دروس، معارف دینی را در وجود نوجوانان و جوانان این مرز و بوم نهادینه سازند.

با توجه به نامگذاری سال ۱۳۸۵ به نام مبارک پیامبر اعظم از سوی مقام معظم رهبری، مناسب است مبلغین گرامی با رفتار شایسته در سایه نام و یاد پیامبر، درس‌هایی از زندگی از آن وجود پُربرکت را به امت سلحشور و پیرو راستین اسلامی ناب محمدی بیاموزند.

در پایان از کلیه صاحب‌نظران و نویسنده‌گان و به ویژه محققان مرکز تربیت مربی که با همکاری صمیمانه و مخلصانه خود جهت تدوین ره‌توشه راهیان نور تلاش ارزشمندی را انجام داده‌اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

معاونت فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

عرصه تبلیغ، در هر زمان، باید مجهز به روش‌ها و مزین به ابزارهای مناسب آن زمان باشد.

امروز، با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و روش‌های جدید و به روز، می‌توان بهترین تأثیر را در نسل کنونی ایجاد، و آینده‌ی روش‌شنا را فراروی فردایی بهتر ترسیم کرد. با توجه به فرمایش امام صادق الله علیه السلام که می‌فرماید: «العالی بزمائنه لاتهجم عليه الوابس^۱» مرکز تربیت مریب، امیدوار است مبلغان ارزشمند و طلایه داران ابلاغ مفاهیم دینی به زیان روز، با استفاده از روش‌های گوناگون ارتباط بهتر فرهنگی با کودکان و نوجوانان را فراهم ساخته و این آگاهی به زمانه که لازمه‌ی بهره‌گیری از فرصت‌ها و پیش‌بینی چالش‌های آینده است آنها را در راه مقابله با توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان، توانمندتر ساخته و اسلام را تا دور دست زمان در قلب‌های آماده و پذیرنده‌ی آینده جایگزین سازد.

در این مسیر، تلاش‌های شما را ضرورتی بایسته می‌دانیم و پیام‌های شما را برای نقد این روش‌ها پذیراییم.

لازم است از حجج اسلام: حسینعلی عرب‌انصاری، محمدرضا فیاضی، مسعود شهیدی، حامد محقق زاده، مصیب ایرانی، علی تقدیری، محمدرضا میرزاوی، مجید شیرازی‌فرد، حسین حقیقت، مسلم ناصری و محمود خیری و همچنین اعضاً محترم هیأت تحریریه آقایان: محمدرضا عابدی، غلامرضا محسنی و یحیی علوی فرد که در تدوین و تهیه این کتاب کوشش فراوان نموده‌اند سپاسگزاری نمایم.

انتقادها و پیشنهادهای سازنده شما همواره راهگشای راهی است که در آن قدم نهاده‌ایم، لذا از نظریه‌های خوب و سازنده شما نهایت استقبال را به عمل می‌آوریم.

من الله التوفيق و عليه التكالان

مدیر مرکز تربیت مریب کودکان و نوجوانان

با ارادت به همه مبلغان سخت کوش

محمد حسن راستگو

^۱ کافی، ج ۱، ص ۲۶.

عقاید

نام درس:

کودک خدابرست

موضوع:

عقاید

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با خداشناسی رسول گرامی اسلام در دوران کودکی آشنا می شوند.

اهداف چرکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. خدا آفریدگار جهان؛
۲. علت فرستاده شدن انبیاء از طرف خدا؛
۳. یاری گرفتن پیامبر(ص) از خدا در کودکی؛
۴. رفتار پیامبر(ص) با بحیرا و دعوت از او به خدابرستی.

هدف رفتاری:

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس بتوانند علت فرستاده شدن انبیاء را درک و داستانی از خدابرستی پیامبر(ص) در دوران کودکی ایشان بیان نمایند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال (شعر معماهی، پرسش و پاسخ، خط فانتزی، مسابقه)

رسانه های آموزشی:

کارت



کودک خداپرست

بیخشاید و بس بود مهربان

به نام خدایی که بر بندگان

بچه‌ها سلام. حال شما خوبیه؟ امیدوارم سلامت باشید. درس را با یک شعر
شروع می‌کنم. در آخر باید بگویید کلمه جا افتاده شعر چه می‌باشد؟

هم خوبی و هم مهربان

ای روشنی بخش جهان

منم گلی در بوستان

هستی مرا چون باغبان

هم جسم و جان هم آب و نان

دادی مرا جان و روان

گوش و زبان در ذکر تو

قلبم پر است از مهر تو

مارانگه‌دار ای.....

گویم به شادی این دعا

بله همان‌طور که شما هم حدس زدید. کلمه جا افتاده خدا می‌باشد. بله

بچه‌ها! خدا کیست؟ خدا کسی است که ما و همه موجودات عالم را آفریده است
و به ما نعمت‌های فراوانی داده است. می‌دانید خدا افرادی را هم برای هدایت ما
انسان‌ها فرستاده است. آن‌ها چه کسانی هستند و برای چی و چه کاری فرستاده
شدند؟ انبیاء و پیامبران را خدا فرستاده تا راهنمای ما انسان‌ها باشند و ما را به
خداپرستی دعوت و از شرک و بت‌پرستی دور کنند.

آخرین پیامبر خدا چه کسی است؟ حضرت محمد(ص). حضرت محمد از همان کودکی خداپرست بود، از هر گونه بتپرستی بدش می آمد و با رفتار خود مردم را به خداپرستی دعوت می کرد. خوب است یک داستان از همان دوران برایتان بگویم.

یک روز پیامبر(ص) نزد حلیمه (دایه‌اش) رفت و گفت: «من هم می خواهم امروز با ضمراه (برادر رضاعی پیامبر(ص)) صحرابروم». حلیمه او را بوسید و گفت: «دوست داری با او باشی؟» حضرت محمد(ص) که در آن زمان چهارساله بود گفت: «خیلی دوست دارم با گله گوسفندان در صحراباشم». حلیمه او را در آغوش گرفت و به طرف خیمه حرکت کرد. او را زمین گذاشت و گفت: «همینجا باش من برمی گردم». چند دقیقه بعد، در حالی که پارچه‌ای در دستش بود برگشت و آن را به گردن پیامبر(ص) آویزان کرد. حضرت رسول(ص) فرمود: «این چیست؟» حلیمه گفت: «عقیق یمانی است که ما برای حمز از آن استفاده می کنیم. می خواهم با این کار تو از چشم زخم در امان باشی». محمد(ص) آن را از گردن درآورد و به حلیمه داد و گفت: «من کسی را دارم که حفظم می کند و آن خدای بزرگ است». و بعد به سوی گوسفندان دوید و رفت.^۱

خُب بچه‌ها! این کلمه را بخوانید: ————— این که خط است خوانده نمی شود. یک مقدار کامل‌تر می کنم. حالا بخوانید —————^{۰۰} باز هم سخت است. اما من توضیح کوتاهی در مورد این کلمه می گویم شما حدس بزنید!

^۱ زین العابدین رهنما، پیامبر(ص)، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۵، ج ۱۹، ص ۱۷۲.

مجسمه‌هایی از شکل انسان یا حیوان از چوب، سنگ، فلز یا چیز دیگر ساخته می‌شد و عده‌ای آن‌ها را پرستش می‌کردند و در مقابل آن‌ها به

سجده می‌افتدند. به آن مجسمه‌ها چه می‌گویند؟ بله **پن**

اما بچه‌ها! آیا از آن مجسمه، کاری ساخته بود؟ می‌توانستند از فردی دفاع کنند و شخص را کمک کنند و آیا می‌توانستند از خودشان دفاع کنند؟ نه. همه پیامبران و فرستادگان خدا، مانند پیامبر اسلام(ص) آمدند تا مردم را به خداپرستی و دوری از بت دعوت کنند، ولی باز هم عده‌ای دست‌بردار نبودند. در این مورد یک داستان برای شما می‌گوییم.

پیامبر(ص) ۱۲ ساله بود. ابوطالب که سریرستی ایشان را بر عهده داشت، تصمیم گرفت برای تجارت به شام برود. چون نمی‌توانست دوری محمد(ص) را تحمل کند، دست او را گرفت و همراه کاروان به سمت شام حرکت کرد. پیامبر(ص) در حالی که روی شتر سوار بود، راه دور مکه تا شام را پیمود، تا این که قافله به بصراء (شهری نزدیک شام) رسید. زاهدی مسیحی و گوشه‌گیر به نام بحیراء در خارج شهر زندگی می‌کرد. وقتی که از نزدیک او قافله رد می‌شد متوجه شد تکه ابری بالای سر آن‌ها حرکت می‌کند. گوشه‌ای ایستاد و به شخصی که در آنجا بود گفت: «برو به آن‌ها بگو امروز مهمان من هستید». آن‌ها دعوت بحیراء را قبول کردند و همگی به صومعه (محل عبادتگاه) او وارد شدند به جز محمد(ص) که از اثنایه مسافران مواطبت می‌کرد و در آنجا مانده بود. بحیراء دید که ابر حرکت نمی‌کند. از آن‌ها پرسید: «آیا همه حاضرند؟» همه گفتند: «آری به

جز جوانی که کوچکتر است.» گفت: «او را بگویید بباید.» وقتی که حضرت محمد(ص) راه افتاد، ابر هم حرکت کرد. راهب در حالی که خیره خیره به محمد(ص) نگاه می کرد پس از صرف غذا گفت: «من از تو پرسشی دارم. تو را به لات و عزی (دو بت معروف بت پرستان) قسم می دهم مرا جواب بد! حضرت محمد (ص) تا نام این دو بت را شنید گفت: «بدترین اسمها نزد من همین دو اسم است.» بحیرا تا این حرف را شنید از حرف خود پشمیمان شد و گفت: «تو را به خدای یگانه سوگند می دهم پاسخ مرا بد!» حضرت محمد(ص) فرمود: «حالا هر چه می خواهی بپرس.» بحیرا نیز پرسش های زیادی پرسید و بعد به حضرت ابوطالب گفت: «این جوان آینده درخشانی دارد از او مواظبت کن.^۱» حالا یک معما از شما می پرسم.^۲

کدام ذکر است که هر روز ۹ بار در نماز هایمان آن را من خوانیم؟

این ذکر یک ویژگی دارد و آن این است که در هنگام خواندن آن لب های ما

به هم نمی خورد؟

لا اله الا الله

يعنى: نيسىت معبودى جز خدائى يگانه

با اين معما وارد مسابقه امروز می شويم. برای اجرای مسابقه دو گروه شرکت کننده می خواهيم. ۱۷ تا سؤال داريم. از هر گروه ۸ سؤال می پرسم و سؤال هفدهم را از دو گروه می پرسم هر گروه زودتر و کامل تر جواب داد امتیاز بیشتری می گيرد. طريقه اجرای مسابقه اين است که از هر گروه سؤالات مربوط

^۱ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، دارالوفا، بيروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۴۱۰.

^۲ مربي بچه ها را به دو گروه مساوي تقسيم می کند. هر گروه که جواب مثبت داد کارت مربوطه را به آنها بدهد، حرف روی کارت برای گروه اول، فرد و برای گروه دوم، زوج است.

به آنها را می‌پرسم. اگر جواب صحیح داده شد، یک کارت که روی آن شماره سؤال و حرف رمز نوشته شده است داده می‌شود و اگر جواب صحیح داده نشد، کارت نزد مربی می‌ماند. در آخر هر گروه کارت بیشتری گرفت، امتیاز بیشتری هم می‌گیرد!.

سؤالات گروه اول:

۱. همان شکر و ستایش است: پ سپاس
۲. بهترین کتاب ماست آیه‌هایی از خداست: ر قرآن
۳. از اصول دین و نام سوره‌ای از قرآن: و توحید
۴. حضرت محمد(ص) پیش از بعثت در آن غار به عبادت مشغول بود: حرا ر
۵. با خود نویس و خودکار او نیز هست همکار: د مداد
۶. به جوی خون در بدن گفته می‌شود: گ رگ
۷. راز بی‌پایان چیست؟ ۱ را
۸. کاری که در اسلام به جا آوردنش گناه است: ر حرام

سؤالات گروه دوم:

۱. آفتاب از آنجا طلوع می‌کند: ش مشرق

^۱ مربی به سلیقه خود امتیازی برای هر سؤال در نظر بگیرد. مثلاً ۵، ۱۰، ... امتیاز. بادآوری می‌شود که حرف نوشته شده روی کارت دومین حرف از جواب سؤال است. سؤال مشترک برای هر دو گروه مطرح، هر کدام زودتر جواب داد امتیاز می‌گیرد.

- | | | |
|----------------------------|--------|---|
| <input type="checkbox"/> م | نماز | نمایش واجب به ماست چون که دستور خداست: |
| <input type="checkbox"/> ا | نامی | به کسی که مشهور نامدار است چه گویند؟ |
| <input type="checkbox"/> ی | میت | نمایر واجبی که رکوع و سجده ندارد؟ |
| <input type="checkbox"/> ک | تکویر | سوره قرآن که اگر حرف اولش را برداریم بیابان می‌شود: |
| <input type="checkbox"/> ی | نیکنام | کسی که نامش را به نیکی می‌برند: |
| <input type="checkbox"/> ا | سال | از اول نوروز تا آخر اسفند است: |
| <input type="checkbox"/> س | | کسی که مأمور رساندن پیام از طرف خدا برای دیگران است: رسول |

سؤالهای مشترک برای هر دو گروه:

باز کن آن را بخوان از زمین و آسمان: کتاب ت

سؤالات از دو گروه پرسیده شد و هر گروه کارت‌هایی دریافت کردند. هنوز برنده مشخص نشده است. من هم ۱۷ کارت را یک بار به گروه اول و یک بار به گروه دوم می‌دهم. یک زمان مشخص در نظر گرفته می‌شود. در این فرصت هر گروه زودتر پیام را حدس زد ^{۱۰} امتیاز می‌گیرد.^۱

پیام جدول سخنی است از رسول گرامی اسلام در مورد موضوع درس امروز:

پژوهشگار شما یکی است

^۱ همان طور که توضیح دادیم سوال‌ها امتیاز خاص خود را دارد. ۱۰ امتیاز را مرتب برای به دست آوردن پیام در نظر بگیرید در وقت مشخص شده مثلاً ۳ دقیقه هر گروه زودتر به پیام رسید روی کاغذی بنویسد و نزد خود نگهدارد و در همان فرصت گروه دیگر انجام دهد اگر دو گروه مساوی بودند هر کدام ۱۰ امتیاز کامل را می‌گیرند که وقتی با امتیاز گذشته جمع شد هر گروه بیشتر امتیاز داشت برنده مسابقه خواهد بود.

^۲ سید محسن امین، سیره معمصومان، ترجمه علی حاجتی کمانی، سروش، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹۳.

نام درس:

برترین دین

موضوع:

عقاید

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با اهمیت دین اسلام آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. مسلمان چه کسی است؟

۲. اسلام موجب عزت و افتخار مسلمین است؛

۳. اسلام کامل ترین و آخرین دین الهی؛

۴. راههای تعرض به دین اسلام؛

۵. راههای حفظ دین.

هدف رفتاری:

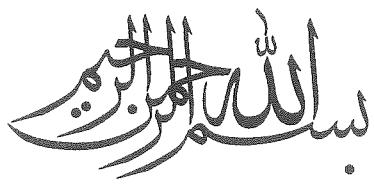
از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس بتوانند اهمیت اسلام از لحاظ کامل ترین دین را درک کرده و برخی از راههای حفظ دین را بیان نمایند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی ، فعال (جمله سازی، پرسش و پاسخ، مسابقه)

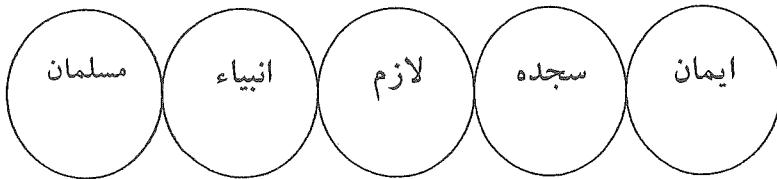
رسانه های آموزشی:

کارت



پر تریین دین

خدا یا یاریم کن تو به قدرت به نام خود که رحمان و رحیمی
بچه ها سلام! حال شما چطوره؟ خدا را شکر، امیدوارم موفق باشید! حتماً
آماده اید درس را شروع کنم. در آغاز درس، پنج تا سؤال از شما می پرسم:
۱. نقیض کفر است:
۲. از ارکان نماز که پس از رکوع انجام می دهیم:
۳. به معنای واجب و ضروری است؟:
۴. این کلمه جمع «نبی» می باشد:
۵. به پیرو دین اسلام چه می گویند:



پنج کلمہ مورد نظر درست شد، قلم و کاغذی آماده کنید، می خواهیم یک مسابقه اجرا کنیم. چه مسابقه‌ای؟ مسابقه جمله سازی. چند دقیقه به شما فرصت می دهیم با این پنج کلمه یک جمله با معنا درست کنید! جمله مورد نظر در مورد مسلمان است.

جمله‌ای که من ساختم برایتان می خوانم. گوش کنید: «لازم است مسلمان به یگانگی خدا و نبوت انبیاء او ایمان بیاورد و فقط در مقابل خدا سجده کند». مگر کسی برای غیر خدا هم سجده می کند؟ بله، عده‌ای جا هل بودند که در مقابل بت‌ها که خودشان با سنگ و چوب و... درست می کردند، به خاک می افتدند و آن‌ها را عبادت می کردند. حالا که صحبت به این جا رسید، خوب است که یک داستان برایتان بگویم.

عده‌ای از مسلمانان برای رهایی از اذیت قریش و پرستش خدای یگانه تصمیم گرفتند که مکه را ترک کنند. ولی متوجه بودند کجا بروند. سراسر شبه جزیره را بت‌پرستی فرا گرفته بود. وقتی اصحاب آن حضرت درباره مهاجرت پرسیدند، پیامبر (ص) فرمود: «صیحگاه به خاک حبشه سفر کنید! برای شما سودمند خواهد بود؛ زیرا بر اثر وجود یک زمامدار دادگر در آن جا به کسی ستم نمی شود. شما می توانید در آن جا به سر ببرید.»

مسلمانان به حبشه رفتند. پادشاه مهریان آن جا از مسلمانان استقبال کرد، اما دشمنان اسلام که در مکه زندگی می کردند، فهمیدند. لذا دست به کار شدند و دو نفر نماینده فرستادند تا به حبشه بروند و از پادشاه آن جا بخواهند که مسلمانان را

^۱ مریم جمله‌های بجهه‌ها را بشنود و بعد خودش جمله مورد نظر را بخواند. اگر شخصی جمله زیبایی ساخته بود تشویق شود. مریم می تواند در صورت لزوم از کارت برای شناساندن بهتر مطلب استفاده کند.

تحویل آنها بدهند. وقتی که آمدند و وارد کاخ شاه شدند، بر شاه سجده کردند، اما سردهسته مسلمانان وقتی وارد شد، گفت: «سلام بر کسی که پیرو هدایت است» و گوشهای نشست. یکی از دشمنان به پادشاه گفت: «دیدی آنها بر شما سجده نکردند. باید آنها را بکشید یا به ما تحویل بدهیم». سردهسته مسلمانان گفت: «ما مسلمانیم. مسلمان حق ندارد برای غیر خدا سجده کند». بله بچه‌ها! پادشاه حبشه وقتی رفتار نیکوی مسلمانان را دید، مسلمان شد و از آنها پذیرایی کرد و آنها را نزد خود نگهداشت^۱.

اما دو تا سؤال می‌پرسم. آماده‌اید؟

پادشاه حبشه چه نام داشت؟ نجاشی

سردهسته مسلمانان چه کسی بود؟ جعفر بن ابی طالب، پسرعموی پیامبر(ص) بچه‌های عزیزاً می‌دانید این عزت و افتخاری که مسلمانان در حبشه داشتند به چه علت بود؟ علت را من در پنج کلمه گذشته نوشتم.

دقت گنید ببینید جواب را در آنها پیدا می‌کنید؟ کلمه ششمی که در آن کلمه‌ها پنهان شده است، چیست؟ حروف اول را به هم وصل گنید چه

می‌شود؟ اسلام

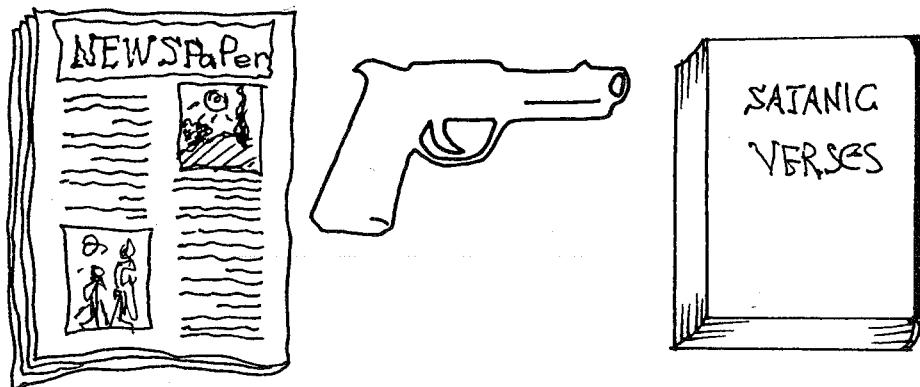
اسلام چگونه دینی است؟ من دو کلمه می‌نویسم شما کامل کنید.

آخر → اسلام → کامل

همان طور که شما هم حدس زدید، اسلام آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی است. این دین از حیث مسائل اجتماعی، اخلاقی، عبادی، سیاسی... بسیار کامل

^۱ جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲، ج ۸، چ ۱، ص ۳۰۹ و ۳۱۰

است و هر روز افراد زیادی در سراسر جهان جذب این دین آسمانی می‌شوند. افرادی هم هستند که با اسلام دشمنی می‌کنند و با انواع حیله و نیزگرگ می‌خواهند مردم را از اسلام دورکنند. شما می‌دانید دشمنان از چه راه‌ها و چگونه به دین اسلام حمله می‌کنند. به این شکل‌ها نگاه کنید!



شکل اول چه چیزی را می‌فهماند؟

ما با اسلحه به یاد جنگ می‌افتیم. بله دشمنان اسلام، به مسلمانان حمله مسلحانه می‌کنند تا آن‌ها از دیشان دست بردارند. در زمان پیامبر(ص) جنگ‌های فراوانی بر علیه اسلام راه انداختند تا به هدفشان برسند. می‌دانید اولین و آخرین آن جنگ‌ها را نام ببرید؟ بله، اولین جنگ بدرو آخرین آن‌ها تیوک بود.

آیا مسلمانان تسلیم شدند؟ نه آن‌ها با رهبری پیامبر(ص) و با ایثار و از خود گذشتگی از اسلام دفاع کردند.

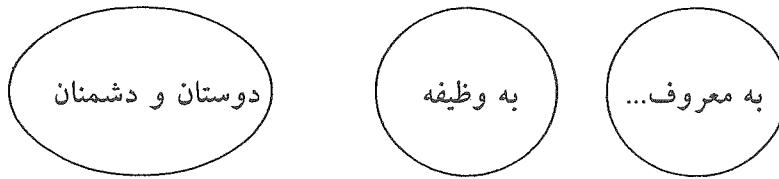
^۱ مربی این شکل‌ها را بکشد. وقتی نوبت به توضیح مربوط به آن‌ها رسید با دست اشاره کند یا تصویر آن را نشان بدهد.

اما بچه‌ها! در همان زمان‌ها عده‌ای از دشمنان بودند که به اسلام و پیامبر(ص) توهین می‌کردند و حرف‌های ناروا بر زبان می‌آوردن. الان که سال‌های زیادی از زمان پیامبر(ص) می‌گذرد، دشمنان باز هم ساكت نمی‌نشینند و دائم توطئه می‌کنند و ضد اسلام کتاب می‌نویسند. مثل کتاب آیات شیطانی که سلمان رشدی ضد اسلام و پیامبر(ص) نوشت و جدیداً هم وقتی دیدند کتاب اثری ندارد چه کردند؟ کاریکاتورهایی از پیامبر(ص) کشیدند تا مردم مسلمان را از اسلام و پیشوایان دینی خود دور کنند. أما آیا موفق شدند و یا می‌شوند؟ نه، هر چه تلاش کنند، محبت ما به اسلام و پیامبر(ص) بیش‌تر می‌شود.

اما می‌دانید وظیفه ما که مسلمانیم در برابر دینمان چیست؟ چه کار کنیم تا دین از خطرها حفظ شود؟ نخست این که هوشیار باشیم و حواسمن را جمع کنیم و بعداً این که کارهایی را انجام دهیم که من در پایین می‌نویسم.^۱



من سه کلمه دیگر می‌نویسم شما کلمه‌های مربوط به هم را مشخص کنید.



^۱ مربی راههایی که بچه‌ها پیشهاد می‌کنند بشنو و سپس توضیحات لازم را در تکمیل آن‌ها بیان کند. بعد خودش کلمه‌ها را روی تخته بنویسد و از بچه‌ها بخراهد کلمه‌های مربوط به آن‌ها را حدس بزنند.

بله: عمل به وظیفه.

شناخت دوستان و دشمنان.

امر به معروف و نهی از منکر.

من سؤال می پرسم شما جواب بدھید! اگر می خواهیم دینمان حفظ شود چه باید کرد؟ به وظیفه خودمان عمل کنیم. آنچه خدا بر ما واجب کرده انجام بدهیم و آنچه را حرام نموده ترک کنیم.

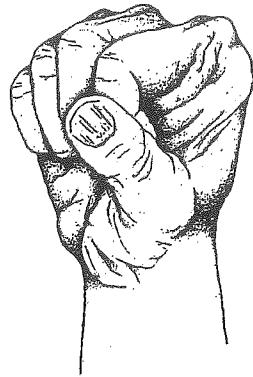
دیگر این که: در جامعه بی تفاوت نباشیم. چگونه؟ اگر کار ناشایستی از مسلمانی دیدیم به او تذکر بدهیم و او را نصیحت کنیم و به کار معروف (شايسه) او را راهنمایی کنیم.

دیگر چه کاری کنیم؟ دوستان و دشمنان را بشناسیم. اگر دشمنان اسلام را شناختیم در مقابل آنها ایستادگی کنیم تا بتوانیم از حقمان دفاع کنیم. یک راه مهم دیگر هست که شما نگفتید. من شکل آن را کشیدم. آن چیست؟^۱ یک دست چند انگشت دارد؟ پنج تا.

هر کدام از این انگشت‌ها یک کاری انجام می‌دهند و از هم جدا هستند؛ اما می‌دانید وقتی دشمنی انسان را تهدید کند، انگشتان چگونه می‌شوند؟ بله، به شکل مشت در می‌آیند و دفاع می‌کنند.

^۱ مریبی در این جا شکل دست را می‌کشد یا از قبل روی مقوا بکشد و آماده کند. مریبی از بجهه‌ها بخواهد یک بار دیگر راههای حفظ دین را با هم تکرار کند.

می‌دانید دشمنان از مسلمانان چه می‌خواهند؟ دشمنان دوست دارند ما با هم اختلاف داشته باشیم و همیشه با یکدیگر دعوا کنیم. در این صورت آنها به هدفمان می‌رسند.



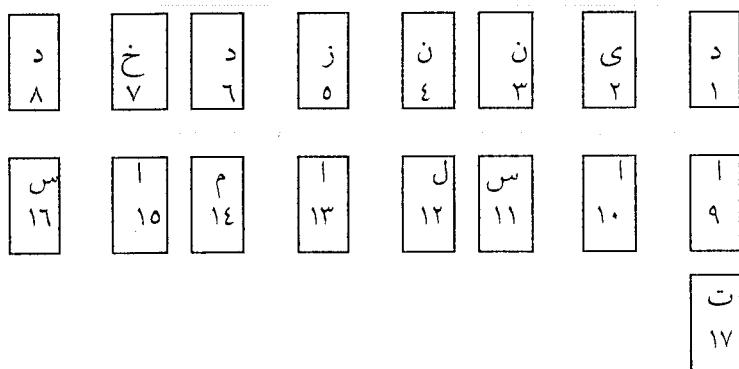
اما ما برای حفظ دین چه کار باید بکنیم؟ دست در دست هم بدهیم و با هم متحد شویم و مثل یک مشت با دشمنان بجنگیم. در این صورت پیروز خواهیم شد. حالا که شما بچه‌ها با هم خوب هستید. می‌خواهیم با کمک شما مسابقه‌ای برگزار کنیم. آماده‌اید؟^۱
بله، مسابقه ما دو مرحله دارد.

مرحله اول:

امروز یک مسابقه داریم با دو گروه شرکت کننده که از قبل انتخاب شده‌اند.

^۱ مربی از قبل افرادی را انتخاب یا در کلاس افرادی را جهت مسابقه برگزیند تا در قالب دو گروه مساوی رقابت کنند.

در این مسابقه ما ۱۷ سؤال داریم و ۱۷ تا کارت که روی هر کارت شماره سؤال و یک حرف از حروف جواب نوشته شده است.^۱ هر گروه طبق نوبت باید از شماره ۱ تا ۱۷ یک شماره را انتخاب کند که سؤال مربوط به همان شماره پرسیده می‌شود. اگر پاسخ آن گروه صحیح بود، کارت به آن‌ها داده می‌شود. اگر شماره‌ای یک بار انتخاب شد، نباید دوباره انتخاب شود. اگر گروهی شماره‌ای را که قبلاً انتخاب شده بگویید، سؤال از آن‌ها پرسیده نمی‌شود و نوبت به گروه بعدی می‌رسد. در مجموع هر گروهی که کارت بیشتر و اشتباه کمتری داشت برنده است.



سؤال‌های مسابقه:

۱. علم و دانایی است این دانش د (۱)
۲. زود گفتی آفرین: روی این برگه نوشته هرگز ردنشوتو از چراغ قرمز: جریمه م (۱۴)

^۱ لازم به یادآوری است که حرف جواب در این مسابقه حرف اول یا دوم نیست، بلکه از هر جواب حرف خاصی به سلیقه خودمان انتخاب و روی کارت نوشتیم. چون کارت‌ها فرد است مربی طبق سلیقه، کارت شماره ۱۷ را از هر دو گروه بپرسد و امتیاز لازم را بدهد.

۳. یک سوره قرآن کریم است وارونه بخوان که نون و جیم است: جن ن (۴)
۴. به فرد درستکار، مورد اعتماد و امانتدار چه می‌گویند؟ امین ن (۳)
۵. زرنگ ز (۵) شاگرد اول چون نیست تنبیل:
۶. آهی که از آتش بلند است: دود د (۸)
۷. کسی که بد نباشد بدی بلد نباشد: خوب خ (۷)
۸. به عمل کردن فتوای مجتهد در مسایل دینی چه می‌گویند؟ تقلید ت (۱۷)
۹. نشانه ادب است: سلام ل (۱۲)
۱۰. به کسی که قرار ندارد چه می‌گویند؟ بی قرار ا (۱۰)
۱۱. در آن جا نماز خواندن ثواب بیشتری دارد: مسجد د (۶)
۱۲. اشک گل محمدی به جدول خوش آمدی: گلاب ا (۱۳)
۱۳. دور خانه گشتن است آرزوی هر تن است: طوف ا (۱۰)
۱۴. به سوره‌های قرآن که در مکه نازل شده، چه می‌گویند؟ مکی ی (۲)
۱۵. معروف‌ترین لقب امام دهم چیست؟ هادی ا (۹)
۱۶. قرآن ۱۱۴ تا ز آن‌ها را دارد: سوره س (۱۶)
۱۷. فوری بگو به ما خاموش و بی صدا:
- آفرین به همه شما که به سؤالات پاسخ دادید^۱. حالا نوبت مرحله دوم مسابقه
است.

^۱ در این جا مشخص می‌شود که کدام گروه کارت بیشتری دارند. مرتب برای هر کارت امتیازی (مثل ۱۰ و ۲۰ و...) در نظر بگیرد. بعد مرحله دوم را اجرا کند که برای این مرحله نیز امتیازی (۱۰) در نظر گرفته شود و در مجموع دو مرحله هر گروه بیشتر امتیاز داشت تشویق شود.

مرحله دوم مسابقه:

من ۱۷ کارت مسابقه را یک بار در اختیار گروه اول و یک بار به گروه دوم می‌دهم. هر گروه طبق شماره‌های روی کارت یک دقیقه فرصت دارند تا با مرتب کردن کارت‌ها پیام را به دست آورند. هر گروه زودتر و کامل‌تر پیام را به دست آورد، امتیاز را کامل می‌گیرد. پیام ترجمه آیه‌ای از قرآن در مورد اسلام است.

پیام: «دین نزد خدا اسلام است!»

نام درس:

رسول مهریان

هم‌صیغه:

عقاید

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با بعضی از رفتارهای پیامبر اکرم (ص) آشنا می شوند.

اهداف چرخی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. رفتار پیامبر (ص) با عموم مردم؛
۲. رفتار پیامبر (ص) با خویشان و دوستان خود؛
۳. رفتار پیامبر (ص) با نیازمندان؛
۴. رفتار پیامبر (ص) با کودکان؛
۵. رفتار پیامبر (ص) با گناهکاران.

هدف رفتاری:

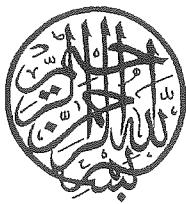
از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان این درس با بعضی از رفتارهای پیامبر (ص) بیشتر آشنا شده و آنها را در زندگی سرمشق قرار داده و به آنها عمل کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (داستان، شعر، راز گل‌ها، کارت بازی، سرود.)

رسانه‌های آموزشی:

تخمه سیاه، کارت



رسول مهرپا

به نام خداوند بخشنده مهریان
دانش آموزان عزیز سلام علیکم. ان شاء الله حال همه (خوب)، احوال (عالی)،
او ضاع (مناسب)، حواس‌ها (جمع جمع).

همیشه کارهای خود را با نام خدای بزرگ و دو صفت او آغاز می‌کنیم. کدام
صفات؟ بله، بخشنده و مهریان (همین الان هم برنامه را با همین دو صفت شروع
کردیم).

خداوند بخشنده است؛ زیرا نعمت‌های زیادی به ما بخشیده است و می‌بخشد!
و هم مهریان است. آیا شما می‌خواهید نشانه‌های افراد مهریان را بدانید؟ برای این
کار باید از خود «اراده» داشته باشیم. بعضی‌ها مثل پر کاه هستند و از خود
اراده‌ای ندارند و در کارهایشان فکر نمی‌کنند و هر جور دیگران بودند و هر کار
دیگران کردند (چه خوب و چه بد) آن‌ها هم انجام می‌دهند. ولی انسان‌های
خوب در کارهایشان فکر می‌کنند و از انسان‌های خوب سرمشق و الگو می‌گیرند

و...

حالا کمی به کلمه و حروف «اراده» نگاه کنید تا نشانه‌های مهربانی را پیدا کنید.

۱ ← احترام احترام گذاشتن به دیگران نشانه مهربان بودن با آنها است؛ مثل سلام کردن، اسم آنها را مؤدب صدا کردن، در مجلس برای آنها جا باز کردن و....

۲ ← راهنمایی کسی که مهربان است همیشه چیزهای خوبی را که می‌داند به دیگران هم می‌گوید، تا آنها را راهنمایی کند و از کارهای بد و خطرناک نجات دهد و....

۳ ← اهداء کسی که مهربان است هر کمکی که بتواند به دیگران می‌کند؛ کمک مالی، کمک در انجام کارها، کمک فکری و...

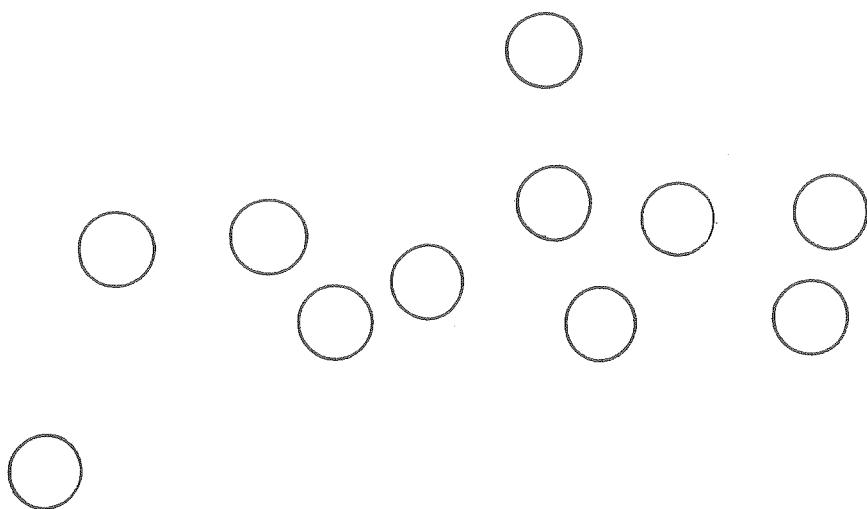
۴ ← دوستی آدم مهربان همیشه با دیگران دوست و رفیق است و به آنها محبت دارد.

۵ ← هدیه هدیه دادن به دیگران نشانه مهربانی است و دوستی را زیاد می‌کند. اینها بخشی از علامت‌های مهربانی است. آیا شما نشانه‌دیگری می‌توانید بگویید؟

خوب حالا می‌خواهید با کسی که این نشانه‌ها را دارد آشنا شوید؟
او نه تنها به ما انسان‌ها مهربان است که نسبت به حیوانات هم مهربان است.
نه تنها نسبت به ما و حیوانات که نسبت به همه عالمیان مهربان است. خداوند هم او را مهربان معرفی کرده و در باره او فرموده است... چه فرموده است؟ پس

^۱ اگر داش آموزان نشانه‌دیگری گفتند مریب به این نشانه‌ها اضافه می‌کند.

با هم راز این دایره‌ها را کشف می‌کنیم تا متوجه شویم او کیست و خداوند در بارهٔ او چه فرموده است.



۱. جسم نیست؟ روح

۲. به معنی دوست داشتن؟ محبت

۳. غیب بی سر؟ بی

۴. راه بی پایان؟ را

۵. یکی است؟ یگانه

۶. ماه کوچک؟ مه

۷. فرزند مرغ؟ جوجه

۸. مؤمنین دارند؟ ایمان

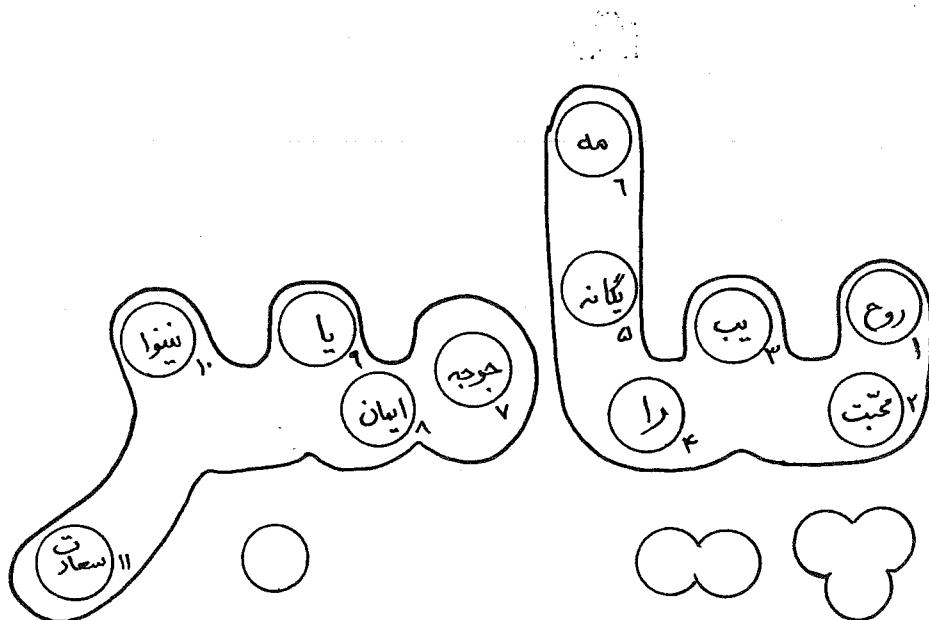
۹. یاس دم چیده؟

نینوا

۱۰. نام دیگر کربلا؟

۱۱. با عمل به دستورات خداوند به آن می‌رسیم؟ سعادت

اگر حرف اول و آخر هر دایره را به هم وصل کنیم. راز آن‌ها به دست می‌آید.
رحمتی برای همه جهانیان است. او کیست?
حالا دایره‌ها را به هم وصل کنید.



آیا من دانید این جمله زیبا معنی کدام یک از آیات قرآن است؟ بلی،
پیامبر(ص).

آیه «و ما ارسلناک الٰ رحمة للعالمين^۱»

معنی این آیه چیست؟ چه کسی می‌داند؟

یعنی «ما تو را نفرستادیم مگر این که برای جهانیان رحمت باشی.» یعنی وجود پیامبر و کارهای او، نیت او و همه چیز او در این مسیر بود که نفعی به مخلوقات برساند و باری را از دوش آن‌ها بردارد و به آن‌ها کمک نماید. حالا با هم به این داستان گوش کنید:

اذان تمام شد، خیلی زود صفحه‌ای نماز بسته شد. هر کس از راه می‌رسید خودش را در صفحه نماز جماعت جا می‌داد. همه متظر بودند که نماز جماعت شروع شود. پیامبر از جا برخاستند. مثل همیشه لبخندی بر لب داشتند. نگاهی به صفحه‌ای بلند نمازگزاران انداختند. بعد، رو به قبله ایستادند و برای نماز آماده شدند. دل‌های نمازگزاران با نیت نماز آرامش پیدا کرد. لب‌ها بسته شد. زمزمه‌ها خاموش شد. گوش‌ها بازتر شدند تا موج صدای پیامبر را از فضای مسجد بهتر بگیرند.

الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم این صدای پیامبر بود که شروع نماز را اعلام می‌کرد.
الحمد لله رب العالمين....

از کسی صدایی به گوش نمی‌رسید، حتی صدای نفس نمازگزاران هم شنیده نمی‌شد. پیامبر آیه‌های سوره حمد را بدون عجله و با آرامش می‌خواندند. صدای پیامبر در فضای مسجد پیچیده بود. همه همراه با صدای آرامش بخش پیامبر، خدای مهریان را عبادت می‌کردند.

ناگهان در رکعت دوم وضع عوض شد. آرامش پیامبر و بقیه به هم ریخت. آن‌ها که پشت سر پیامبر نماز می‌خواندند، متوجه شدند که ایشان سعی دارد نماز

را با عجله بخواند و تند به پایان برساند. همه از این کار پیامبر تعجب کرده بودند؟

نماز زودتر از همیشه به پایان رسید. پیامبر دعاهاي بعد از نماز را نخواند. با عجله از جلوی نمازگزاران برخاست چهره ایشان نگران بود و لبخند همیشگی بر لبانشان دیده نمی شد. پیامبر با عجله از مسجد خارج شد، اما کسی جز ایشان مسجد را ترک نکرد. همه در انتظار بودند تا دلیل عجله و نگرانی پیامبر را بفهمند. از یکدیگر می پرسیدند:

- چرا پیامبر رکعت‌های آخر نماز را با عجله خواند؟

- چه شد که پیامبر نماز را زود تمام کرد؟

- چرا بعد از نماز مثل همیشه دعا نخواند؟

- چرا با عجله از مسجد خارج شد؟

پرسش‌ها زیاد بود، اما کسی نبود که دلیل رفتار پیامبر را بداند و به پرسش‌های مردم پاسخ بدهد.

همه چشم به در دوخته بودند، اما انتظارها طولانی شد. عاقبت، پیامبر به مسجد برگشتند. باز هم آرامش در رفتارشان بود و لبخند همیشگی بر لب‌های ایشان نقش بسته بود.

مردم به طرف پیامبر رفتند و دلیل کارشان را پرسیدند. پیامبر جواب دادند. مگر هنگام نماز نشینید که کودکی گریه و زاری می کرد؟ همه فهمیدند که پیامبر برای کمک به آن کودک و آرام کردن او نمازشان را زودتر تمام کرده است^۱.

^۱ مصطفی رحماندوست، هفت حکایت از بچه‌ها و پیامبر.

اخلاق نیک و مهربانی پیامبر اکرم (ص) باعث شد که روز به روز مردم بیشتری به آن حضرت ایمان بیاورند. چون هر چه بیشتر به آن حضرت نزدیک می‌شدند و آشنا می‌شدند، می‌فهمیدند تمامی دستورات پیامبر به نفع آنها است. او همیشه می‌خواهد نفعی به آن‌ها برساند یا ضرری را از آن‌ها دور کند و او چیزی را برای خود نمی‌گوید و برای خود نمی‌خواهد.

آیا شما هی توانید بعضی از دستورات پیامبر را بیان کنید؟^۱

- | | | | | |
|-----------------------------------|--|-----------------------------------|-------------------|----------------------------------|
| بَتْ | رَا نِپَرْسِتِيد. | خَدَائِي يَكْتَأ | رَا بِپَرْسِتِيد. | دَخْتَرَانَ خَوْدَ رَا نِكْشِيد. |
| كُوْدَكَانَ رَا مَحْبَّتْ كَنِيد. | بَزْرَغْسَالَانَ رَا احْتَرَامَ كَنِيد. | پَدْرَ وْ مَادَرَ رَا اطَّاعَتْ | | |
| كَنِيد. | بَاسِيدْ وْ غَذَائِي پَاكِيزَه بَخُورِيَد. | خُونَ يَكْدِيْگَرَ رَا نِرِيزِيد. | | |
| مَرِيضَ رَا عِيَادَتْ كَنِيد. | حَيْوانَاتَ رَا آَزارَ نِدَهِيد. | رَاسْتَگُو بَاسِيد. | | |

با انجام دستورات پیامبر مردم روز به روز آگاه‌تر می‌شدند. به همین دلیل کسانی که مردم را دوست نداشتند، با آن حضرت دشمنی می‌کردند و آن حضرت را اذیت می‌کردند تا از دعوت خود دست بردارد، ولی آن حضرت دست برنمی‌داشتند و حتی نسبت به دشمنان خود هم مهربان بودند و آن‌ها را شرمنده می‌کردند.

برای قدردانی از مهربانی‌ها و محبت‌های آن حضرت، این شعر زیبا را به آن حضرت تقدیم می‌کنیم. گوش کنید!

^۱ مریم این کلمات را روی کارت‌ها نوشته و با نشان دادن هر یک، از داش آموزان می‌خواهد تا دستورات پیامبر را پیرامون آن بیان کنند.

آمدی مثل نور و مثل سحر
 مثل روئیدن گل خورشید
 مثل یک چشمۀ زلال و روان
 که از آن آب زندگی جوشید
 از لبانت چو رود جاری شد
 آیه‌های کتاب بیداری
 ریخت بر چشم‌های خواب‌آلود
 هر کلام تو آب بیداری
 از «حرا» چون که آمدی بیرون
 قاصد مژده خدا بودی
 بر لبانت پیام رحمت بود
 بهترین بندۀ خدا بودی
 آمدی تا شب ستمکاری
 برود نوبت سحر گردد
 تا به دل‌های خسته و تاریک

محمد علی دهقان

نور ایمان و عشق برگردد^۱.

پیامبر اکرم(ص) نه تنها نسبت به مؤمنین و مسلمانان و انسان‌ها مهربان بودند بلکه مهربانی او شامل دیگر موجودات هم می‌شد.
 یکی از یاران پیامبر می‌گوید:

در یک سفر، در خدمت پیامبر اکرم(ص) بودیم. چشم ما به پرنده‌ای (خمره که همانند گنجشک است) افتاد که دو جوجه با خود داشت. ما جوجه‌هایش را

^۱ محمود پوروهاب، مجید ملامحمدی، آیه‌های آنفاب.

برداشتیم. آن پرنده در اطراف ما بال و پر می‌زد و سروصدامی کرد و معلوم بود که بسیار نگران است.

پیامبر اکرم(ص) متوجه نگرانی و پریشانی پرنده شدندو فرمودند: «چه کسی نسبت به جوجه‌های این پرنده، این کار اشتباه را انجام داده و آن‌ها را اذیت کرده است؟ هر کس چنین کاری کرده، هر چه زودتر جوجه‌ها را به جای خودشان برگرداند^۱.»

درباره مهربانی پیامبر اکرم(ص) داستان‌های زیادی هست که ان شاء الله با مطالعه زندگانی آن حضرت می‌توانید از خواندن آن‌ها لذت ببرید.

ما هم برای شکرگزاری از خداوند که چنین پیامبری به ما داده است، سعی می‌کنیم با دستورات آن حضرت بیشتر آشنا شویم و به آن‌ها عمل کنیم. حالا همه با هم برنامه خود را با سلامی به آن حضرت به پایان می‌بریم. السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا محمد بن عبدالله، السلام عليك و على ابائك الطاهرين و رحمة الله و بركاته.

^۱ صاحبی مسلم، سرچشمه‌های زر، حضرت رسول اکرم(ص)، ص ۱۲۸، به نقل از الرسول، ج ۱. ص ۱۴۴.

نام درس:

آینه زیبا

موضوع:

عقاید

هدف گلایه:

دانش آموزان در این درس با عصمت پیامبر و معنای آن آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

۱. عذرخواهی کردن در مورد اشتباهات خود؛
۲. پاک بودن پیامبر از هر نوع اشتباه و بهترین الگو برای انسان‌ها؛
۳. شناخت معصوم و معنای این کلمه؛
۴. شناخت پیامبر و معنای کلمه پیامبر و این که ما باید از پیامبر پیروی کنیم.

هدف رفتاری:

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس، پیامبر را الگوی رفتاری خود

قرار دهند و خود را از بدی‌ها و کارهای زشت باز دارند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (پرسش و پاسخ، کارت بازی، جدول، معما، شعر، مسابقه، نقاشی، کلمات فانتزی)

رسانه‌های آموزنده:

تخته و کارت

کیمی الکترونیک

آینه زریبا

که گشته سال ما سال محمد

به نام نامی الله احمد

بکن خوشبو فضای محفل ما

به ذکر احمد و آل محمد

بچه‌ها سلام، خسته نباشید! حال شما خوب است؟ من می‌خواهم مطمئن شوم

که همگی حالتون خوب است. پس بلند جواب بدھید: حالتون خوب است؟

خُب الحمد لله که همگی خوب و سلامت هستید. حالا به خاطر این نعمت خوب

سلامتی، من دو تا دعا می‌کنم شما دست‌هایتان را بالا بیاورید و بلند آمین بگویید.

خدایا از این که به ما نعمت سلامتی دادی از تو ممنونیم. این نعمت بزرگ

سلامتی را همیشه به ما عطا بفرما، آمین!

خدایا! تمام کسانی که این نعمت را ندارند و مریض هستند، هر چه زودتر این

سلامتی را به آن‌ها نیز عطا بفرما، آمین!

چه کسی می‌تواند این عدد را برایمان بخواند دست خودش را بالا بیاورد.



آن چیست که اگر زنگ بزند، نیاز نیست زنگزدگی آن را برطرف کنیم بلکه باید او را برداریم.

حتما شما با تلفن به جایی زنگ زده‌اید. چه کسی تا به حال با تلفن با کسی تماس نگرفته است؟ پس معلوم می‌شود بیشتر شما با تلفن تماس گرفته‌اید. چه کسی نصف شب یا سر ظهر به جایی زنگ زده است؟ آیا در این موقع تلفن کردن به کسی کار خوبی است یا نه؟ چرا؟

بله بچه‌ها! ما نباید در این موقع که معمولاً پدر و مادرها خواب هستند به دوستمان تلفن کنیم. هر چند که دوست ما خواب نباشد، با زنگ زدن مزاحم دیگران خواهیم شد.

تا حالا برای کسی از شما پیش آمده است که شماره تلفن کسی را اشتباهی گرفته باشد؟ اگر این اتفاق افتاد ما باید چکار کنیم؟ شما، شما که دست را بالا آورده‌ای و ساكت نشسته‌ای و نمی‌گویی آقا ما بگیم بگو بیین؛ اگر شماره تلفن جای دیگری را اشتباهی بگیریم، باید چکار کنیم؟

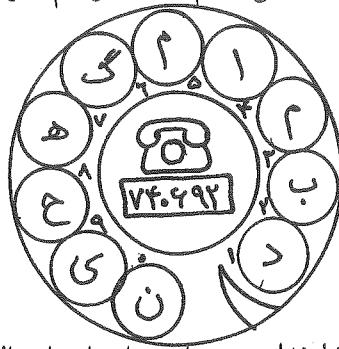
بله کار خوبی که ما می‌توانیم در این موقع انجام دهیم این است که از طرف مقابل عذرخواهی کنیم و به او بگوییم من می‌خواستم با چنین شماره تلفنی تماس بگیرم ولی نمی‌دانم چطوری شماره شما را اشتباهی گرفتم. هیچ وقت در چنین موقوعی گوشی را قطع نکنیم که طرف مقابل فکر کند شما مزاحم تلفنی بوده‌اید.

آیا شده کسی به خانه شما زنگ بزند و مادر یا پدرتان در خانه نباشند و برای آنها پیغام بگذارد تا شما آن پیغام را به آنها بگویید. برای کسی از شما پیش

آمده است که این پیغام را فراموش کنید یا فقط قسمتی از آن پیام یادش مانده و یا اصلاً آن پیام را اشتباهی به پدر و مادرش بگوید؟ آیا چنین چیزی امکان دارد برای ما انسان‌ها پیش بیاید یا نه؟

باید با هم دیگر به یک جا تلفن کنیم شاید بتوانیم جواب‌مان را کامل‌تر پیدا

کنیم.



بچه‌ها! حضرت آیة‌الله خامنه‌ای چه نامی را برای امسال انتخاب کردند. بله سال پیامبر اعظم. حالا اگر بخواهیم به پیامبر اکرم تلفن کنیم و زنگ بزنیم باید چه شماره‌ای را بگیریم؟

حوستان را جمع کنید تا اشتباهی شماره جای دیگری را نگیرید. چه شماره‌ای را بگیریم تا اشتباه نشود؟ شماره ۱۳۸۵. چرا؟ چون امسال سال ۱۳۸۵، سال پیامبر اعظم ما است و برای این که مطمئن شویم شماره را درست گرفته‌ایم یک نفر بگوید با این شماره نام چه کسی به دست می‌آید. اگر هر حرف را زیر عدد خود بنویسم اسم خود پیامبر () محمد ۱۳۸۵ به دست خواهد آمد. پس شماره را درست گرفتیم و اشتباه نکردیم. ما می‌خواستیم با این شماره به جواب سوالمان برسیم.

چه کسی می‌تواند بگوید سوالی که قبل از شماره‌گیری گفتیم چه بود؟

بله سوال این بود که آیا ما انسان‌ها اشتباه می‌کنیم یا نه؟ حالا این سوال را می‌پرسم که آیا پیامبر هم اشتباه می‌کند یا نه؟ مثلاً اگر خداوند به پیامبر پیامی را بگوید تا او آن را به مردم برساند مثل: «ای مردم دروغ نگویید که اگر کسی از شما دروغ بگوید معلوم می‌شود که به خدا ایمان ندارد» آیا امکان دارد پیامبر این پیغام را فراموش کند و یا اشتباهی به مردم بگوید.

خداوند پیامبر را انتخاب کرده است تا پیام او را دقیقاً به مردم بگوید و به خاطر همین ما به او می‌گوییم، پیامبر.

چه کسی می‌تواند بگوید **پیامبر** به چه معناست؟^۱

معنای پیامبر در خود همین کلمه وجود دارد؛ پیامبر یعنی کسی که پیامی را به جایی یا برای کسی می‌برد که از دو کلمه «پیام» و «بر» تشکیل شده است. که کلمه دوم یعنی «بر» به معنای برنده گویند (کسی که چیزی را از جایی به جای دیگر می‌برد).

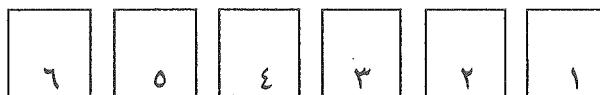
بچه‌ها حالا نوبت مسابقه است. همه برای مسابقه حاضرند؟ اما ما برای مسابقه به چهار نفر نیاز داریم، پس بهتر است دو نفر^۲ از شما که به سؤالات ما تا حالا جواب دادند، برای شرکت در مسابقه، پای تخته بیایند و به عنوان سرگروه دو طرف تخته بایستند. دو نفر دیگر را برای هر دو گروه انتخاب می‌کنم تا شما را در این مسابقه یاری کنند. مسابقه سه مرحله دارد که دو مرحله اول مثل هم می‌باشد و هر مرحله ۱۰ امتیاز دارد.

^۱ مربی می‌تواند با یک کارت سفید روی کارت پیامبر دو کلمه «پیام» و «بر» را از هم جدا نشان دهد تا بچه‌ها بهتر متوجه معنای کلمه پیامبر شوند.

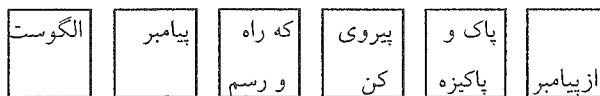
^۲ دونفری که به معما و سؤال عدد ۱۳۸۵ (جواب آن محمد بود) جواب دادند، برای انتخاب مناسب هستند. در غیر این صورت مربی خودش چهارنفر را انتخاب کند برای درست شدن دو گروه، دونفره.

مرحله اول مسابقه:

در این مرحله من کارت‌هایی را روی تخته^۱ به صورت نامرتب قرار می‌دهم که روی آن‌ها شماره‌گذاری شده است تا شما در مدت زمان کوتاهی ترتیب این کارت‌ها را در ذهن خود حفظ نمایید، بدون این که به کارت‌ها دست بزنید. من بعد از آن کارت‌ها را بدون جایه جا کردن سریع برمی‌گردانم و شما باید پیامی را که به صورت نامرتب در این کارت‌ها نوشته شده، برایمان بنویسید! اگر شما بر اساس همان شماره‌ها که کارت‌ها را در ذهن خود مرتب کردید، نوشته‌های آن‌ها را هم بر همان اساس انتخاب کنید و بنویسید پیام صحیح را به دست خواهید آورد. ده امتیاز این مرحله برای آن گروهی است که سریع‌تر، جواب و پیام صحیح را روی کاغذ بنویسد و به من بدهد.



روی کارت‌ها

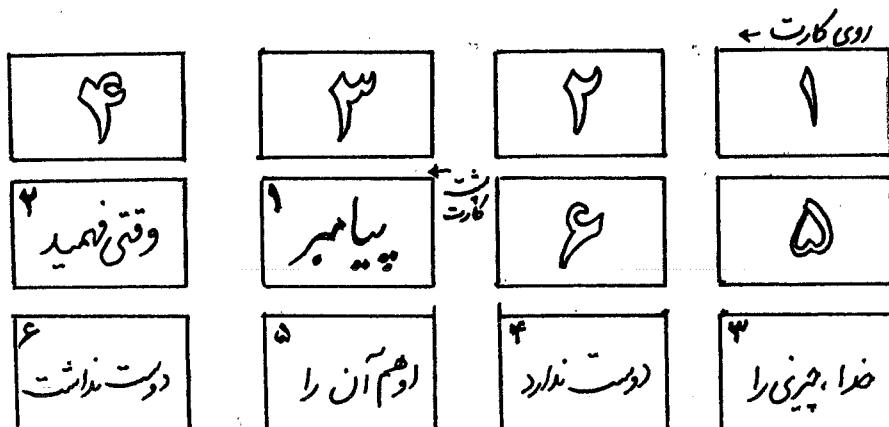


پشت کارت‌ها

^۱ مربی می‌تواند به جای این که کارت‌ها را روی تخته بنویسد. آن‌ها را به شش نفر از دانش‌آموزان بدهد تا آن‌ها کارت‌ها را به صورت نامرتب و بدون ترتیب به دانش‌آموزان نشان دهند. مربی این شش نفر را جلوی تخته قرار دهد تا دو گروه بتوانند فقط روی کارت‌ها را ببینند و بعد از مدت کوتاهی که بچه‌های دو گروه آن را حفظ کردند به این شش نفر می‌گوییم که پشت کارت‌ها را نشان دهند تا در قسمت آخر این مرحله، دو گروه پیام را که به صورت نامرتب آمده است در کارت‌ها پیدا کنند و در انتهای مربی برای این که بقیه بچه‌ها پیام صحیح را ببینند، بچه‌هایی را که در دستشان کارت دارند به صورت مرتب کنار هم قرار دهد تا پیام صحیح خوانده شود.

مرحله دوم مسابقه:

در این مرحله مانند مرحله اول کارت‌ها را به صورت ذیل آماده می‌کنیم تنها فرق آن با قسمت اول در پیام مندرج در کارت‌ها^۱ می‌باشد. که هر کدام از دو گروه زودتر آن را پیدا کند ده امتیاز این مرحله از مسابقه نصیب او خواهد شد.



مرحله آخر

در این مرحله من فقط یک چیستان می‌پرسم. هر کدام زودتر و بدون کمک دیگران جواب بددهد، ده امتیاز آخر مسابقه را به او خواهم داد.

آن چیست که اشرف دین است اولش با و آخرش سین است
اگر بخواهید شما را راهنمایی کنم، جواب آن، یکی از پیام‌های بزرگ و خوب پیامبر اعظم(ص) از طرف خدا برای ماست.

^۱ پیام مندرج در کارت‌های مرحله اول عبارت است از: از پیامبر پاک و پاکیزه پیروی کن که راه و رسم پیامبر الگوست.

پیام مندرج در کارت‌های مرحله دوم عبارت است از: پیامبر وقتی فهمید خدا، چیزی را ، دوست ندارد، او هم آن را دوست نداشت. هر دو پیام از کلمات گهربار حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۶۰ می‌باشد.

بله، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اکرم(ص) یعنی قرآن که شریف‌ترین چیزها در دین است، همان کتاب آسمانی که پیام بزرگ خدا برای ماست.

من از هر دو گروه تشكیر می‌کنم، اما این هدیه ناقابل^۱ هم برای گروه برنده است. بچه‌ها هر دو گروه را با ذکر یک صلوٽ بلند تشویق کنید.

ما گفتیم چه کسی این قرآن و پیام‌های آن را ماز طرف خدا برای ما آورد

است؟

پیامبر. آیا پیامبر قبل از این که این پیام آسمانی را به او بدهند، خواندن و نوشتن بلد بوده است؟ خیر. پیامبر خواندن و نوشتن بلد نبوده است، ولی تمام آن پیام‌ها را برای ما بیان کرده است؛ زیرا خداوند پیامبر ما را **معصوم قرار داده** است. به خاطر همین کسی که معصوم باشد می‌تواند بدون اشتباه تمام آن کتاب آسمانی و آن پیام‌ها را برای ما بیان کند.

چه کسی می‌تواند بگویید معصوم یعنی چه؟

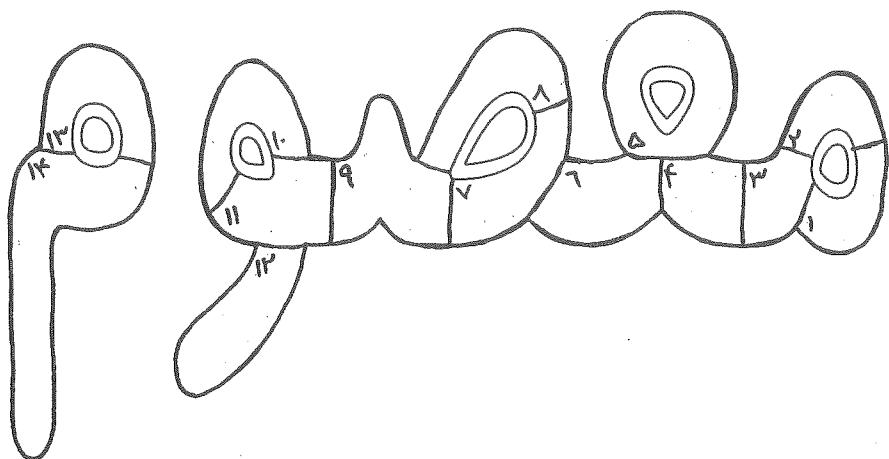
برای این که معنای این کلمه را بدانید، می‌توانید به شماره ۷۴۰۶۹۲ تماس بگیرید تا معنای کلمه معصوم را برایتان بگویید هر کس زودتر زنگ زد و اشتباهی شماره دیگری را نگرفت دستش را بالا بیاورد و تا من نگفتم جواب آن را نگوید. معصوم یعنی بی گناه و پاک^۲، بی خطا و اشتباه. پاک و پاکدامن از همه بدی‌ها. پس خدا برای این که پیامش را درست به ما برساند آن را فقط به کسی می‌گوید که مانند پیامبر ما معصوم و پاک و بی گناه است.

^۱ مریبی سنتاً یک هدیه برای برنده مسابقه تهیه کند. قیمت و ارزش مالی این هدیه مهم نیست.

^۲ دکتر حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ، دوم تابستان ۸۲ دوره سوم، ج ۷، ص ۷۱۶۵.

آیا ما می توانیم مثل پیامبر نزد خدا عزیز و خوب باشیم تا خدا هم از ما راضی و خشنود باشد؟ برای این که بتوانید به این سؤال بهتر جواب دهید من یک پیام را در جدول قرار داده‌ام. اگر آن را پیدا کنید، به شما کمک خواهد کرد. همه مثل من این جدول را برای خودشان بکشند، ولی بچه‌ها! شما خودتان باید قسمتی از این پیام را که در جدول معصوم قرار دارد پیدا کنید تا من آن را برای شما کامل کنم. برای پُر کردن جدول و پیدا کردن قسمت اول پیام، ابتدا به سؤالات من پاسخ دهید تا جواب‌های آن را داخل جدول قرار دهم.

۱. آخرین پیامبر خدا؟
محمد (۱، ۴، ۱ و ۹)
۲. از جانب چه کسی به پیامبر (ص) وحی می‌شد؟ خدا (۶، ۱۴ و ۱۲)
۳. پیامبر اکرم (ص) چه چیزی را در خانه خدا شکست؟ بت (۸ و ۱۳)
۴. جبرئیل تمیز کردن چه چیزی را به پیامبر خیلی سفارش می‌کند؟ دندان (۹، ۱۱، ۱۴ و ۱۲)
۵. شهری کوچک کنار تهران که حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در آن شهر واقع شده است؟ ری (۲)
۶. با یینی آن را حس می‌کنیم؟ بو (۷)
۷. میوه‌ای دو حرفی به (۱۰ و ۳)



با رمز ۳ می‌توانید پیام جدول را به دست آورید. بدین ترتیب که حرف خانه شماره ۱ را می‌نویسید و از خانه بعد از آن ۳ خانه می‌شمارید

پیام جدول: «محبوب‌ترین بندۀ خدا.....»

محبوب‌ترین بندۀ خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند^۱.

کسی که به حرف‌های پیامبر عمل کند و سعی کند اخلاق خودش را مانند پیامبر کند نزد خدا محبوب‌ترین انسان‌ها خواهد بود، هر چند که معصوم نباشد.

خدا او را بسیار دوست دارد.

حالا به شعر جوجه ناز گوش کنید.

رو شاخه‌های یک درخت

پرنده‌ای لانه‌ای داشت

جوچه‌های قشنگی داشت

همسری داشت خانه‌ای داشت

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

روزی پرنده رفته بود
 بیاورد آب و غذا
 که یک جوان ناقلا
 رفت و گرفت جوجه‌ای را
 جوجه ناز توچنگ او
 حسابی دست و پا می‌زد
 مادر خود را یکسره
 با جیک جیکش صدا می‌زد
 مادر جوجه‌ها رسید
 جوجه ناز خود را دید
 غصه می‌خورد و بال می‌زد
 این ور و آن ور می‌پرید
 پیامبر عزیز ما
 وقتی که آن جوجه را دید
 برای آزادی او
 به سوی آن جوان دوید
 گفت به جوان: نگاه بکن
 مادر دل شکسته را
 فوری برو رها بکن
 جوجه ناز خسته را
 جوجه‌ها گفتند: جیک جیک
 با خنده و شادی کنان
 خیلی تشکر می‌کنیم
 هم از تو و هم از جوان^۱

^۱ سروده سید محمود مهاجرانی، دو کپیتر، (ویراسته‌ی مصطفی رحماندوست)

نام کریں:

خورشید مهریان

نمایم کسیع:

عقاید

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با برخی از ویژگی‌های امام زمان(عج) آشنا می‌شوند.

اهداف حزیری:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. داستان زندگی مادر امام زمان؛
۲. فواید امام غایب؛
۳. وظایف ما نسبت به ظهور امام زمان.

هدف رفتاری:

از دانشآموزان انتظار می‌رود ه در پایان این درس داستان مادر امام زمان را بداند؛ و سعی در انجام کارهای خوب جهت ظهور امام زمان نماید.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعل: (شعر، کارت، داستان، جدول)

رسانه‌های آموزشی:

تحته و کارت



خورشید مهرجان

پیله‌ای تنیده است	شاپرک به دور خود
بی گمان رسیده است	وقت پر گشودنش
بال در می آوری	کی برای شاپرک
بال و پر می آوری	یا برای قاصدک
کی می آیی از سفر	ای شمیم خوش نفس
کی از انتشار گل	می کنی مرا خبر

سلامی به گرمی تابستان و زیبایی پاییز و سفیدی زمستان و لطافت بهار.
امیدوارم حالتان خوب باشد و سرحال و شاداب باشید.

اول برنامه و اولین سؤال. چه کسی می داند این شعری که اول برنامه خواندم

در مورد چه کسی بود؟

آفرین در مورد امام خوب و مهربانمان حضرت مهدی(عج). برای سلامتی این
امام عزیز همه با هم صلواتی بفرستیم.

راستی بچه‌ها! شما چه کسی را توی دنیا بیشتر از همه دوست دارید؟ آفرین
بر شما (خداؤند، پیامبران، امامان، پدر و مادر و...) شاید بخواهید بدانید چرا این
سؤال را پرسیدم

من چند کارت به شما نشان می‌دهم شما باید آن‌ها را دو به دو کنار هم قرار
دهید.^۱



آفرین بر شما، راستی تا به حال فکر کرده‌اید که امام زمان هم مانند همه شما
مادرش را بسیار دوست دارد و خیلی دوست دارد که از مادرش نامی بیریم. چه
کسی می‌داند نام مادر امام زمان چیست؟ آفرین «نرگس، نرجس»
ولی اسم اصلی مادر امام زمان چیست؟

اجازه بدهید یک داستان بگوییم. شما اگر خوب گوش کنید می‌توانید بفهمید و
به بقیه سؤال‌های من جواب دهید.

بشرین سلیمان یکی از دوستان امام هادی و امام عسکری و همسایه
آن دو بزرگوار در سامرا می‌گوید: «یکی از شب‌ها که در منزل بودم، یکی از
خدمتگزاران امام هادی نزد من آمد و به من گفت: «امام هادی با تو کار
دارد». به سرعت خود را به خانه آن جناب رساندم دیدم امام هادی با فرزندش و
خواهرش حکیمه در حال گفت و گو هستند.

^۱ مربی به دانش آموزان کمک نموده و نام مادرها را کنار فرزندان قرار می‌دهد.

پس از سلام و عرض ادب نشستم و آن حضرت فرمود: «ای بشر اکنون می خواهم تو را به فضیلت و امتیازی مفتخر سازم.» آن گاه نامه‌ای به **خط رومی** نوشت و با مهر مخصوص خویش آن را مهر زد و به همراه ۲۲۰ دینار به من داد و فرمود: «بشر! این نامه و کيسه زر را بگیر و به سوی **بغداد** حرکت کن و پس از ورود به آن شهر، فلان روز، در کنار پل بغداد، منتظر کشتی‌های اسیران روم باش! هنگامی که قایق حامل اسیران رسید و خریداران (که بیشتر آن‌ها فرستادگان مقامات دولت عباسی هستند) اطراف آن‌ها حلقه زدند، تو از دور مراقب باش تا مردی به نام عمر بن یزید نخاس را که در میان صاحبان برده است، بیاید. او کنیزی را با ویژگی‌های خاص خود در حالی که لباس حریر ضخیم بر تن دارد برای فروش آورده است. اما آن کنیز خود را پوشانده و از دست زدن و نگاه کردن خریداران سخت جلوگیری می‌کند. فروشنده او را تحت فشار قرار می‌دهد تا او را بفروشد، اما او فریاد آزادی و نجابت سر می‌دهد و به خریداری که حاضر می‌شود سیصد دینار به صاحب او پردازد. می‌گوید: «ای بنده خدا! پول خودت را از دست مده!» سرانجام عمر بن یزید به او می‌گوید: «من ناگزیرم تو را بفروشم. پس خودت بگو راه حل چیست؟» او خواهد گفت: «در این کار شتاب مکن! من تنها فرد امین و درستکار و شایسته کرداری که برایم دلپسند باشد می‌پذیرم.» در این هنگام برخیز و به عمر بگو: «من نامه‌ای دارم که یکی از شایستگان نوشته و ویژگی‌های مورد نظر این بانو، در شخصیت نویسنده آن جلوه‌گر است. شما نامه را به او بده تا بخواند، اگر تمایل داشت من این کنیز را برای او خریداری می‌کنم.»

بشر می‌گوید:

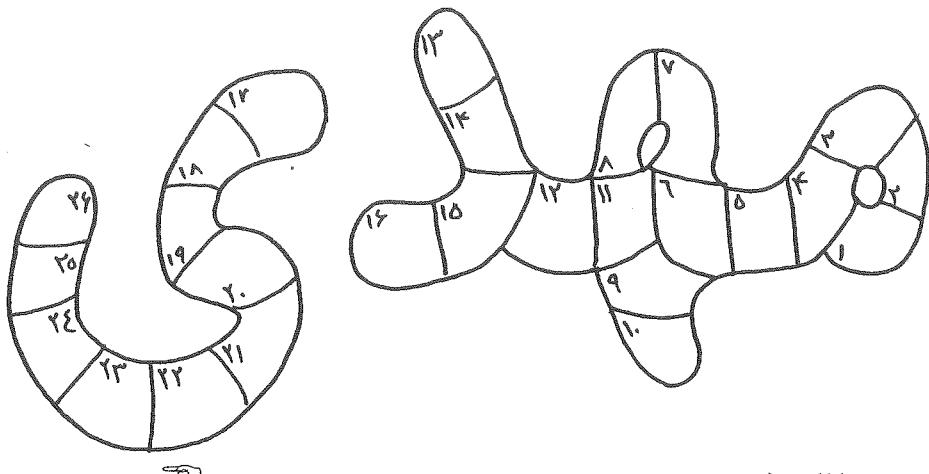
تمام اتفاقاتی که امام قبلًا برای من شرح داده بود، یکی یکی اتفاق افتاد تا آن جا که وقتی نامه به دست آن زن بزرگوار رسید، به آن نگاه کرد و به شدت گریه کرد. نامه را بوسید و بر چشمانش گذاشت و به عمر گفت: «حالا می‌توانی مرا به صاحب این نامه بفروشی» و قسم یاد کرد که اگر به صاحب این نامه مرا نفروشی خودم راخواهم کشت. به هر حال پس از گفتگو با فروشنده کار به جایی رسید که او همان پولی را که امام داده بود راضی شد. سپس به همراه آن کنیز به خانه برگشتم، در حالی که او بسیار خوشحال بود. من در راه به او گفتم: «آیا شما نامه‌ای را که هنوز نگارنده آن را نمی‌شناسی بوسه باران می‌سازی؟» او گفت: «بنده خد! تو با این که فردی درست اندیش و فرستاده امام هستی، در شناخت فرزندان پیامبر ناتوانی. پس به سخنان من خوب گوش بدی تا خودم را معرفی کنم. من **ملیکه** هستم دختر یشاو نوہ **قیصر روم** مادرم از فرزندان حواریون است و دختر **شمعون** جانشین حضرت مسیح الله صلوات.

این خانم را به منزل امام هادی الله صلوات بردم و همسر **امام حسن عسکری** الله صلوات شد. در **۱۵ شعبان سال ۲۰۵** پسری به دنیا آورد به نام **مهدی** ^۱. حالا چند سؤال می‌پرسم، بیینم چه کسی خوب به داستان گوش کرده است.

نام مادر امام زمان، البته به رومی چه بود؟ **ملیکه**
 نام چند امام در داستان آمد؟ امام هادی و امام حسن عسکری الله صلوات
 این دو امام چه نسبتی با امام زمان دارند؟ پدر بزرگ و پدر امام زمان.
امام زمان در چه روزی به دنیا آمدند؟ **۱۵ شعبان سال ۲۰۵**

^۱ مربی می‌تواند به جای کارت، کلمات را روی تابلو بنویسد و برای کلمه بعدی آن را پاک کند.

آفرین به همه شما که خوب گوش دادید و خیلی زود هم به سؤالات جواب دادید. با هم به سراغ جدولی می‌رویم که رمز زیبایی در خود مخفی کرده است. برای به دست آوردن رمز این جدول، اول باید به سؤال‌ها جواب بدهید.



سؤال‌ها:

۱. از اسامی خداوند به معنای یکتا؟
۲. از....همان برون تراود که در اوست؟
۳. میوه‌ای دو حرفی؟
۴. دعا می‌کنیم وقتی امام آمد جزو آن‌ها باشیم؟ یاران (۶، ۱۷، ۲۲، ۹ و ۲۱)
۵. پایه و اساس ساختمان؟
۶. قبیله‌ای سه حرفی که به خاطر پیامبر صلح کردند؟ اوسم (۲۳، ۱۲ و ۵)
۷. از طرف امام معرفی می‌شود وقتی که امام نباشد؟ وکیل (۱۱، ۲۶، ۱۵ و ۲۰)
۸. تر نیست؟

حالا برای به دست آوردن رمز، کافی است حرف اول را نوشته و سه تا سه تا بشماریم.

«خوشا به حال کسی که از او پیروی کند.»

خوش به حال ما که در زمان امام زمان(عج) هستیم. چه کسی می‌داند اقتدا کردن یعنی چه؟

آفرین بر همه شما، یعنی در انجام کارهای خوب از ایشان پیروی کنیم. به سختنان ایشان گوش دهیم و عمل کنیم. آفرین به دوستانی که بسیار زیبا جواب دادند. دوست دارم نوشته یکی از دوستان خوب امام زمان را برای شما بخوانم و شما هم خوب گوش بدهید.
آقای من!

حرف‌های زیادی دارم که باید به شما بگویم. ولی راستش نمی‌دانم از کجا شروع کنم. دیشب خیلی دلم گرفته بود. اصلاً حوصله هیچ کاری را نداشتیم. دلم می‌خواست یک نفر صدایم می‌کرد تا از اتاق کوچکم بیرون می‌آمدم. ولی سکوت تمام خانه را پر کرده بود. دفتر نقاشی‌ام را برداشتم. هنوز یک گل بر کاغذ سفیدم نروییده بودکه صدای آرام گریه‌ای را شنیدم. مادرم بود، بعض گلویم را گرفت.

آقا! به خدا من مادرم را اذیت نکرده بودم. حتی خیلی سعی کرده بودم که کمک و یار و غمخوارش باشم تا جای خالی بابا را برایش پر کنم. ولی دیشب فهمیدم هنوز کوچک هستم و خیلی چیزها را نمی‌فهمم.

آقای من! همین دیشب بود که اسم شما را بارها و بارها از زبان مادر شنیدم و فهمیدم شما باید خیلی بزرگ باشید، بزرگ‌تر از همه بزرگ‌ها که مادرم این طور به شما التماس می‌کرد. فهمیدم که شما مهریان‌تر و صبور‌تر از همه هستید که مادر دردش را به شما می‌گوید.

عطر گلاب تمام خانه را پر کرد. انگار شما در کوچه ایستاده بودید و حرف‌های مادرم را می‌شنیدید و من هم که دلم گرفته بود، صورتم را به پنجره چسباندم و گریه کردم. آرزو کردم کاش در بزنید تا من بدم و در را باز کنم و آن وقت شما سرم را به سینه بفشارید تا هر چقدر دلم خواست گریه کنم و از شما بخواهم که به دیدار بابای من بروید. آخر او جانباز است، جانباز در راه شما. خیلی تنهاست و من می‌دانم که دلش در آسایشگاه می‌گیرد. آقا! دیگر خیلی پر حرفی کردم، ولی شما نباید از من ناراحت شوید. آخر حرف‌هایم را به شما نگویم به که بگویم.

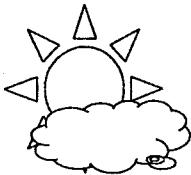
آقای من! اجازه بدھید هر وقت بغض گلویم را سوزاند، یا هر وقت کمرم در زیر بار غصه خم شد، صدایتان کنم و از ته دل بگویم آقا! من^۱.....

^۱ سلام بچه‌ها، شماره دهم، دی ۱۳۷۳، حناه ظاهري.

سؤال من این است حالا که امام این قدر مهربان است، ما چکار کنیم تا خودمان را به این امام عزیز نزدیک کنیم و از ایشان استفاده کنیم. راستی چه کسی می‌داند از امام چه استفاده‌هایی می‌توان برد.

من یک نقاشی می‌کشم شما حدس بزنید چیست؟ آفرین برشما! این خورشید زیبایی است که برای انسان‌ها خیلی فایده دارد چه کسی می‌تواند چند تا از این فواید را بگوید. (نور می‌دهد، ما را گرم می‌کند،...).

حالا ابری می‌آید و جلوی این خورشید زیبا را می‌گیرد. حالا به من بگویید خورشید هست یا نه؟ بله دوستان خورشید پشت ابر است و همان فایده‌ها را دارد.



۱. هوا روشن است.
۲. خورشید زمین را گرم می‌کند.
۳. گیاهان از نور خورشید استفاده می‌کنند.
۴. ...

همه این صحبت‌های شما درست است. در زمان امام دوازدهم، ظلم و ستم بسیار شد و ابرهای کینه و دشمنی در آسمان ظاهر شد. خداوند مصلحت دید آخرین خورشید هدایت را پشت ابرها مخفی کند، تا وقتی مردم آماده شدند و ابرها کنار رفت، او را ظاهر سازد.

دوستان عزیز من! اگر به آسمان نگاه کنید و خورشید را ببینید، بی حرکت است و سرجای خودش ایستاده است. این ابرها هستند که جلوی خورشید

^۱ مری نقاشی یک خورشید را در چند مرحله می‌کشد.

می‌آیند و می‌روند و علت این که ما نمی‌توانیم خورشید را ببینیم نبودن خورشید نیست، بلکه (شما بگویید) آمدن ابرها جلوی خورشید است.

علت این که ما نمی‌توانیم امام زمانمان را ببینیم نبودن امام نیست، بلکه ابرهای بدی و گناه جلوی ایشان را گرفته. امام زمان خودشان می‌فرمایند:

من	هستم	پشت	ابر	مثل	خورشید
----	------	-----	-----	-----	--------

با مرتب کردن این کلمات به هم ریخته جمله زیبای امام زمان درست می‌شود که ایشان می‌فرمایند:

«من مثل خورشید پشت ابر هستم»

اگر ما بخواهیم این ابر را پاک کنیم، کافی است تخته پاک کن را برداریم و ابر را از جلوی خورشید پاک کنیم. ولی اگر بخواهیم ابرهای بدی را از جلوی خورشید امام پاک کنیم باید چکار کنیم.

۱. کارهای خوب انجام دهیم.
۲. درس‌هایمان را خوب بخوانیم.
۳. به پدر و مادر کمک کنیم.
۴. به دستورات خداوند گوش کنیم.
۵. به حرف‌های پیامبر و امامان گوش کنیم.
۶. ...^۱

^۱ مربی با گفتن هر مورد قسمتی از ابر را پاک می‌کند.

کاملا درست گفتید اگر کسی می خواهد که امام زمان را خوشحال کند و ابرها
را کنار بزند باید همه کارهایی که گفتید را انجام دهد. یک کار بسیار خوبی که
امام زمان گفته اند و ما می توانیم انجام دهیم این است که برای سلامتی و ظهرور
امام زمان (عج) دعا کنیم. دعا یکی که همه شما بارها خوانده اید و همه با هم بعد از
شعر من می خوانیم.

حالا که با هم جمع شدیم
گل و پروانه و شمع شدیم
همه با هم دعا کنیم
رو به سوی خدا کنیم
خدا خدای مهربون
مهدی ما را برسون
اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن ...

اخلاق

نام درس:

گل خوشبو

موضوع:

اخلاق

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با صفات و ویژگی‌های دوست خوب آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. اهمیت انتخاب دوست در اسلام
۲. ویژگی‌های دوست خوب
۳. دوری از همنشین بد

هدف رفتاری (خروبی):

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند اهمیت انتخاب دوست را درک کرده، ویژگی‌های دوست خوب را بیان نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (راز گل‌ها، کلمه سازی، پرسش و پاسخ، مسابقه، معما)

رسانه‌های آموزشی:

تخمه سیاه و کارت

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

گُل خوشبو

داریم بر لب خود در هر کجا بسم الله

ما را بود نگهدار از هر بلا بسم الله

بچه‌ها سلام، حال شما خوبه؟ خدا را شکر. اول درس یک معماهای شعری

می‌پرسم حدس بزنید چه کلمه‌ای منظور ماست.

زیباست رنگ و بویش سرخ و سفید و آبی

خوب است عطر و بویش خوش بوترین گیاه است

گاهی میان گل‌دان گاهی میان باگست

دارد جوابی آسان حالا بگو که آن چیست

بله! جواب، گُل است. یک شکل گُل برایتان بکشم



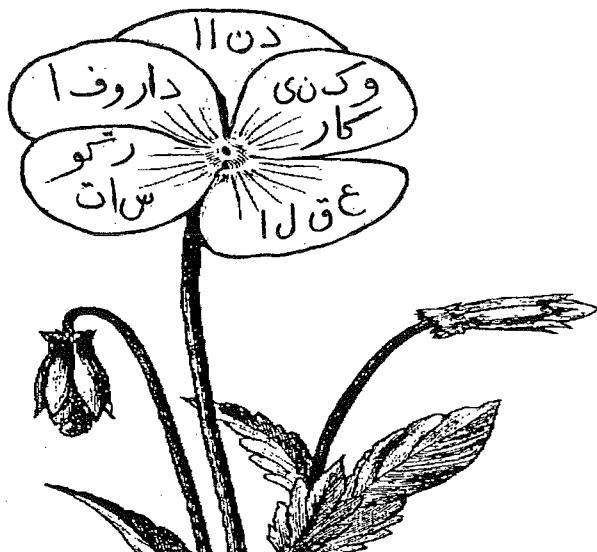
گُل چه خصوصیاتی دارد؟ زیبا، خوشنگ، خوشبو، ... از گُل عطر و ماده‌های

خوشبو می‌گیرند.

به شخصی که عطر می فروشد چه می گویند؟ عطار (عطرفروش).

با این کلمه به یاد مطلبی افتادم و آن سؤالی است که از شما می پرسم. می دانید چه کسی را به عطر فروش^۱ تشبیه کرده اند؟ بله! دوست خوب را. چرا؟ وقتی شما مغازه عطرفروشی بروید اگر عطر هم نخرید، از بوی خوش آنجا استفاده می کنید و لباس و بدن شما معطر می شود. رفیق خوب هم با رفتار نیکویی که دارد در دوست خود اثر می گذارد. پیامبر(ص) و امامان معصوم به ما سفارش نموده اند که برای خود دوست انتخاب کنیم؛ آن هم دوست خوب. آن ها صفات دوست خوب را برای ما بیان نموده اند که چه شخصی سزاوار دوستی است. من چند تا از این صفات را داخل گلبرگ به طور پراکنده نوشتم. شما کلمه ها را درست کنید.

صفات دوست خوب^۲



^۱ حدیث امام صادق علیه السلام: رفیق خوب مثل عطار است اگر از عطر به تو نرسد از بوی خوش او استفاده می کنی.

^۲ مریبی از بجه ها می خواهد این کلمه ها را درست کنند بعد در مورد هر کدام کمی توضیح بدهد.

من در مورد هر یک از این کلمه‌ها توضیح کوتاهی بیان می‌کنم. شما کلمه مورد نظر را حدس بزنید.

اگر انسان با چنین فردی دوستی کند بُر دانایی او افزوده می‌شود. یعنی

با چه کسی؟ بله با فرد **ماشا** باید دوستی کنیم.

چنین فردی ما را به کارهای نیک راهنمایی می‌کند؛ پس باشد با فرد

نیکوگو دوستی داشته باشیم. همچنین شخصی که در دوستی خود پایدار است و دوستی را با کمترین بهانه به هم نمی‌زند نیز دوستی خوب است.

او چه فردی است؟ بله **وفادار**.

همه ما از دروغگو بدمان می‌آید. پس باشد با فرد **لاستگو** دوستی کنیم.

در آخر هم بدانید که باید دوست **عاقل** باشد!

حالا برای این که بدانم حواس‌ها جمع است یا نه چند کلمه را می‌گویم. آنجایی که جواب مثبت است همه با هم دوبار بگویید (بله بله بله بله) اگر منفی بود (نه نه نه نه) آماده‌اید^۱.

دوستی با ظالم نه نه نه نه

دوستی با خائن نه نه نه نه

دوستی با عالم بله بله بله بله

^۱ محمدالحیدری، روش دوست یابی، ترجمه سید محمد صادق عارف، آستان قدس، مشهد، چ۱، ص ۳۰ تا ۴۴ با تلخیص (این ویژگی‌ها از سخنان رسول الله(ص) می‌باشند).

^۲ مربی می‌تواند برای هیجان بیشتر بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کند و هر کلمه را از یک گروه پرسد.

دستی با امامان	بله بله بله بله
دستی با منافق	نه نه نه نه
دستی با راستگو	بله بله بله بله
دستی با عیب‌جو	نه نه نه نه
دستی با بدکار	نه نه نه نه
دستی با خدا	بله بله بله بله

پیامبر(ص) با اخلاق خوبی که داشت همه مردم دوستش داشتند. پیامبر(ص) هم همه مردم را دوست داشت و تلاش می‌کرد آن‌ها پیرو اسلام شوند. من داستان کوتاهی از یکی از دوستان پیامبر(ص) را برای شما می‌گویم. شما نام او را حدس بزنید!

او کیست؟

اولین ماه‌های بعثت پیامبر(ص) بود. چند نفر به دست پیامبر(ص) مسلمان شده بودند اما از ترس دشمنان مخفیانه دستورات اسلام را عمل می‌کردند. رسول خدا(ص) از هر طرف مورد اذیت کافران بود و تحت تعقیب قرار گرفته بود. اما پیامبر(ص) چند روزی بود که در خانه دوست خود آرقم سکونت داشت تا از دشمنان راحت باشد.

او می‌دانست رسول خدا(ص) آنجا است. با احتیاط حرکت کرد. وقتی در خانه رسید دید شخص دیگری به نام «صهیب» که اهل روم بود جلوی در منتظر است تا پیامبر(ص) را ببیند. از او پرسید: «برای چه آمده‌ای؟» گفت: «آمده‌ام تا سخنان محمد(ص) را بشنوم». هر دو وارد خانه شدند. پیامبر(ص) آن‌ها را به اسلام دعوت کرد. قبول کردند و تا آخر روز نزد پیامبر(ص) بودند. پدر و مادر او نیز

مسلمان شدند. اما افراد قبیله آن‌ها، این سه مسلمان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. این پدر و پسر و مادر را در هوای گرم روی زمین می‌خواباندند و کتک می‌زدند و سنگ بزرگی بر روی سینه او می‌گذاشتند تا دست از دین خود و دوستی با پیامبر(ص) بردارد، اما او هرگز تسلیم نشد. هنگامی که پیامبر(ص) او را در زیر شکنجه می‌دید دعا می‌کرد^۱ و بر این صبر و پایداری که داشت آفرین می‌گفت. خوب بچه‌ها! این دوست پیامبر(ص) که بود؟ بله عمار یاسر.

حالا به من بگویید از آن پنج ویژگی و صفت دوست خوب گدام یک که در این داستان وجود دارد؟ بله، وفاداری عمار یاسر در دوستی به اسلام و پیامبر. ما هم باید در دوستی خود وفادار و پایدار باشیم.

مسابقه

حالا نویت مسابقه است. آماده هستید؟ بله. باید به دو گروه تقسیم بشوید^۲. از هر گروه ۸ سؤال می‌پرسم هر گروهی جواب مثبت داد کارت مربوط به همان سؤال که بر روی آن حرف رمز نوشته شده داده می‌شود و در پایان هر گروه که کارت بیشتری بگیرد امتیاز بیشتری هم دارد. در آخر که امتیازها معلوم شد، همه کارت‌ها یک بار به گروه اول و یک بار به گروه دوم داده می‌شود تا در کنار هم قرار دهند و به پیام برسند. هر گروه سریع‌تر پیام را حدس زد امتیاز بیشتری می‌گیرد که با امتیاز اول جمع و برندۀ مشخص می‌شود.

^۱ علی ثقی، نشان هدایت، انتشارات هادی، تهران، ۱۳۷۵، اش، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۸ به نقل از پیامبر و یاران.

^۲ مری بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کند. می‌توان برای هر سؤال ۲ تا ۵ امتیاز و برای پیام ۱۰ امتیاز در نظر گرفت. یادآوری می‌شود که حرف اول جواب‌ها روی کارت‌ها نوشته می‌شود.

سوال‌های گروه اول:

- | | | |
|---|--|---|
| ۱ | ام | ۱. مادر در عربی چه می‌باشد؟ |
| ذ | زرنگ | ۲. شاگرد اول چون نیست تبل |
| هـ | می‌گویند..... دوست کم است و اما یک دشمن بسیار هزار | ۳. می‌گویند..... دوست کم است و اما یک دشمن بسیار هزار |
| ۴. کار خارق‌العاده که پیامبران برای اثبات ارتباط خود با خدا انجام | | |
| م | معجزه | می‌دهند. |
| ن | چون که دستور خدادست نماز | ۵. خواندنش واجب به ماست |
| ش | شک | ۶. تردید و دودل بودن |
| ی | یکدندنه | ۷. به آدم لجوح گفته می‌شود |
| ن | نور | ۸. سوره قرآن به معنای روشنایی |

سوالات گروه دوم:

- | | | |
|----------|-------|--|
| ب | بیشتر | ۱. نیست کمتر پس چیست؟ |
| د | دوست | ۲. کامل کنید: دشمن دانا به از نادان..... |
| ب | بزرگ | ۳. کوچک که نباشد این چنین است |
| پ | پدر | ۴. نام دیگر باباست هر دو نام او زیباست |

^۱ مربی کارت‌ها را از قبل آماده و حرف اول جواب‌ها را به ترتیب روی کارت بنویسد.

و	رفقا	۵. جمع رفیق است
ه	هست	۶. این یکی بگوچیست در مقابل نیست
ی	یک	۷. اول عددهاست بیشريك و تنهاست
ز	زر	۸. نام دیگر طلا یک فلز آشنا

حالا نوبت پیام کارت‌ها است^۱: پیام، سخنی از رسول خدا(ص) است که

از همنشین بد پیر هیز^۲

شعر دوستی

دنیا پر از غم می‌شود	وقتی که تنها می‌شوم
بر شانه سر خم می‌شود	در سینه دل می‌پژمرد
در دیده خورشید نیست	دیگر نگاهی مهریان
ماهی که می‌خدید نیست	دیگر عروس آسمان
زندانی من می‌کند	گویی که تنها یی مرا
بیزار از تن می‌کند	یا جان غمناک مرا
نه میل چیزی خواندنی	نه شور بازی کردنی
نه تاب جایی ماندنی	نه شوق جایی رفتني
با او بهشت است این جهان	اما بنازم دوست را
بی دوست زشت است این جهان	زیبایی هر چیز از اوست

^۱ مریم محترم صیر کند تا بچه‌ها به پیام برسند و آن را به دست آورند. در آخر از آن‌ها بخواهد یک بار با هم بخوانند.

^۲ محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه سید حسن اسلامی - دارالحدیث، قم، ۱۳۸۲ ش، چ، ۲.

نام تدریس:

هزار دانه یاقوت

موضوع:

اخلاق

هدف گلایی:

دانش آموزان با اخلاق پیامبر(ص) در دوران کودکی ایشان آشنا می شوند.

هدف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. خوش اخلاقی و بد اخلاقی؛
۲. رفتار نیکوی پیامبر(ص) در کودکی؛
۳. راستی؛
۴. عبادت رسول خدا از بیماران.

هدف رفتاری (خروبی):

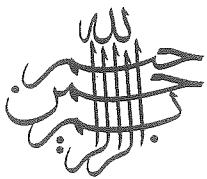
از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس بتوانند رفتار نیکوی پیامبر(ص) توضیح دهند و در انجام آن رفتارها کوشانند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی فعال (شعر، جدول، مسابقه)

رسانه های آموزشی:

تخته و کارت

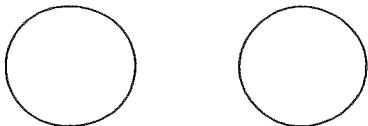


هزار دانه یاقوت

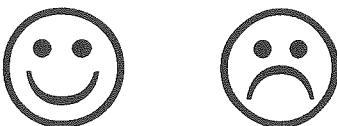
بچه‌ها سلام. حال شما خوب است؟

سلام سلام بچه‌ها
چطوره حال شما
چون گلای گلستان هستید شاد و خندان

اول درس، دو تا دایره برای شما می‌کشم



حالا دایره‌ها چه شدند؟ دو تا چهره انسان متفاوت شدند چه فرقی دارند؟



یکی چهره انسان اخمو و دیگری خندان است. شما هم از چهره انسان اخمو خوشتان نمی‌آید. دو نوع اخلاق داریم. به شخصی که با دیگران رفتار نیک دارد چه می‌گویند؟ خوش اخلاق، اما در مقابل به کسی که رفتار ناپسند دارد.... بداخلاق می‌گویند.

ما باید با دیگران چه رفتاری داشته باشیم؟

با ادب برخورد کنیم و با پدر و مادر و معلم و دوستمان خوش اخلاق باشیم. پیشوایان دینی، در این زمینه الگوی کاملی برای ما هستند. پیامبر از همان کودکی رفتاری خوب با دیگران داشت.

یک داستان از کودکی پیامبر می‌گوییم. خوب گوش کنید! در آخر چند سؤال می‌پرسم.

عبدالمطلب پدر بزرگ پیامبر ریاست قریش را بر عهده داشت و مهمانداری و آبرسانی به زائران خانه خدا نیز بر عهده او بود. بزرگان و ثروتمندان به او پول می‌دادند. هشت سال از حمله ابرهه به کعبه می‌گذشت. مناسک و اعمال حج نزدیک شد. کمک‌ها از اطراف سرازیر می‌شد. اما یک نفر سهمیه خود را نمی‌داد. او باغ‌ها، شترها و خانه‌های زیادی داشت و کمک او تأثیر زیادی در هزینه حج داشت. عبدالمطلب چند بار عده‌ای را فرستاد، ولی با ناراحتی برگشتند. از نوه هشت‌ساله‌اش محمد(ص) خواست تا برود و علت را جویا شود. برخی با عصبانیت گفتند: «وقتی مردان زورمند نتوانستند کاری انجام دهند، از این کودک چه کاری ساخته است؟» ساعتی بعد خبر دادند محمد(ص) در حال بازگشت است و آن مرد همراه شش شتر پر از بار می‌آید. وقتی رسید، با احترام و عذرخواهی گفت: «ای عبدالمطلب! به احترام فرستاده شما به جای پنج شتر شش شتر می‌دهم.»

- چرا؟

- زیرا ایشان با رفتار خوبش مرا شرمنده ساخت. فرستادگان قبل مرا ناراحت کردند، ولی ایشان درس خوبی به من داد. در عمرم کسی را مانند او خوش اخلاق ندیدم.

عبدالمطلب گفت: «چرا با چند نفر که فرستادم این گونه بربخورد نکردی؟» آن مرد جواب داد:

فرستاده اول شما وقتی آمد مهمان داشتم. فریاد کشید و گفت: «چرا سهمیهات را نمی دهی». آبرویم ریخته شد. فرستاده دوم بدون اجازه وارد خانه شد. گفتم: «چکار داری؟» گفت: «با زبان خوش پول می دهی یا به زور ازت بگیرم؟» من او را بیرون کردم. سومین نفر مثل طلب کارها مرا صدا کرد. عصبانی شدم تصمیم گرفتم که دیگر کمک نکنم. تا این که امروز پسر عبدالله آمد. او از بیرون مرا صدا زد و سلام کرد، اجازه خواست. پرسیدم: «کیستی؟» گفت: «مهمانم». وقتی مهمانها رفتند با ادب و احترام گفت: «از طرف عبدالطلب آمده‌ام، مناسک حج نزدیک است و به کمک تو نیاز داریم». گفتم: پسر چه کسی هستی؟ گفت: پسر عبدالله.

به او گفتم: «تو پدر خوبی داشتی». محمد به حرف‌های خوب و با دقت گوش می کرد. وسط صحبت من حرفی نمی گفت و در پایان فرمود: «از تو خواهش می کنم همراه من بیایید تا اختلافات حل شود». من نیز به عقل و هوش این کودک آفرین گفتم. اخلاق او مانند اخلاق پیامبران الهی است. فرستاده خوب یعنی این. همه با خوشحالی محمد(ص) را تحسین کردند.^۱

^۱ مهدی آذر بزردی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، شکوفه وابسته به امیر کبیر، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۱۷-۲۱.

حالا چند تا سؤال می پرسم.

۱. ابوطالب چه منصبی در قریش داشت؟

ریاست قریش و مهماندار کعبه و آبرسان زائران بود.

۲. پیامبر(ص) وقتی نزد آن مرد رفت چه برخوردی داشت؟

با احترام او را صدا زد و به او سلام کرد.

۳. از این داستان چه رفتار نیکویی را از پیامبر(ص) یاد می گیریم؟

یاد می گیریم که خوش اخلاق باشیم و با ادب و احترام با مردم رفتار

نماییم.

حالا نوبت جدول است. جدول ما ۱۹ خانه دارد و در خانه بیستم هم گلی
تقدیم شما می شود. پس اول سؤالهای جدول را از شما می پرسم و در خانه های
آن می نویسم تا به پیام بررسیم.

۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶

سؤال ها:

۱. یک تکه‌ی ماشین است جمع من و تو این است؟ ما (۶ و ۴)

۲. عکس آن کلمه خدای دروغین نام دارد؟ تب (۷ و ۱۱)

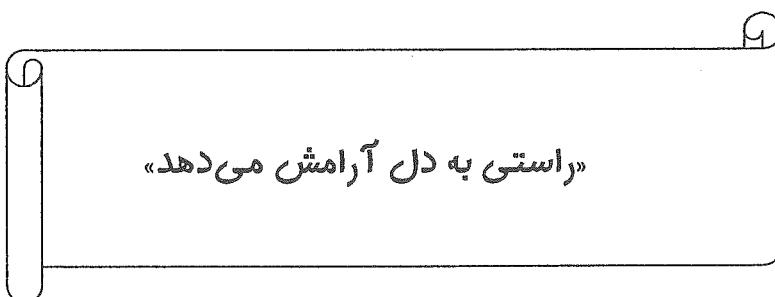
۳. همان قلب است؟ دل (۱۸ و ۱۷)

۴. ضد کلمه غم چیست؟ شادی (۸، ۳، ۱۴ و ۹)

۵. می کشم از روی درد گاه گرم و گاه سرد؟
 آه (۱۹ و ۱۶)
 سیر (۵، ۱۲ و ۲)
۶. می گویند:..... از شکم گرسنه خبر ندارد؟
 ره (۱ و ۱۳)
۷. راه میان تهی چیست؟
 مد (۱۰ و ۱۵)
۸. هم دریا دارد هم در قرآن هست؟

س	ا	ا	ر	ر
م	ی	ش	ت	م
د	د	ه	ی	ب
﴿	ا	د	ل	ه

حالا که جدول کامل شد چند دقیقه فرصت دارید تا پیام را به دست آورید
 خانه‌های جدول را به ترتیب دو تا دو تا بشمارید و حروف را کنار هم قرار دهید
 تا سخنی از رسول خدا(ص) در مورد یکی از صفات پسندیده درست شود
 پیامبر(ص) فرمودند:^۱



^۱ مرتضی مطهری، سیری در سیره‌ی نبوی، مجموعه آثار صدرا، تهران، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

رہ تو شہ را هیان نور

با تشکر از شما که پیام جدول را به دست آوردید. حالا دقت کنید به این تصویر.



این تصویر به چه اخلاق نیکوی اجتماعی اشاره دارد؟

آیا شما این کار پسندیده را انجام می‌دهید؟

اسم این کار نیکو چیست؟

شما با حروف پراکنده زیر، این کلمه را درست کنید.

ی ع ا ت د

تا شما این کلمه را حدس می‌زنید، من داستانی از رسول خدا(ص) برایتان می‌گویم.

در روزگار پیامبر که ایشان برای هدایت انسان‌ها به سوی دین اسلام تلاش می‌کرد شخصی یهودی بود که هر گونه آزار و اذیت نسبت به پیامبر(ص) انجام

می‌داد. هر وقت که پیامبر(ص) می‌خواست به مسجد برای نماز بسرود سر راه مخفی می‌شد از پشت بام زیاله می‌ریخت و لباس آن حضرت آلووده می‌شد. پیغمبر(ص) برمی‌گشت و لباس را عوض می‌کرد. روزی پیامبر عبور کرد، اما دید یهودی مثل هر روز چنین کاری را انجام نداد. پرسید: «این رفیق ما چه شده که ما را فراموش کرده است.» گفتند: «یهودی مريض شده و نمی‌تواند بیرون بیاید.» رسول خدا(ص) تصمیم گرفت با عده‌ای از یاران به عیادت او بسرود. در خانه او رسیدند. شخصی در را باز کرد. تا پیامبر(ص) را دید فوراً برگشت و به آن شخص یهودی گفت: «پیامبر اسلام آمده است.» یهودی ترسید که مبادا او آمده باشد تا انتقام بگیرد. اما پیامبر(ص) با مهربانی و احترام گفت: «به عیادت آمده‌ایم.» وقتی یهودی این جمله را شنید از خجالت می‌خواست آب شود و چشمش به چشم پیامبر(ص) نیافتد. برای همین لحاف را بر روی خود کشید. رسول خدا(ص) با اصحابش وارد خانه شدند و احوالپرسی کردند. رسول خدا گفت: «چرا این گونه رفتار می‌کنی؟^۱ او که خجالت می‌کشید، گفت: «ای رسول حق! تا مسلمان نشوم، به شما نگاه نمی‌کنم.» رسول خدا(ص) نیز قبول کرد و مرد یهودی به خاطر اخلاق خوب رسول خدا(ص) مسلمان شد.^۲

بچه‌ها این رفتار پیامبر(ص) چیست؟ همان کلمه‌ای است که پراکنده نوشتیم.

بله. «عیادت»

^۱ سید اسماعیل رسول‌زاده، درسی از اخلاق و رفتار پیشوایان اسلام، اسلامیه، تهران، ۱۳۵۰ش، ص ۲۵، به نقل از حیوة القلوب، ج ۲، ص ۲۴۵.

ما چه باید بکنیم؟

ما نیز باید به پیروی از رسول خدا(ص) از بیماران عیادت و احوالپرسی کنیم.
در پایان شعری برای پیامبر(ص) می خوانم^۱.

نسیم دختر باد	از آسمان رسیده
برای ما فرستاد	خدا چه هدیه هایی
هزار غنچه ناز	هزار دانه یاقوت
هزار چشمہ آواز	هزار باغ خورشید
به سوی ما دوباره	فرشته ها می آیند
سبد سبد ستاره	به روی بال هاشان
کنار هم نشستند	دو باره ماه و خورشید
درود می فرستند.	به حضرت محمد(ص)

^۱ اشیین اعلاء، نان و پروانه، ص ۱۷۶.

پانم درس:

نظم و موفقیت

همه کُنْجِیع:

اخلاقی

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با نظم آشنا می شوند.

اهداف حزبی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. نظم و موفقیت پیامبر(ص) در زندگی؛
۲. حدیثی از علی الکَّاظِلَةِ در باره نظم؛
۳. فواید نظم.

هدف رفتاگری:

انتظار می رود در پایان این درس دانش آموزان بتوانند مواردی از نظم در زندگی پیامبر(ص) بر شمرده و در زندگی خود نظم بیشتری را رعایت کنند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (پرسش و پاسخ، مسابقه، شعر)

رسانه های آموزشی:

تخته، کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

نظم و موقیت

سلام بر گل‌های خندان^۱
بر بچه‌های بی‌دندان
آنانی که جمیع حواسشان
خدای من و تو، خدای جهان
به نام خداوند رنگین کمان

بچه‌های خوب و درس‌خوان! آنانی که در ریاضی هستند جزء خوبان! حال به این جدول، این شکل‌ها و این اعداد توجه نمایید.^۲

۲	÷	۵
+	۴	-
۳	×	۱

$$\square + \bigcirc \times \text{پنج} \div \text{شش} - \triangle = ۳$$

حالا دقت کنید و دوستانتان را تشویق نمایید تا اعداد را به نحوی در اشکال هندسی قرار دهند که جواب آن^۳ شود. دقت کنید اگر عددها جایه جا و نامنظم در شکل‌ها قرار گیرند، جواب صحیح به دست نخواهد آمد.

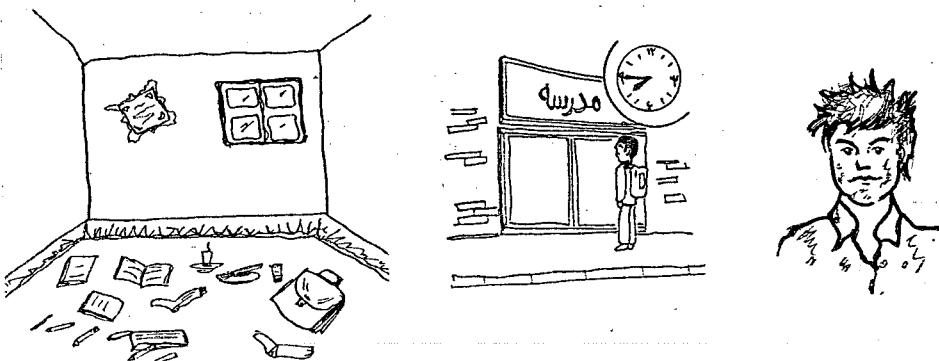
حالا این تصاویر را با دقت نگاه کنید! تصاویر گویای چه چیزی است؟

^۱ مربی برای آشنایی با بچه‌ها و مقداری شوخی از این شعر استفاده می‌کند.

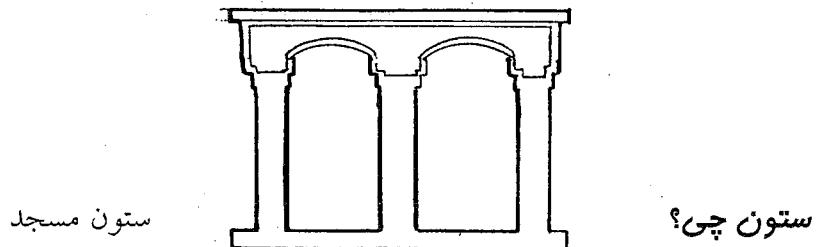
^۲ مربی پس از کشیدن جدول و اشکال و قرار دادن اعداد در جدول از دو نفر از بچه‌های کلاس بخراهد که برای حل مسئله پای تخته بیایند جهت ایجاد شور، برای آنان وقت بگیرد جواب صحیح به این حرکت  در جدول عمل شود. یعنی $2+3\times4\div5-1=3$

^۳ مربی در صورت امکان تصاویر کتاب را بزرگ نموده و روی تخته قرار دهد در غیر این صورت تصویر را نوبت نوبت به بعضی از بچه‌ها نشان داده تا توضیح دهند.

بله بچه‌ها این تصاویر گویای این مطلبند که^۱



به این نقاشی کاملاً دقت کنید و بگویید چه چیزی را می‌کشم.^۲



نقل می‌کنند که در مسجد مدینه سه ستون قرار داشت که پیامبر کنار هر کدام از آن‌ها ساعتی مشخص و برنامه‌ای مشخص داشت. مردم هر گاه پیامبر را می‌دیدند که کنار یکی از ستون‌ها، ایستاده متوجه می‌شدند که آن وقت و آن

^۱ مربی شماره‌ها را روی تخته نوشته و سه بحث نتیجه‌گیری شده از تصاویر را می‌نویسد.

^۲ مربی در حالی که حکایت زیر را نقل می‌کند سه ستون را کشیده و ستون‌ها را کامل و به صورت یک مسجد طراحی می‌کند، وقتی کامل شد مقداری در باره آداب مسجد از جمله با وضو بودن، با پای راست وارد شدن، قرآن خواندن و نماز خواندن در مسجد و... صحبت کند.

مکان برای چه کاری است و چه برنامه‌ای وجود دارد. مثلاً یک ستون برای وقت نماز و خواندن نماز بود. هر گاه پیامبر در کنار آن قرار می‌گرفت، هیچکس به خود اجازه نمی‌داد که مزاحم عبادت پیامبر شود.

ستون دوم، برای رسیدگی به کارهای مردم و جواب سؤال‌های مردم بود که در کنار آن به این کارها رسیدگی می‌کرد. سؤال‌هایی که مردم از اوضاع سیاسی، اقتصادی و مشکلات شخصی خود داشتند.

ستون سوم، ستون مشورت‌های پیامبر بود با بزرگان و سیاستمداران و سرداران جنگی. پیامبر هر کاری را با نظم و دقت خاصی انجام می‌داد.^۱

خُب حالا چه کسی می‌تواند به یک روایت و حکایت از پیامبر در مسجد در مورد نظم اشاره کند.^۲

بله بچه‌ها پیامبر بسیار با نظم و دقت عمل می‌کرد و از دیگران نیز می‌خواست، تا رعایت کنند.

روزی پیامبر درحال آمدن به مسجد بود. دید صفحه‌های مسجد نامنظم است. نگاهی انداخت و صفحه‌ای نماز را مرتب کرد. کسی که نقل می‌کند، می‌گوید که پیامبر، چگونه تیرها را در تیردان پشت سر هم مرتب کرد. (در قدیم کیسه‌هایی بود که تیرهای کمان را در داخل آن می‌گذاشتند. درست مثل خساب تفنگ) یکی از مؤمنان که مقداری از صفحه‌تر بود، پیامبر او را با صفحه‌های هماهنگ کرد. آنها را در یک ردیف قرار داد و فرمود: «ای بندگان خدا، ردیف‌های خود را منظم کنید و گرنه خداوند شما را از هم روگردان می‌کند. (دچار اختلاف می‌شوید)^۳»

^۱ سیره نبوی، منطق عملی، دلشناد تهرانی، دفتر اول، ص ۴۱۹.

^۲ ممکن است بچه‌ها به مطالبی مربوط یا غیر مربوط اشاره کنند اما مربوط خود ادامه می‌دهد.

^۳ نک: میران الحکمه، با ترجمه فارسی، ج ۱۳، ص ۶۴۶، حدیث از نعمان بن بشیر.

و امام علی الصلی اللہ علیہ وسالم نیز به فرزندانش چنین وصیت می کند که^۱:

«وصیت می کنم شما را به تقوای الہی و نظم در کارهایتان.»

فایدہ نظم چیست؟

۱. استفاده از فرصت‌ها: یعنی از فرصت‌هایی که به دست می آوریم

استفاده نماییم. نگوییم حالا تا بعد، بلکه باید در همان فرصت کاری را

که داریم، انجام دهیم. پیامبر(ص) می فرماید: «ترک الفرصة

غُصَّاص: از دست دادن فرصت‌ها مایه اندوه است.»

۲. وقت زیاد: وقتی کارهایمان را با برنامه‌ریزی و نظم انجام دهیم فرصت

کافی خواهیم داشت. اما اگر بی‌انضباط و بی‌برنامه باشیم و کارهایمان را

انجام ندهیم وقت کم می آوریم. همچنین اگر در حال انجام کاری به

کارهای دیگری مشغول شویم، کار را درست انجام نمی‌دهیم.

۳. انجام کار مهم^۲: آدم منظم با برنامه‌ریزی درست و مناسب کارهای

مهم‌تر را انجام می‌دهد و کارهای غیر مهم را به زمانی می‌سپارد که وقت

زیاد داشته باشد. مثلاً دانش‌آموزی که زرنگ است، با برنامه‌ریزی،

درس‌های امتحانات خردادرش را از قبل آماده می‌کند و شب امتحان فقط

کتاب‌ها را مرور می‌کند و چون از قبل حفظ داشته همه مطالب دوباره به

ذهنش می‌آید. ولی دانش‌آموزی که منظم نیست فقط شب امتحان

می‌خواهد تمام درس‌ها را حفظ کند.

^۱ مربی این حدیث را در داخل ستون مسجد می‌نویسد.

^۲ مربی اجازه می‌دهد دانش‌آموزان مقداری بحث کنند.

^۳ میزان الحکمة با ترجمه فارسی، محمدی ری شهری، ج ۱۰، ص ۴۵۸۴، مربی معنای هر کلمه را پشت آن‌ها نوشته و با توضیح مناسب برای بجهه‌ها بیان کند.

^۴ مربی می‌تواند از کارت **کار مهم** هم استفاده کند و خود توضیح دهد.

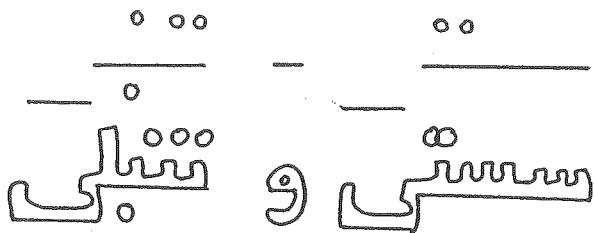
ویژگی‌های بی‌نظمی^۱

۱. **تأخیر** در کارها: یعنی می‌گوید حالا وقت دارم بعداً درس‌ها را می‌خوانم، شب مشق‌هایم را می‌نویسم و... چند بار می‌گوید حالا وقت دارم، فردا وقت هست و در واقع کارش را انجام نمی‌دهد. این شعر را بخوانید.^۲

زنهر کار امروز را به فردا نیفکن
امام علی^{العلیہ السلام} می‌فرماید: «دور اندیش‌ترین مردم کسی است که کار امروز را به فردا نیفکند»^۳

۲. **تبلي**: چه کسی بلد است این شعر را بخواند^۴

تبيل هميشه خوابه جاش توی رختخوابه
حالا به اين حديث از پيامبر اكرم(ص) دقت کنيد که می‌فرماید.
..... و دشمن عمل است^۵



^۱ مربی روی تخته نوشته و از دانش‌آموزان می‌خواهد توضیح دهند که آدم بی‌نظم چگونه آدمی است پس خود از کارت‌ها استفاده می‌کند و توضیحات مناسب را از آن می‌نماید.

^۲ مربی روی تخته می‌نویسد یا در یک کاغذ نوشته و بدون نقطه به مسابقه می‌گذارد.

^۳ ميزان الحكمه، ج، ۴، ص ۵۸۹

^۴ مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد که شعر را بخوانند اگر نخوانند همین یک بیت کافی است.

^۵ مربی باز هم می‌تواند از کارت استفاده کند یا از خط فانتزی.

۳. آدم بی نظم همیشه **ناراحت** است. چرا؟ چون به کارهایش نمی‌رسد و کارهایی که انجام داده درست و محکم و استوار انجام نداده.
 این ضربالمثل را تکمیل کنید.
 از محکم کاری نمی‌کند.
 حالا به این شعر دقت کنید.
 فرشته‌ها می‌آیند
 به سوی ما دوباره
 به روی بالهایشان
 سبد سبد ستاره
 دوباره ماه و خورشید
 کنار هم نشستند
 به حضرت محمد(ص)
 درود می‌فرستند

^۱ مری ب عنوان تکلیف برای جلسه بعد نیز می‌تواند این ضربالمثل را به بچه‌ها بدهد و از آن‌ها بخواهد خودشان نیز در این زمینه مطالعی پیدا کنند. (کار..... عیب).

نام درس:

گلستان

موضوع:

اخلاق

هدف گالی:

دانش آموزان در این درس با آداب اسلامی و فردی پیامبر اسلام آشنا می شونند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با نکات زیر آشنا می شونند.

۱. رعایت آداب فردی نشانه شخصیت است.
۲. نظافت و بهداشت لازمه زندگی انسان است.
۳. اجرای مهارت زندگی در نظم و مقررات تأثیر دارد.

هدف رفتاری:

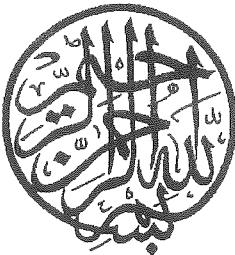
از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس از سلوک پیامبر اسلام الگوبرداری کنند و در زندگی به کار ببرند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی و فعال کارت (پرسش و پاسخ، معما، شعر)

رسائل های آموزشی:

تحته، تصویر ، کارت



گلستان

به بسم الله سخن آغاز گویم سلام را بعد از آن من باز گویم

و بعد از آن سلامی باز گویم

بچه های عزیز هر کس دین اسلام را قبول می کند باید تکلیف خود را بشناسد.

یکی از آن تکلیف ها که هر مسلمان باید خوب رعایت کند چیست؟

سالم نظام فت

نظافت یعنی؛ پاکیزگی، که آدم مسلمان

هر چه بیشتر آن را انجام دهد به پیامبران

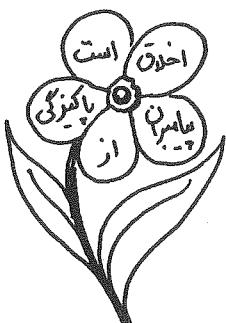
نزدیک تر شده است. حضرت رضا^{علیه السلام} هم

فرموده است: ... چه فرموده؟ با مرتب

کردن کلمات داخل گلبرگ ها به سخن

گهربار امام رضا^{علیه السلام} می رسید.

بله «پاکیزگی از اخلاق پیامبران است!»



بچه‌ها آیا می‌دانید پیامبر ما چگونه به تمیزی و پاکیزگی خود اهمیت می‌داد؟

پیامبر خوب ما به لباس و بدن خود توجه داشت و هر جا که می‌رفت زیبایی او و بوی خوشش همه را شاداب می‌کرد. او به ما فرموده: «اسلام پاکیزه است؛ پس پاکیزه باشید که تنها انسان پاکیزه به بهشت می‌رود!».

راستی بچه‌ها، پاکیزگی چه فایده‌ای برای ما دارد؟

تمیزی فایده‌های زیادی دارد مثلاً:

۱. خدا پاکیزگان را دوست می‌دارد.
۲. غم و اندوه را از بین می‌برد.
۳. عمر او زیاد می‌شود
۴. بهشت جای همیشگی اوست

بله، پیامبر عزیز ما همیشه به بهداشت خودش خیلی توجه می‌کرد، حتی در مسافرت و مهمانی که برای دیدن دیگران می‌رفت وسایل بهداشت شخصی را همراه خود می‌برد. این وسایل چه چیزهایی بودند؟ با حل جدول آن‌ها را پیدا

می‌کنیم.

۱۰	ن	ن	م
۹	و	ق	۱۱
۸	۱۰	۷	۱۲
۷	ک	ج	۱۳
۶	ط	۱۴	۱۵
۵	۱۱	۱۲	۱۶
۴	ش	۱۳	۱۷
۳	۱۴	۱۵	۱۸
۲	آ	۱۶	۱۹
۱	۱۷	۱۸	۲۰

حالا با هم از خانه ۳ شروع می‌کنیم و با نوشتن حرف اول، سه تا سه تا
می‌شمریم تا به آن‌ها برسیم.

مسواک

شانه

قیچی

آینه

عطر

حضرت باقر^{علیه السلام} فرموده‌اند:

پیامبر اکرم در سفر پنج چیز به همراه داشت، آینه، عطردان، شانه، مسوак،
قیچی. همچنین ایشان بسیار مسواك می‌زد و همیشه با وضو بود و می‌فرمود: «در
مسجد شانه بزنید زیرا شانه زدن روزی می‌آورد و مو را زیبا می‌سازد و نیاز انسان
برآورده می‌شود.»

ایشان بیشتر از خوراک و غذا، عطر می‌خرید و از عطرهای زیادی استفاده
می‌کرد.

آیا می‌دانید در چه روزی ناخن می‌گرفت؟ در روز جمعه قبل از نماز ناخن
می‌گرفت و چهره‌اش را زیبا می‌ساخت.

ایشان لباس‌هایش سفید و تمیز بود و همیشه مرتب، خوش بود، خوش رو و
خوش رفتار بود. هر جا می‌رفت بوی گل محمدی در همه جا پراکنده می‌شد.^۱

^۱ محمد حسین طباطبائی، برگرفته از سنن النبی؛ ترجمه حسین استاد ولی، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۹.

مسلمان همچو باغی است

تمیزی مثل گلها

بدون گل نباشد

گلستان هیچ زیبا

مسلمان بی تمیزی

چو بستان است بی گل

چو باغی زرد و غمگین

بدون یاس و سنبل

کثیف و بی نظافت

بود دائم پریشان

تمیزی و نظافت

بود بخشی از ایمان^۱

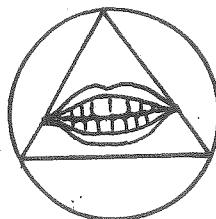
بله بچه‌ها یک مسلمان واقعی هم مانند پیامبر اسلام(ص) باید به نظافت اهمیت بدهد که نشانه ایمان اوست. به تابلوهای زیر دقت کنید!



پیامبر اسلام فرمود: «حق خدا بر هر مسلمان این است که هر هفته یکبار سر و بدن خود را شستشو دهد.»

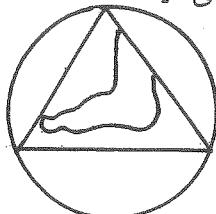
حضرت علی علیه السلام هم فرمود: «که خودتان را از بوی آزار دهنده با آب پاکیزه کنید و بدنتان را سالم نگه دارید که خداوند بنده آلوده را دوست ندارد!»

^۱ محمود طالبی.



تصویر دهان و دندان:

پیامبر اسلام فرمود: «دهانتان را با مساواک تمیز کنید زیرا آن‌ها راه‌های قرآن است^۱» یعنی با آن قرآن تلاوت می‌کنید.



تصویر پا و جوراب:

بوی پا و جوراب کثیف در مسجد، مدرسه، خانه، دوستان و مردم را اذیت می‌کند. بباید ما هم در نظافت بدن و لباس و کفش و وسائل مدرسه خود کوشایشیم.

عصر

یک خانه شاد

یک عصر زیبا

یک مادر خوب

ماند گل‌ها

لبخند بابا

شادی و خنده

پرواز احساس

مثل پرنده

^۱ نهج النصاحة، ميزان الحكم، ج ۱۰، ص ۹۲، ج ۴، ۰۹۷.

بويي بد اما

از گوشة هال

جوراب بدبو

داداش بی حال^۱

خب بچه ها يك سؤال

اگر دشمن به ما حمله کرد چه می کنیم؟ دفاع
با چی؟ تفنگ، تانک، موشک و...

حالا اگر روزی يك میکروب به ما حمله کرد چه می کنیم؟ نظافت و تمیزی. با
چی؟ مسواك، صابون، شامپو و...

عزيزان من! پیامبر نیک ما شبها قبل از خواب و روزها بعد از خواب با
مسواک لثه هایش را پاک می کرد و بعد دندان هایش را می شست. حتی در زمان
بیماری هم فراموش نمی کرد. حالا يك قصه از پاکیزگی می شنویم.

ایشان روزی مریض شد. عبدالرحمن برادر همسرش به دیدن او آمد و در
دستش مسواك تازه ای بود. پیامبر به آن زیاد نگاه می کرد. همسر پیامبر از نگاه
ایشان فهمید که او در فکر مسواك زدن است. با سرعت آن را گرفت و به پیامبر
داد و حضرت با آن مسواك تمیز به دقت دندان های خود را تمیز نمود.^۲

بچه ها حتی بزرگان ما مثل امام خمینی (ره) هم همیشه مانند پیامبر مرتب
دندان هایشان را مسواك می زدند. یعنی وقت وضو و قبل و بعد از خواب و هر
زمان دیگر. برای همین دندان هایشان می درخشید.^۳

^۱ یحیی علوی فرد.

^۲ محمد محمدی اشتهرادی، داستان ها و پندها، ج ۱۰، ص ۲۸، ش ۱۰.

^۳ سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۵۷، به نقل از حججه الاسلام دوانی.

مسواک زدن کار بسیار قشنگی است که فایده‌های زیادی هم دارد مثل

پاکیزه	می‌کند.	ه ز پ ا ک ی	دهان را
سفید	می‌کند	ی د ف س	دندان را
خوشبو	می‌سازد	ل ب و دهان را	بو شو خ
محکم	می‌کند	ک م م ح	لشه‌ها را
پاداش	زیادمی‌دهد	ش ا د پ ا	کارهای ما را
شاداب	می‌کند	ب ا د ا ش	خداؤ فرسته‌ها

بله بچه‌ها ما همه می‌توانیم با بدن پاکیزه و دست و دهان خوشبو بهترین کارها را انجام دهیم. چه کار کنیم؟

قرآن بخوانیم، دعا کنیم و نماز را بر پاکنیم.

و حالا که همه از پاکیزگان و بهشتیان هستیم و پیامبر اسلام را هم بسیار دوست داریم با دست و دل پاکمان دعا کنیم.

خدایا! ما را از بندگان نیکوکار قرار بدہا!

خدایا! ما را از پاکیزگان و دوستان حقیقی پیامبر اسلام قرار بدہا!

خدایا! آداب زندگی خوب را به همه ما عنایت بفرما! آمين يا رب العالمين!

ان شاء الله سالی پر از پاکی و نیکی به همراه شادی و موفقیت داشته باشیدا!

با عطر گل محمدی، یک صلوات احمدی

نام پریس:

درهای بهشت

نمودار:

اخلاق

هدف گالی:

دانشآموزان در این درس با احترام به بزرگترها آشنا می‌شوند.

هدف چریکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. رعایت احترام بزرگان به ویژه پدر و مادر از وظایف هر مسلمان است؛
۲. اهمیت حقوق مردم باید سر لوحه برنامه زندگی قرار گیرد؛
۳. انتقال سیره تکریم و بزرگداشت بزرگان و دانشمندان نسل به نسل صورت گیرد.

هدف رفتاری:

از دانشآموزان انتظار می‌رود به حقوق پدر و مادر و حقوق بزرگان دین از ابعاد مختلف توجه کنند و آن را الگوی زندگی خود قرار دهند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (کارت، جدول، شعر، قصه، پرسش و پاسخ)

رسانه‌های آموزشی: تخته و کارت



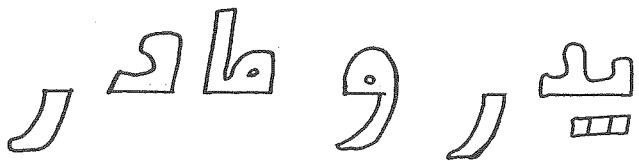
درهای بهشتی

خداوندا تو دادی به من مامان و بابا
و من هم دوست دارم تورا مانند آن‌ها^۱

با سلام به گل‌های بهشتی

در این درس می‌خواهیم درباره‌ی درهای بهشت صحبت کنیم.

بهشت درهای زیادی دارد که بندگان خدا از آن درها به بهشت وارد می‌شوند. اما قبل از این که به درها برسیم باید بدانیم که دو در بهشتی در دنیا وجود دارند که باید کلیدهای آن را پیدا کنیم تا زودتر به بهشت برسیم. اما آن دو در بهشتی



^۱ رابعه راد.

پدر و مادر، دو فرشته بهشتی هستند که خدای مهربان آنان را به ما بخشیده است. حتی پیامبر خدا (ص) هم فرموده است: «بهشت زیر پای مادران است^۱» و «یا پدر و مادر بهشت تو هستند^۲». و ما در سایه آن‌ها زندگی خوبی خواهیم داشت. تا آن جا که حضرت صادق علیه السلام فرموده است: «دیدار و نیکی کردن به پدر و مادر، عمر انسان را زیاد می‌کند و زندگی را بسیار خوب قرار می‌دهد». خب حلا اگر بخواهید بدانید که پیامبر اسلام برای آن‌ها چه حقی قرار داده، به این جدول که روی تخته می‌کشم توجه نمایید تا به یکی از حق‌های پدر و مادر پی ببریم. حالا من از شما سؤالاتی می‌پرسم و بعد از تکمیل شدن جدول با رمز عدد ۶ پیام جدول را به دست می‌آوریم.

۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵
۱۲	۱۱	۱۰	۹
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱

^۱ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰، ح ۱۸۹۳۳، مؤسسه نشر آل‌الیت، قم ۱۴۰۸ هـق.

^۲ همان، ص ۲۳۰.

۱. حضرت علی بن ابیطالب به این نام (لقب) معروف است؟

ابوتراب (۱، ۲۳، ۵، ۱۳، ۱۵، ۲ و ۱۴)

۲. داشتمند معروف فرانسوی که طبق اصول علمی او، میکروب‌های

موجود در شیر را از بین می‌برند و امروز شیر را با نام او همراه

پاستور (۳، ۶، ۱۲، ۱۸، ۲۱ و ۲۲) گرداند؟

۳. کاری که انجام دادن آن گناه باشد، (ضد حلال)؟

حرام (۷، ۱۹، ۱۰ و ۴)

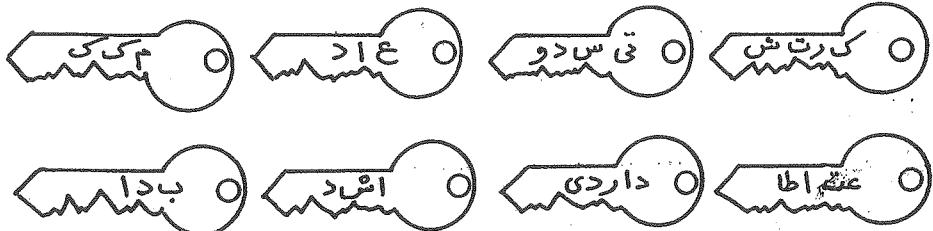
۴. در مقابل مایع و بخار، سفت و سخت؟ جامد (۱۷، ۱۱، ۸ و ۹)

۵. نام عددی که به معنای روستا است؟ ده (۲۰ و ۱۶)

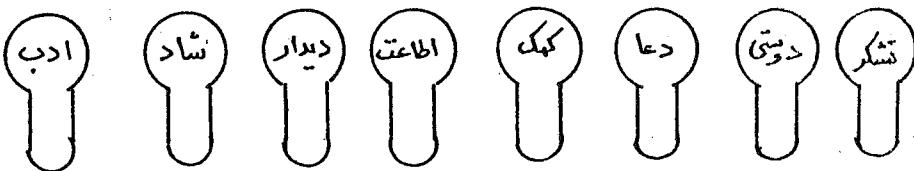
پیام: احترام به پدر و مادر واجب است. این احترام گذاشتن به پدر و مادر و بزرگان خانواده وظیفه هر مسلمان است.

بله، بچه‌ها برای ورود به بهشت کلیدهای زیادی است؛ مثل نماز و... اما کلیدهایی که ما باید از در بهشت پدر و مادر وارد شویم هم فراوان است. آن‌ها حق پدر و مادر و وظیفه ماست. کلیدها را پیدا کنیم. به ترتیب در خانه‌ها

بنویسیم.



حالا نام کلیدهای را در قفل‌ها قرار می‌دهیم تا به بهشت برویم.



پس حال که با کلیدهای در بهشت آشنا شدیم، برای احترام مادر هم که حق بزرگی به ما دارد یک شعر به او هدیه می‌کنیم.

«آرام جان»

تو ای مادر مرا آرام جانی انیس و مونس و روح روانی

خدا باشد نگهدارت همیشه نخواهیم بی تو یکدم زندگانی

کشیدی از برایم رنج بسیار نشستی در بر م تا صبح بیدار

برای خفتنم شبها نخفتی برایم تا سحر لالایی گفتی

به من دادی تو شیر از شیر جانت زبان آموختی تو با زبان^۱

و ما همیشه به خاطر احترام به مادر و زحمت‌های او از خدمتها و مهربانی‌های او تشکر می‌کنیم و در روز مادر برایش هدیه‌ای می‌خریم. پیامبر اکرم (ص) به بزرگان و یاران خود هم بسیار احترام می‌گذاشت و در باره سلمان فارسی فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». یعنی دوست و عزیز ماست.

^۱ غلامعلی شعبانی.

سلمان فارسی ایرانی بود. او به فرزندان فاطمه زهرا(س) یعنی امام حسن و حسین خیلی احترام می‌کرد. آن‌ها را به دوش می‌کشید و با آن‌ها بازی می‌کرد. اگر کسی خوش اخلاق و مهربان‌تر بود پیامبر او را بیش‌تر دوست می‌داشت. چون او پیامبر رحمت و معلم اخلاق بود.

می‌گویند پیامبر عزیز اسلام به پیرزنی که از دوستان خدیجه بود، خیلی احترام می‌کرد و می‌گفت: «او در زمان زنده بودن خدیجه به خانه ما می‌آمد و با حرف‌های شیرین و خوبش ما را شادمان می‌کرد^۱».

حتی روزی خواهرش شیما به دیدار پیامبر رفت. وقتی نگاه پیامبر به او افتاد، بسیار شاد شد و لباس بلند خود را برای او پهن کرد و او بر روی لباس نشست. پیامبر با خوش‌رویی و ادب زیاد از او پذیرایی کرد تا از پیش پیامبر خدا حافظی کرد. سپس عصر آن روز برادر شیما به خانه پیامبر آمد، ولی حضرت آن رفتار را با برادرش انجام نداد. بعضی از دوستان پیامبر پرسیدند: «ای رسول خدا با خواهر او خوب بودی، اما با برادرش که مرد بود خوب رفتار نکردی؟» رسول خدا فرمود: «چون آن دختر بسیار با پدر و مادرش مهربان است^۲.

بله بچه‌های عزیز! پیامبر اسلام با نشان دادن احترام خود به مردم؛ به ما یاد داد که ادب و دوستی ما نشانه مسلمانی است.

روزی پیرمردی به حضور رسول خدا رفت و پیامبر او را احترام نمود. دوستان پیامبر به او احترام نگذاشتند و به او جای نشستن ندادند. پیامبر اسلام از این رفتار بی‌ادبیه آنان ناراحت شد. به آنان فرمود: «کسی که به کودکان ما رحم نکند و به بزرگان ما احترام نگذارد از ما نیست^۳».

^۱ محسن قرائتی، همراه با نماز، نشر طرح اقامه نماز، ج اول، قم، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲.

^۲ محمد محمدی اشتهاری، داستان‌ها و پندها، ج ۱، ص ۱۴۶، ش ۸۶.

^۳ ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، باب السفر و السیر، مکتبه الفقیه، قم، ج ۱، ص ۳۴.

یعنی او دوست و پیرو ما نیست و نشانه‌ای از مسلمانی ندارد. بچه‌های عزیزا خداوند مهربان در سوره اسراء در باره احترام به پدر و مادر فرموده است:

«خدای تو دستور فرمود که غیر از او کسی را نپرستید و به پدر و مادر نیکویی کنید و چون یکی از آن‌ها یا هر دو آن‌ها سالم‌مذ شدند، هرگز کلمه‌ای که آن‌ها را ناراحت کند نگویید و آنان را از خود دور نکنید. با آنان با بزرگی سخن بگویید و همیشه بال مهربانی را پیش آنان باز کنید!»^۱

و تو هم مانند خداوند برای آن‌ها دعا کن و بگو

«پروردگار! پدر و مادر، مرا از کودکی با مهربانی تربیت کردند. تو در حق آنان رحمت و مهربانی کن!»

حالا نوبت ماست که برای آنان و بزرگان دین‌مان دعا کنیم. دست‌ها بالا

خدا ایا پدر و مادرم را بیامرز آمین

خدا ایا بزرگان ما را در کارهای نیک توفیق عنایت فرماد آمین

خدا ایا مرا با پدر و مادرم اهل بهشت قرار بده آمین یا رب العالمین

برای سلامتی خودتان و خانواده محترم‌تان و همه خدمتگزاران به اسلام در سال پیامبر اعظم یک صلوات محمدی

نام درس:

مهربانترین

موضوع:

اخلاق

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با مهربانی و دلسوزی پیامبر(ص) نسبت به همه آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. دلسوزی نسبت به پدر و مادر و نزدیکان خود؛
۲. دلسوزی نسبت به کسانی که آنها را نمی شناسند؛
۳. دلسوزی پیامبر نسبت به همه، حتی حیوانات.

هدف رفتاری:

انتظار می رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند با الگوگیری از سیره عملی پیامبر اکرم(ص) دلسوز و خیرخواه دیگران باشند و در موقعی که برای شخصی مشکلی پیش بیاید، در فکر چاره جویی برای رفع آن مشکل باشند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال (قصه، شعر، نقاشی، جدول، رازگل‌ها، معما، سؤال و جواب)

رسانه‌های آموزشی: تخته سیاه، نقاشی و تصویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهر بان قرین

در ابتدای کارم نام تو را بیارم
باشد که خوب گردد پایان این بهارم

بچه‌ها سلام، امیدوارم امروز، روز خوبی را شروع کرده باشید و الان همه شما آماده آماده باشید. بگویید بینم همه آماده‌اید؟ آماده آماده؟ حالا آن‌هایی که واقعاً آماده هستند، دست‌هایشان را بیاورند^۱ پایین! آفرین به شما که آماده‌اید و حواس‌هایتان جمع است. پس معلوم می‌شود روز خوبی را شروع کرده‌اید. روز خوب با چه چیزی شروع می‌شود؟ بله، درست است روز خوب با نام خدا شروع می‌شود. هر کاری اگر با نام خدا شروع شود آن کار شروع خوبی خواهد داشت و ان شاء الله به خوبی هم به پایان خواهد رسید.

همان‌طور که می‌دانید امسال سال پیامبر عزیzman است، دوست دارید بدانید پیامبر چگونه کارهایشان را شروع می‌کردند. اگر می‌خواهید جوابش را با شعر برایتان بگوییم یک صلوٰات بلند بفرستید!

^۱ مریم در هنگام گفتن این جمله دستش را بالا بیاورد و قبل از گفتن کلمه «پایین» مکث کوتاهی کند.

پیامبر عزیز ما

همیشه و در همه جا

روی زبانش می آورد

نام خدای خوب را

وقت نشستن می آورد

نام خدا را بر زبان

دوباره با یاد خدا

بلند می شد از آن مکان

وقت ناهار و شام که بود

کنار سفره می نشست

از نانی که توسفره بود

تکه‌ای می گرفت به دست

با گفتن نام خدا

یواش یواش می خورد غذا

آخر هر غذا می کرد

شکر خدای خوب را

ابر سفید آسمان

پر می کشید به دنبالش

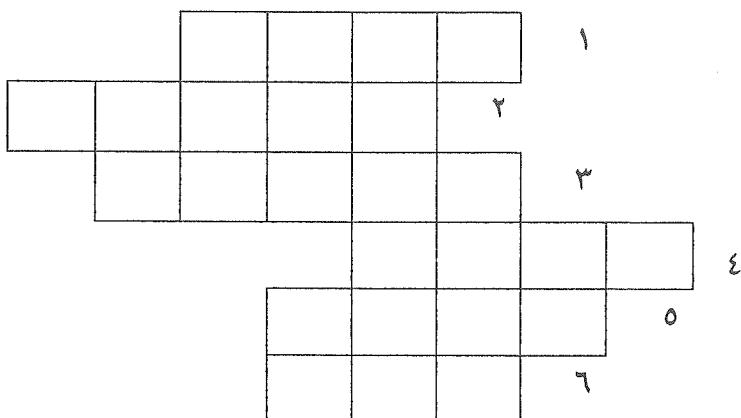
سایه می انداخت روی او

خوش به حالت، خوش به حالت^۱

^۱ این شعر تلقیقی از دو شعر از مجموعه پیامبر عزیز ما است که یک شعر آن از کتاب «میهمان دخترک» با اسم «نام خدا» و شعر دیگر آن از کتاب «نان و لبخند» به نام «یاد خدا» است که این مجموعه سروده سید محمد مهاجرانی، ج ۶ و ۸ و چ انتشارات مدرسه.

و خوش به حال شما بچه‌ها که می‌خواهید مثل پیامبر مهریان و عزیزان همیشه و در همه جا کارهایتان را با چی شروع کنید؟ بله با، بسم الله و با نام خدا.

من هم امروز می‌خواهم یک کار خوب دیگر پیامبر را به شما یاد بدهم تا شما هم آن را مثل پیامبر انجام دهید. آماده‌اید؟ برای این که بفهمید آن کار چیست، من یک جدول برایتان می‌کشم و بعد از آن، برای پُر کردن خانه‌های افقی آن که شش تاست من شش تصویر و شکل را برایتان روی تخته می‌کشم.^۱



و شما باید اسم هر تصویر را بگویید. من هم جواب‌های شما را که روی تخته به ترتیب از شماره ۱ تا ۶ از بالا به پایین گوشه تخته برایتان می‌نویسم وقتی اسم آخرین شکل را نوشتیم، از شما می‌خواهم این اسمی را در جدول به صورت افقی قرار دهید.

^۱ مربی می‌تواند به جای کشیدن تصاویر بر روی تخته از قبل آنها را روی کارت بکشد و یا تصاویر زیبایی از این اشکال را از قبل آماده کند و یا اسم این تصاویر را به صورت کلمات فانتزی روی تخته بنویسد و توضیحات پیرامون آن را ارایه کند.

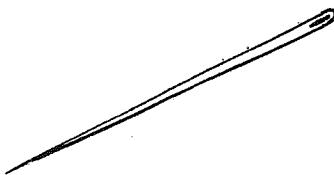
تا کاری را که ما می‌خواهیم از پیامبر یاد بگیریم پیدا کنید. جواب یک کلمه شش حرفی و در خانه شماره «۲» عمودی جدول است^۱.

حالا من برایتان نقاشی اول را می‌کشم تا شما اسم آن را در جدول افقی قرار دهید. نام اولین نقاشی خیلی ساده است و جای این کلمه در جدول به راحتی

پیدا می‌شود.



بله این نقاشی یک «کیف» است و ما هم در جدول افقی فقط یک مورد کلمه سه حرفی داریم. بچه‌ها اگر دانش‌آموزی، کیف به دست کنار جوی آبی ناگهان پایش لغزید و داخل جوی آب افتاد. شما چه می‌کنید؟
نام نقاشی دوم هم ساده است. خوب دقت کنید اسم آن را بگویید؟

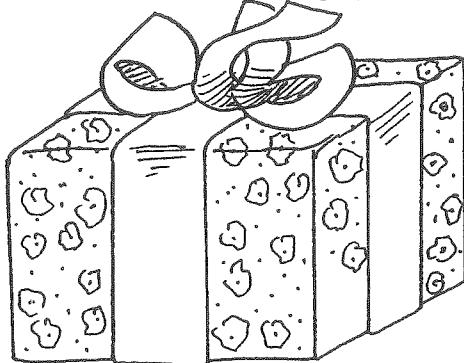


^۱ مریم در اینجا فقط ردیف عمودی را با کشیدن یک فلش به بچه‌ها نشان دهد و وقتی تمام عکس‌ها را با توضیحات برای بچه‌ها کشید یا نشان‌داد چنانچه کلمه دل‌سوزی را پیدا نکردند برای راهنمایی دانش‌آموزان اسم تصویر شماره اولی را در خانه افقی آخری قرار دهید و اسم دومی را در خانه افقی قبل از آخری قرار دهید، یعنی دقیقاً اسمی را از آخر به اول به صورت برعکس در جدول افقی قرار دهید.

«سوزن» را که چهار حرف دارد در جدول افقی قرار دهید.

اگر یک روز یکی از اعضای خانواده شما حواسش نباشد و سوزنی را که شما اشتباهًا وسط اتاق انداخته بودید، نبیند و پایش را روی آن بگذارد و سوزن به پای او فرو رود و فریاد بلندی هم بکشد به شما چه حالی دست خواهد داد و چه می‌کنید؟ آیا شما به او می‌گویید: «می‌خواستی حواس است را جمع کنی و جلوی پایت را نگاه کنی یا...»

نقاشی سوم را اگر با جعبهٔ شیرینی اشتباه نکنید. ساده است.



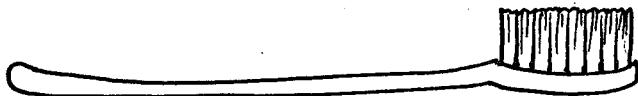
جواب صحیح همان «کادو» است.

بچه‌ها! شما برای کسانی که برایتان زحمت می‌کشند و همیشه به فکر شما هستند کادو می‌گیرید؟

ما برای چه کسانی و در چه ایامی و مناسبتی کادو می‌گیریم؟ چه گرسی می‌تواند بگوید؟

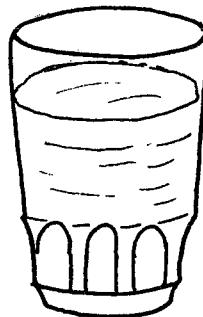
^۱ مریبی در این جا می‌تواند با کمک بچه‌ها به روز مادر (یا پدر) و روز معلم اشاره کند و از بچه‌ها علت نامگذاری این چند روز را پرسد. مثلاً روز مادر به خاطر ولادت حضرت فاطمه الزهرا ام ابیها(س) به این روز نام‌گذاری شده است و روز پدر به خاطر ولادت امیر المؤمنین علی^{الله} و روز معلم به خاطر روز شهادت معلم استاد شهید مرتضی مطهری(ره) به این روزها نام‌گذاری شده است.

اسم نقاشی بعدی چیست؟



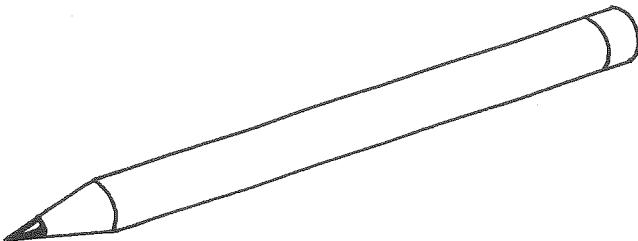
بله خیلی ساده است. «مسواک» مسوак زدن یکی از کارهایی است که پیامبر هیچ وقت آن را ترک نکرده است. کسانی هم که پیامبر را خیلی دوست دارند مثل پیامبر مسواك زدن را ترک نمی‌کنند.

کدام یک از شما برای خودتان مسواك دارید؟ آفرین به شما که همگی مسواك دارید و هر روز دندان‌هایتان را مسواك می‌زنید.
اگر شما اردو رفته باشید و موقع خواب که همه می‌خواهند مسواك بزنند و دوست شما مسواکش را با خودش نیاورده باشد و او هم دوست داشته باشد. دندان‌هایش را مثل پیامبر مسواك بزند. شما چکار خواهید کرد؟^۱



^۱ مربی در مورد مسواك و لیوان به شخصی بودن این دو وسیله اشاره کند و در مورد لیوان بگوید. اگر کسی از لیوان شخصی شما استفاده کند شما می‌توانید آن را تمیز کنید و بعد از تمیز کردن از آن استفاده کنید ولی مسواك را نمی‌توان به کسی امانت داد.

نقاشی چهارم که پنج حرف دارد نامش «لیوان» است. آن را در جدول قرار دهید.
 حالا اگر مدرسه شما آب سردکن داشته باشد، ولی جای شیرهای آب خوری آن طوری پنجره (نرده) گذاشته‌اند که کسی با دهان خودش از شیرها آب نخورد و شما لیوانتان را بر می‌دارید و می‌روید تا از آب سردکن آب بردارید و بنوشید.
 می‌بینید که یکی از بچه‌های مدرسه خیلی تشنه است و دست‌های خودش را از لای پنجره، زیر شیر آب سردکن، پر از آب می‌کند و از لای پنجره‌ها بیرون می‌آورد و شروع به خوردن آب‌های کف دو دستش می‌کند. وقتی این صحنه را مشاهده کنید چه کار می‌کنید؟
 تصویر نقاشی آخر هم ساده است.



«مداد». درست است، خودکار شش حرف دارد.
 جدول افقی کلمه شش حرفی اصلاً ندارد. پس خودکار نمی‌شود. بگویید بیسم اگر یک روزدر مدرسه یکی از هم کلاسی‌هایتان مداد یا خودکارش را در خانه جا گذاشته باشد و فراموش کرده باشد آن‌ها را بیاورد و شما هم با خودتان خودکار یا مداد اضافی داشته باشید، چه کار خواهید کرد؟

↓

	د	ا	د	م	۱
	ن	ا	و	ل	۲
	ک	ا	و	س	۳
			و	د	۴
		ن	ز	س	۵
	ف	ی	ک	ا	۶

چه کسی می‌تواند پیام جدول را بگوید؟

درست است. کلمه «دلسوزی» که منظور دلسوزی پیامبر برای دیگران است و این که پیامبر همیشه به فکر همه و تمام اطرافیان خودشان بوده‌اند. به ویژه بچه‌ها که پیامبر آن‌ها را خیلی دوست داشتند و هر وقت مشکلی برایشان پیش می‌آمد پیامبر به فکر آن‌ها بودند.

می‌دانید پیامبر وقتی کوک هم بوده‌اند دلسوز دیگران و به فکر همه بوده‌اند. شما هم دوست دارید مثل پیامبر دلسوز دیگران باشید. پس به یک داستان قشنگ که از کوکی پیامبر برایتان تعریف می‌کنم، گوش دهید. اسم داستان «بیابان داغ و شیرخنک^۱» است.

هوا خیلی گرم بود. زمین خشک و ترک خورده بود. داغی خورشید زمین را می‌سوزاند. زمین، داغی خورشید را پس می‌زد و به چهره رهگذران می‌پاشید.

^۱ مصطفی رحماندوست، هفت حکایت از بچه‌ها و پیامبر، نشر افق.

«محمد» خسته از گرما و تنهايی به سوی چادری که در آن زندگی می‌کرد، راه افتاد. او کودک هفت ساله‌ای بود. سال‌ها بود که از مادرش «آمنه» جدا شده بود و در کنار دایه‌اش «حليمه» زندگی می‌کرد. مادرش او را به حليمه سپرده بود تا در بیابان پرورش دهد و از او مردی کارآمد و توانا بسازد.

حليمه او را خیلی دوست داشت. می‌دید که با حضور محمد، برکت و سعادت به خانه او رو کرده است.

حليمه در کودکی به محمد شیر داده بود. او چند فرزند دیگر هم داشت. به آن‌ها هم شیر داده بود و دوستشان می‌داشت. محمد هم بازی و دوست پسرانش بود. آن‌ها هر روز تنهايیش می‌گذاشتند و به سر کارشان می‌رفتند. با اين همه محمد نمی‌توانست به فکر برادرانش که فرزندان دیگر حليمه بودند، نباشد.

گرمای زیاد آن روز، باعث شده بود که محمد تنهايی و نبودن برادرانش را بیش‌تر حس کند. آرام آرام، جلو رفت تا به چادر رسید. دایه‌اش حليمه زیر چادر نشسته بود و کارهای روزانه‌اش را انجام می‌داد. محمد به دایه‌اش سلام داد.

دایه جواب داد: «سلام پسرم. چرا بیرون چادر ایستاده‌ای؟ هوا خیلی گرم است. بیا توی چادر. بیا زیر سایه چادر بنشین و کمی استراحت کن!»

محمد حرف مادرش را گوش کرد، وارد چادر شد و گوشه‌ای نشست. حليمه از جا بلند شد و کاسه‌ای برداشت. توی کاسه شیر ریخت و به دست محمد داد و گفت: «بنوش پسرم. شیر را توی چادر زیر سایه نگاه می‌دارم که خنک بماند.

گرما حتماً ناراحتت کرده است. این شیر خنک را بگیر و بنوش»

محمد لبخندی تشکرآمیز زد. کاسه شیر را گرفت و جرعه‌ای از آن نوشید. ناگهان به یاد چیزی افتاد. کاسه شیر را روی زمین گذاشت. رو به حليمه کرد و

پرسید: «برادرانم کجا هستند؟ چرا آنها هر روز در این هوای سوزان بیرون می‌روند؟»

حليمه گفت: «فرزنند! آنها از تو بزرگ‌تر هستند. هر روز به صحراء می‌روند تا گوسفندانمان را بچرانند.»

چهره محمد درهم رفت. کمی فکر کرد. بعد رو به مادرش کرد و به آرامی گفت: «مادر! تو در باره من و برادرانم با انصاف رفتار نکرده‌ای.»

حليمه ناراحت شد. فکر کرد محمد از او ناراحت است. به کنار محمد آمد و از او پرسید: «چرا فرزند! مگر من چه کار کرده‌ام.»

محمد گفت: «آیا درست است که من زیر سایه چادر بنشینم و شیر بنوشم، اما برادرانم زیر این آفتاب سوزان در صحراء و بیابان گوسفند بچرانند؟»

دل حليمه از شادی پُر شد. دلش نمی‌خواست محمد هفت ساله هم همراه بچه‌های بزرگ‌ترش به صحراء برود، اما بزرگواری محمد، دل او را لبریز از شادی کرد.

به چهره محمد نگاه محبت‌آمیزی انداخت و گفت: «تو هنوز خیلی کوچکی! اما باید فکری کنم که همراه برادرانت باشی.»

فردای آن روز حليمه محمد را خوب شست، موی سرش را شانه زد، لباس مناسب صحراء به تنش پوشاند و او را همراه برادرانش به صحراء فرستاد تا گوسفند بچراند. محمد هفت ساله خوشحال شد؛ زیرا دیگر میان او و برادرانش فرقی نبود.

بچه‌ها در این داستان پیامبر کدام رفتار ایشان را می‌توانیم درس بگیریم و ما هم مثل پیامبر آن گونه باشیم. پیامبر در این داستان که از کودکی خودشان بود به ما فهمانند که ما باید به فکر دیگران و دلسوز آن‌ها باشیم.

بچه‌های کلاس چهارم و پنجم اگر یادشان باشد در کتاب هدیه‌های آسمان سال چهارم، داستانی دیگر هم از دلسوزی و محبت پیامبر نسبت به مادرشان در اواخر این کتاب آمده است که در آن صفحه، نقاشی کودکی هم آورده شده است. نقاشی دو دست که گویا دستان مادر این کودک در آن جا کشیده شده است. چه کسی آن ماجرا یادش مانده است تا برایمان تعریف کند؟^۱

در این داستان پیامبر نمی‌خواست مادرش از خواب بیدار شود؛ چون مادر مهربانش را خیلی دوست داشت. اما بچه‌ها! مادر پیامبر خواب بود یا نه؟ بله مادر پیامبر حضرت آمنه به خواب همیشگی فرو رفته بود.

آیا ما باید فقط دلسوز مادرمان یا پدرمان یا دوستان و یا فامیل‌هایمان باشیم و اگر یک نفر غریبه که ما او را نمی‌شناسیم برایش مشکلی پیش بیاید آیا ما نباید به فکر او باشیم و از روی دلسوزی و خیرخواهی مشکلش را حل کنیم.

پس ما باید به فکر همه باشیم. پیامبر عزیز ما هم به فکر همه بودند. حالا من یک شعر درباره پیامبر برایتان می‌خوانم. خوب گوش کنید تا بتوانید به سؤال این شعر جواب دهید! سؤال شعر این است که بگویید پیامبر چه چیزی را پیش آن آقا گذاشت؟^۲

^۱ این ماجرا در صفحه ۶۴ کتاب هدیه‌های آسمانی کلاس چهارم آمده است که برای آگاهی دانش‌آموز از متن این کتاب آن را اینجا می‌آوریم. «محمد آن موقع فکر می‌کرد مادرش به خواب رفته است. دستش هنوز در دستان مادر بود خم شد و مادر را بوسید و هم چنان‌بی‌حرکت کنارش نشست. محمد، تا مدت‌ها دستش را از دست مادر بیرون نیاورد. ممدا این کار مادر را از خواب بیدار کند.»

^۲ در متن اصلی شعر «قبا» آمده بود ولی ما مناسب دیدیم به جای قبا، عبا را جایگزین کیم.

پیامبر عزیز ما

از کوچه‌ای عبور می‌کرد
ماه قشنگ صورتش
کوچه را غرق نور می‌کرد
مرد و زن و پیر و جوان
می‌آمدند پشت سرش
وقتی به خانه‌اش رسید
پُر شده بود دور و برش
هر کسی جایی پیدا کرد
نشست همان جا خیلی زود
نه در اتاق نه در حیاط
جابرای کسی نبود

پیامبر عزیز ما

نگاهی کرد به دور و بر
دید آقایی نشسته است
داخل کوچه پشت در
از تن خود بیرون آورد
عبای سبزی را که داشت
کنار آن آقا آمد
عبا را پیش او گذاشت
عبا را وقتی او گرفت
خندید و روی آن نشست
با خود می‌گفت بهتر از این
جایی نمی‌توان نشست.^۱

^۱ سید محمد مهاجرانی، مجموعه «پیامبر عزیز ما»، ج ۶، مهیمان دخترک، انتشارات مدرسه، ج ۱۳۸۴. (با ویراسته مصطفی رحماندوست)

پس بچه‌ها ما هم باید مانند پیامبر به فکر همه باشیم، حتی آن کسانی که ما آنها را نمی‌شناسیم.

چه کسی می‌تواند به این سؤال ریاضی و فارسی جواب دهد؟

$$= ک + ک + ۳$$

این جمع برابر است با «سکه» حالا که درست جواب دادید برای شما شعر «چهارسکه» را می‌خوانم.

پیامبر عزیز ما

وقتی توی کوچه رسید

دختری را گریه کنان

کنار یک خانه‌ای دید

دختر خوب من سلام

گریه چرا؟ بگو به من

چه اتفاقی افتاده؟

گریه نکن، حرفی بزن

پیامبر عزیز، سلام

من پولی داشتم توی دست

رفته بودم خرید کنم

دیدم پولم گم شده است

چقدر بوده پول شما؟

چهار تاسکه بود آقا

غضه نخور، گریه نکن

بیا بگیر این پول‌ها را

پول را گرفت و صورتش

پر از نشاط و خنده بود

به سوی دکان که می‌رفت

انگار که یک پرنده بود!

متوجه شدید که پیامبر به فکر همه، حتی بچه‌ها هم بوده‌اند و برای آن‌ها
دلسوزی می‌کردند اما بچه‌ها! پیامبر، دلسوز حیوانات هم بوده‌اند و آن‌ها را هم
دوست داشتند و برای شتر و اسب و دیگر حیوانات خودشان اسم هم
می‌گذاشتند. اگر دوست دارید درباره محبت و دلسوزی پیامبر به حیوانات برایتان
شعر بخوانم یک صلوٽات بلند بفرستید!

روزی پیامبر خدا

تو خانه‌اش گربه‌ای دید

که با زبان کوچکش

لب‌های خود را می‌لیسید

حیوانکی گرسنه بود

روی زمین را بو می‌کرد

برای جستن غذا

خانه را زیر و رو می‌کرد

^۱ همان‌ج^۹، سوار مهریان.

پیامبر عزیز ما

غذای خوشمزه‌ای را

برد و کنار او گذاشت

خندید و گفت: پیشی بیا

چشم‌های گربه بر قی زد

با خوشحالی آمد جلو

غذای خوشمزه را دید

میو میو، میومیو

اما دهائش نرسید

تا ته آن ظرف غذا

کاسه را کج کرد برایش

پیامبر عزیز ما^۱.

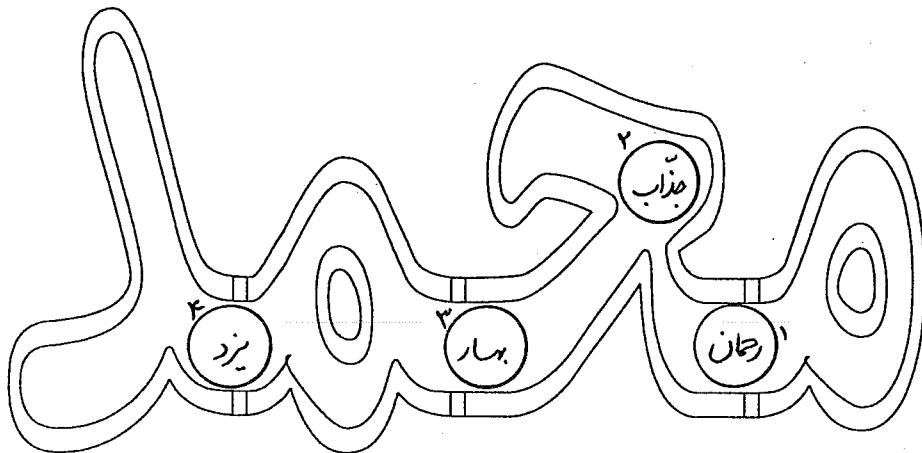
پس دیدید که پیامبر واقعاً به فکر همه هستند و برای همه حتی حیوانات هم دلسوزی می‌کنند. اما الان می‌خواهم جمله‌ای در باره پیامبر و محبت و دلسوزی او برایتان بگویم که این جمله را خود خداوند در بار پیامبر ما فرموده‌اند. فکر می‌کنید این جمله خداوند را من از کجا می‌خواهم برایتان بگویم.

درست است. جمله‌ها و گفته‌های خداوند در کتاب آسمانی ما یعنی قرآن مجید است. ولی بچه‌ها من همه این جمله را به شما نمی‌گوییم، بلکه شما باید خودتان بقیه جمله را پیدا کنید و برای پیدا کردن بقیه جمله من برایتان سؤال‌هایی مطرح می‌کنم که با جواب دادن به سؤال‌ها می‌توانید این جمله را کامل کنید.

^۱ همان، ج ۳، «دورکوبتر» نام شعر، گریه سفید.

«قطعاً پیامبری از میان خودتان برای شما آمده است که برای او سخت و دشوار است که شما...»^۱

شما مانند من دایره‌ها را همان طوری که من می‌کشم در دفترهایتان بکشید.^۲



۱. بخشاینده و مهریان، یکی از نام‌های خدا؟
 ۲. بسیار جذب کننده، گیر؟
 ۳. یکی از فصل‌های چهارگانه سال که سال هم با این فصل آغاز می‌شود.
 ۴. پشمک سوغات کدام شهر است؟
- يزد
بهار
رحمان
جذاب

^۱ سوره توبه / ۱۲۸.

^۲ مریم در ابتدا دایره‌های شماره‌گذاری شده را به ترتیب (پس از پاسخ دادن بچه‌ها به هر سؤال) با پاسخ‌هایش داخل دایره روی تخته در محل مشخص شده بکشد. در انتهای جواب‌ها دو دایره بدون شماره را بکشد و از بچه‌ها بقیه آیه قرآن را بپرسد و بعد کلمه «محمد» را با کمک دایره‌ها به دست آورد..

با وصل کردن حرف اول و آخر هر کلمه به ترتیب از شماره ۱ تا ۴ بقیه کلام خداوند را در باره دلسوزی پیامبر نسبت به همه پیدا خواهید کرد. برای او سخت و دشوار است که شما رنج ببرید.

پس سعی کنیم ما هم مثل پیامبر سختی و دشواری دیگران برایمان ناراحت کننده و سخت باشد تا بتوانیم مثل پیامبر دلسوز همه باشیم.

قرآن

نام درس:

توجه پیامبر به قرآن

هدف صریع:

قرآن

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با مسئله توجه پیامبر به قرآن آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانشآموزان در این درس با مسائلی نظری توجه پیامبر به تعلیم و تعلم قرآن، حفظ قرآن و توجه به مسایل اخلاقی مطرح شده در قرآن نظری مسخره نکردن، تهمت نزدن و... آشنا می‌شوند.

هدف رفتاری (خروبی):

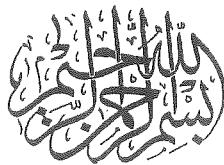
انتظار می‌رود که دانشآموزان نسبت به تعلیم و تعلم قرآن و رعایت برخی از مسائل قرآنی در زندگی اهتمام بیشتری داشته باشند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (پرسش و پاسخ، جدول، شعر، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی:

کارت، تخته



توجه پیامبر به قرآن

دوست دارم مثل بابا
صبح‌ها قرآن بخوانم
سوره‌های کوچکش را
مثل او آسان بخوانم

به نام خدا. بجهه‌های خوب و عزیز سلام! حالتان خوب است؟ امیدوارم که همیشه بهتر از این باشد. یعنی بهترین باشد گفتم، بهترین، به نظر شما بهترین غذا چه غذایی است^۱? بهترین نوشیدنی چیست؟ بهترین لباس چه لباسی است؟ حالا بگویید بینیم بهترین انسان چه انسانی است^۲? آفرین به شما، جواب‌های خوبی دادید، حالا بینیم پیامبر گرامی اسلام چه فرموده است: یکی از کارهای خوبی که پیامبر سفارش کرده‌اند این است که ...! چه کسی حاضر است در مسابقه ما شرکت کند؟ بله ماشاءالله همه حاضرند. حالا یک نفر را انتخاب می‌کنم تا این متن بدون نقطه را بخواند^۳.

^۱ ممکن است پاسخ‌های مختلفی داده شود، چون این سوالات فقط به عنوان مقدمه و حلقه ارتباطی است، مربی به سرعت از آن‌ها می‌گذرد.

^۲ مربی پاسخ داشن‌آموزان را می‌شوند، سپس می‌گوید.

^۳ این متن روی کاغذی نوشته شود و به دست داشن‌آموز شرکت کننده در مسابقه داده شود. (چنانچه نفر اول توانست جمله را صحیح بخواند، مربی از نفرات دیگر استفاده کند و هر کس صحیح خواند، مربی تشویقش کند و از داشن‌آموز بخواهد جمله را با نقطه روی تخته بنویسد).

«بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بدهد.»^۱

سؤال: چه کسی می‌تواند قرآن را یاد بدهد؟ بله! کسی که خودش بلد باشد. پس اول باید قرآن را یاد بگیرد تا بتواند آن را یاد بدهد.

بچه‌های عزیز! خود پیامبر هم خیلی نسبت به یاددادن و یاد گرفتن قرآن سفارش می‌کرد. ایشان هر وقت سوره‌ای نازل می‌شد یک نفر را مأمور می‌کرد تا به سوی کافران و مردم برود و قرآن را برای آن‌ها بخواند. بعضی وقت‌ها قاریان قرآن خیلی اذیت می‌شدند. مثلاً وقتی سوره الرحمن نازل شد، پیامبر گرامی به یارانش فرمود: «چه کسی حاضر است این سوره را برای بزرگان قریش بخواند؟» همه ساكت شدند. هیچ کس جوابی نداد؛ چون همه از اذیت و آزار بزرگان قریش می‌ترسیدند. عبدالله بن مسعود بلند شد و گفت: «ای رسول خدا! من این کار را انجام می‌دهم.» ابن مسعود لاغر و ضعیف بود. او پیش بزرگان قریش رفت که همگی دور خانه کعبه جمع شده بودند و سوره الرحمن را برای آن‌ها خواند. ابوجهل به او حمله کرد و یک سیلی محکم به صورت او زد که از گوشش خون آمد.^۲

زمانی هم که اسلام قوت گرفت، باز هم پیامبر قاریان قرآن را به جاهای مختلف می‌فرستاد تا مردم را با قرآن آشنا کنند. یکی از این قاریان مُصعب ابن عُمیر بود. دوست دارید داستان مصعب را برایتان بگویم؟

^۱ مستدرک الوسائل، ج ۴، ح ۲۳۵. به نقل از فضائل القرآن، علی اکبر تلافی.

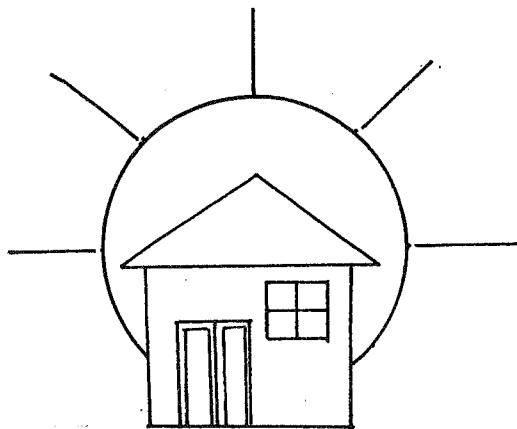
^۲ اکبری، محمد رضا، داستان‌های پیروان وحی، ج اول، ص ۲۲.

مُصَبَّب ابن عُمیر در یک خانواده اشرافی و بزرگ به دنیا آمد. پدر و مادر او هر دو از خانواده‌ای بزرگ و اشرافی شهر مکه بودند. مصعب هم یکی از جوانان نازپرورده شهر بود که بهترین و شیک‌ترین لباس‌ها را می‌پوشید، تا این که مسلمان شد. وقتی که فامیل‌های مصعب فهمیدند او مسلمان شده، او را به شدت شکنجه و زندانی کردند. اما او دست از دینش برنداشت و با عده‌ای از مهاجران به حبسه هجرت کرد. بعد از بازگشت از حبسه پیامبر مصعب را به مدینه فرستاد تا قرآن کریم را به آنان آموخت دهد. مصعب هم به خانه‌های انصار می‌رفت و برای آنان قرآن می‌خواند و به دین اسلام دعوتشان می‌کرد. مردم هم یکی پس از دیگری اسلام می‌آوردند. همه آن‌ها مسلمان شدند. با این که مصعب چنین مقامی داشت، ولی به شدت فقیر و تنگدست بود و جوان شیک‌پوش مکه حتی لباس خوبی نداشت تا بپوشد؛ ولی به خاطر حفظ دین و عقیده‌اش حاضر بود همه سختی‌ها را تحمل کند.

یکی دیگر از دستورهای پیامبر این بود. خ^۱ یعنی چه بچه‌ها؟ حالا کارت‌های دیگر را ورق می‌زنیم تا بینیم پیامبر چه دستور داده است؟ بله «خواندن» خواندن چه چیزی؟ خواندن قرآن. خواندن قرآن فایده‌های زیادی دارد. می‌توانید چند تا از فایده‌هاییش را بگویید؟^۲ پیامبر بزرگ اسلام فرموده است:

^۱ مربی حروف کلمه خواندن را به صورت جداگانه روی کارت می‌نویسد و یکی یکی به دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

^۲ مربی صیر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنید، سپس می‌گوید



«با خواندن قرآن خانه‌های خود را نورانی کنید»^۱
بچه‌ها این نور را چه کسانی می‌بینند؟ فرشتگان آسمان.

همان طور که ما نور ستاره‌ها را می‌بینیم، فرشته‌ها هم از خانه‌هایی که قرآن در آن خوانده می‌شود، نور می‌بینند. پس یکی از فایده‌های این است که خانه قاری قرآن نورانی می‌شود.

یکی دیگر از فایده‌های خواندن قرآن این است که برکت آن خانه زیاد می‌شود و حتی فرشته‌ها به آن خانه رفت و آمد می‌کنند، خُب، جایی که فرشته‌ها بیایند دیگر جای... بله. جای شیطان نیست. درجات بهشت هم به تعداد آیه‌های قرآن است. روز قیامت به قاری قرآن می‌گویند قرآن بخوان و بالا برو.

^۱ نلافی، علی اکبر، *فضائل القرآن*، به نقل از کافی، ج ۲، ح ۶۱۰.

یکی دیگر از کارهای خوبی که پیامبر(ص) سفارش کرده‌اند ^۱ ۹۸. بچه‌ها

این عده‌ها چیست؟ بله هفده قرآن است.

حفظ کردن قرآن هم مثل خواندن آن فایده‌های زیادی دارد.

من توانید چند تا از فایده‌هایش را نام ببرید؟

یکی از فایده‌هایش این است که این حروف در هم ریخته را سریع تکمیل کنید؟ بله ثواب دارد. یعنی به خاطر حفظ قرآن به ما پاداش می‌دهند. یکی دیگر این است که تقویت می‌کند؟ چه چیزی را؟ بله، حافظه را تقویت می‌کند. یکی دیگر از فایده‌هایش هم این است که ما یک خوب پیدا می‌کنیم؟ چی بچه‌ها؟ دوست خوب پیدامی کنیم. دوستی که هیچ وقت با ما قهر نمی‌کند و همیشه در کنار ماست و هر وقت تنها می‌شویم همراه ماست. هر وقت غمگین می‌شویم ما را دلداری می‌دهد و به یاد کسی می‌اندازد که همه چیز به دست اوست. یعنی چه کسی؟ آفرین به شما دانش‌آموزان مؤمن. بله همیشه ما را به یاد خدا می‌اندازد.

حالا ممکن است بعضی‌ها بگویند که حفظ قرآن برای ما خیلی سخت است. پیامبر گرامی ما فرموده‌اند: «کسی که قرآن را با سختی حفظ کند، دو پاداش دارد.» پیامبر به اصحابش هم دستور می‌داد که قرآن را حفظ کنند. اصحاب پیامبر هم وقتی سوره‌ای را حفظ می‌کردند، آن را به فرزندانشان یاد می‌دادند.

بچه‌ها! ما برای چه باید قرآن را یاد بدھیم و بخوانیم^۲؟ قبل از این که جواب سؤال را بدھید، چند سؤال می‌پرسم.

^۱ مریم مدنی صیر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، سپس اعداد را به یکدیگر متصل می‌کند.

^۲ مریم صیر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، سپس می‌گوید.

سوره‌ای در قرآن که یکی از وقت‌های روز است؟ آفرین! عصر
 یکی از سوره‌های قرآن به معنای غذای آسمانی؟ احسنت! مائده
 یکی از سوره‌های قرآن به معنای شب که حرف اول و آخر آن یکی است?
 درود بر شما! لیل

حالا حروف اول این سه کلمه را کنار هم قرار دهید. چه کلمه‌ای به دست
 می‌آید؟ آفرین! عمل

یعنی ما باید قرآن را یاد بگیریم و آن را یاد بدھیم و بخوانیم تا به آن عمل کنیم.
 یعنی کارهای خوبی را که دستور داده انجام بدھیم و کارهای بد را ترک کنیم.
 می‌توانید چند تا کار خوب و کار بد را که در قرآن آمده بگویید.

بله، مسخره کردن، تهمت زدن، و بدقولی جزء کارهای بد است، سلام کردن،
 نیکی به پدر و مادر و خوش قولی جزء کارهای خوب است که همه‌شما بچه‌ها
 انجام می‌دهید^۱.

بچه‌ها حالا این همه کار خوب (یاد گرفتن، یادداختن، خواندن و حفظ کردن
 قرآن) چه پاداشی دارد؟ خانه‌ای را که قبلًا کشیده‌ایم یادتان هست. این خانه
 خالی است. حالا ما در این خانه یک جدول درست می‌کنیم تابیینیم خداوند چه
 پاداشی به این همه کار خوب می‌دهد؟

۳	۲	۱
۶	۵	۴
۹	۸	۷
۱۲	۱۱	۱۰

^۱ مربی می‌تواند در باره هر کدام از کارهای نام برده، توضیح کوتاهی بدهد.

این جدول دوازده خانه دارد که ما با یک مسابقه، حروف را در این خانه‌ها قرار می‌دهیم تا به پاداش آن برسیم. چه کسانی می‌خواهند در مسابقه شرکت کنند؟^۱

۱. سوره‌ای در قرآن به معنای دود؟ درود بر شما، دخان. دخان یا همان

دود یکی از عذاب‌های الهی و نشانه قیامت است.

حروف این کلمه را به ترتیب در خانه‌های (۸، ۲، ۱ و ۷) قرار می‌دهیم.

۲. به گوچترین جزء یک سوره چه می‌گویند؟ آفرین، آیه

حالا حروف این کلمه را به ترتیب در خانه‌های (۴، ۵ و ۶) قرار می‌دهیم.

۳. به پروردگار بزرگ می‌گویند؟.. احسنت بر شما، رب

حروف این کلمه را در خانه‌های (۱۱ و ۳) قرار می‌دهیم.

۴. عدد درهای بعشت؟ آفرین، هشت

حروف این کلمه را در خانه‌های (۱۰، ۹ و ۱۲) قرار می‌دهیم.

بچه‌ها! چه کسی می‌تواند رمز جدول را حدس بزند؟^۲

درود و سلام خدا بر شما.

«خانه‌ای در بعشت» پاداش چه کسانی است؟

^۱ مربی چهار نفر از افراد فعال و کسانی را که در مسابقه قبلی شرکت نکرده‌اند، انتخاب می‌کند و سؤالات را از آن‌ها می‌پرسد، چنانچه کسی نتوانست پاسخ دهد از نفرات بعدی استفاده می‌کند.

^۲ چنانچه دانش‌آموزان نتوانستند پاسخ بدهند، مربی آن‌ها را از طریق کلمه سیگار و دخانیات راهنمایی می‌کند، اما حتیاً ضرر‌های سیگار و زشتی کشیدن آن مطرح شود.

^۳ چنانچه کسی پاسخ داد مربی او را تشویق می‌کند. در غیر این صورت دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کند تا حروف جدول را به صورت عمودی کنار هم قرار دهند و پاسخ را پیدا کنند.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «کسی که قرآن سخن او باشد و مسجد هم خانه اش، خدا برای او خانه ای در بهشت می سازد^۱.»

چه پاداشی از این بالاتر که خداوند خودش برای قاری قرآن خانه ای در بهشت بسازد؟ البته بچه ها قاری قرآنی که به آن عمل کند، نماز اول وقت مخصوصاً نماز جماعت در مسجد را هم ترک نکند.

خدا ان شاء الله ما را از کسانی قرار دهد که قرآن را می خوانیم و به آن عمل می کنیم.

حالا با یک شعر قشنگ برنامه را پایان می دهیم.

نوری که جاودانی است	قرآن کتاب نور است
از جنس آسمانی است	آیات دلنشیزنش
مثل درخت خورشید	هر سوره اش درختی است
پُر گل ز نور توحید	هر آیه شاخه ای سبز
روی محمد آید	با دیدنیش به یادم
بوی محمد آید ^۲	چون گل زبرگ برگش

^۱ تلافی، علی اکبر، *فضائل القرآن* به نقل از امالی صدق، ص ۴۰۵.

^۲ احد ده بزرگی، عطر بسم الله.

نام درس:

سیمای پیامبر در قرآن

نمودار:

قرآن

هدف گلای:

دانش آموزان در این درس با چهره پیامبر اعظم(ص) در قرآن آشنا می شوند.

اهداف چرخی:

دانش آموزان با آیاتی که در باره حضرت رسول و شأن و مقام و عظمت اوست و نیز تبیین سیره رفتاری پیامبر با توجه به این که قرآن پیامبر را الگو معرفی کرده است آشنا می شوند.

هدف رفتاری:

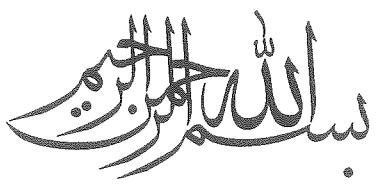
انتظار می رود دانش آموزان آشنایی بیشتری نسبت به مقام حضرت رسول(ص) پیدا کنند و پیامبر را الگوی خود قرار دهند.

روش های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (داستان، جدول و...)

رسانه های آموزشی:

تخته سیاه



سیمای پیامبر در قرآن

به نام خداوند پاک جهان خداوند بخشندۀ مهریان

بچه‌های خوب تابستان، سلام! غنچه‌های باغ این بستان، سلام!

امیدوارم که در پناه خداوند بزرگ و در سایه امام زمان(عج) خوب و خوش و خرم باشید.

برنامه را با چند سؤال آغاز می‌کنیم.

نام دهمین حرف از حروف الفبای فارسی؟ بله؟ حرف «د» اگر یک حرف به اول آن اضافه کنیم به معنای بالا آمدن آب دریا می‌شود. آفرین! مدد.

حالا اگر یک حرف دیگر به آن اضافه کنیم نام یکی از سوره‌های قرآن می‌شود.

احسنست بر شما، حمد.

سوره مبارکه حمد تنها سوره‌ای است که باید در نماز خوانده شود و هیچ سوره‌ای نمی‌تواند جای آن را در نماز بگیرد.

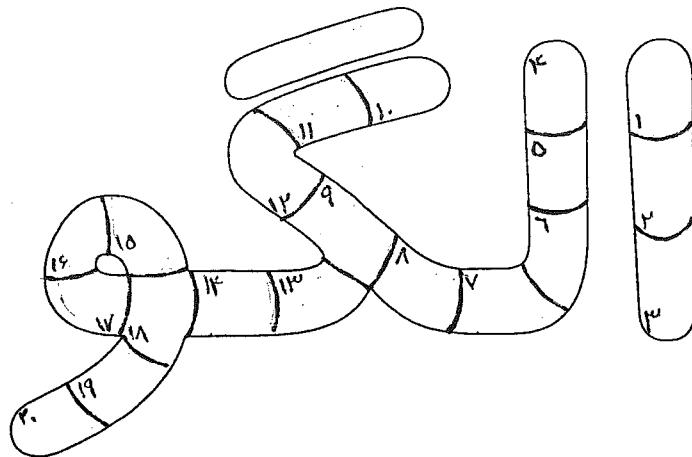
حالا اگر یک حرف دیگر به ابتدای آن اضافه کنیم نام پیامبر عزیزمان به دست می‌آید.

درود بر شما، محمد(ص). صدای صلوات ضعیف بود. خداوند در قرآن فرموده که خدا و فرشته‌ها به پیامبر درود می‌فرستند پس همه مسلمانان باید به پیامبر و خانواده او درود بفرستند و از او اطاعت کنند.

آیا کسی آیه‌اش را بلد است؟ همان آیه‌ای است که همیشه بعد از هر نماز می‌خوانیم و به دنبالش صلوات می‌فرستیم. آفرین آیه شریفه «ان الله و ملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه و سلموا تسليما»^۱ حالا همه با هم یک صلوات بلند بفرستید.

حالا بگویید ببینم نام چند نفر محمد است؟

آیا من دانید محمد یعنی چه؟ احسنت! محمد یعنی کسی که خدا او را ستایش کرده است. چرا؟ چون حضرت محمد(ص) بهترین بنده خدا و پیامبر است. به همین دلیل است که خداوند در قرآن او را به عنوان:



^۱ اگر دانش‌آموزان نتوانستند پاسخ دهند، مریم راهنمایی می‌کند و می‌گویید.

^۲ احزاب / ۵۶.

^۳ اگر برنامه برای کلاس دختران اجرا می‌شود، مریم می‌پرسد نام پدر یا برادر چه کسی محمد است.

معرفی کرده است. یعنی ما باید اعمال و رفتارمان مانند پیامبر باشد، می‌توانیم چند تا از رفتارهای خوب پیامبر را نام ببریم؟ حالا برای این که با چند تا از رفتارهای خوب پیامبر آشنا شویم، حروف این جدول را سه تا می‌شماریم. تا این رفتارها را به دست آوریم.^۱ بچه‌ها! آیا پیامبر فقط به بزرگ‌ترها سلام می‌کرد؟ آفرین به شما دانش‌آموزان دانا، همان طور که گفته‌بود پیامبر هر کس را که می‌دید سلام می‌کرد. برایش فرقی نمی‌کرد که آن فرد بزرگ است یا کوچک. البته بچه‌ها خوب است بدانید که بهتر است همیشه کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها سلام کنند و این نشان دهنده ادب کوچک‌تر است.

یکی دیگر از کارهای خوب پیامبر، راستگویی است. حالا به این قصه گوش کنید!

روزی مسافری به خانه عبدالطلب رفت و گفت: «سلام بر شما ای عبدالطلب!» عبدالطلب جواب او را داد. آن مرد که خیلی ناراحت بود گفت: «در شهر شما کیسه پول مرا دزدیده‌اند و حالا من یک دینار هم پول ندارم.» عبدالطلب خیلی ناراحت شد و گفت: «تو از حالا تا روزی که کیسه پولت پیدا شود، مهمان ما هستی. در اینجا بمان تا پولت پیدا شود!» مرد قدری آرام شد. حضرت محمد که در آن زمان کودک بود، در آن جا بود و حرف‌های آن مرد را شنید. یادش آمد که یکی از هم بازی‌هایش کیسه پولی را که پیدا کرده زیر لباسش پنهان کرده بود. به در خانه آن‌ها رفت و به او گفت: «من دیدم که تو کیسه پول را زیر لباست پنهان کردی. آن کیسه پول را بیاور تا به صاحبیش بدهم!» او گفت:

^۱ مربی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود و ضمن تشویق آن‌ها در مورد آن رفتارها توضیح می‌دهد.

^۲ مربی پس از به دست آوردن کلمات، سلام، راستگو، امین و بخشنده می‌گوید.

«من اصلاً کیسے پولی برنداشتم». حضرت محمد گفت: «اما من دیدم که تو آن را پنهان کردی». او باز هم گفت: «من کیسے پولی ندارم». وقتی که دید حضرت محمد دست از سرش برنمی دارد، به او گفت: «بیا مقداری از این پول‌ها را به تو بدهم و تو هم با ما شریک شو و دیگر چیزی نگو!» اما حضرت محمد قبول نکرد. او را تهدید کردند که کتکش می‌زنند و با او قهر می‌کنند، اما حضرت محمد نترسید و باز هم از آن پسر خواست که پول را پس بدهد. بالاخره عبداللطیب جد حضرت محمد آمد و گفت: «این پسر من هم راستگو است و هم امین است. یا کیسے پول را می‌دهید یا با شما می‌جنگم».

در این هنگام مادر پسر، کیسے پول را آورد و به عبداللطیب داد. او هم کیسے را به مرد مسافر داد. مرد پول‌هایش را شمرد و گفت: «چیزی از آن کم نشده است». یک نفر از بین جمعیت فریاد زد: «سهم محمد را هم بدهید». حضرت محمد با ادب جواب داد: «ما برای انجام دادن وظیفه‌مان از کسی مزدی نمی‌گیریم».

مردم همه او را تشویق کردند و گفتند: «آفرین! او واقعاً راستگو و امین است^۱. بچه‌ها! همان طور که متوجه شدید پیامبر بزرگ ما از کودکی راستگو^۲ و امین بوده و ما هم باید از آن حضرت یاد بگیریم که راستگو و امانتدار باشیم و در امانت خیانت نکنیم. مثلاً اگر کتابی از کتابخانه می‌گیریم آن را سالم تحويل بدھیم.

^۱ محمد شوکت التونی، سرگذشت یتیم جاوید، ترجمه سلاح الدین سلجوقي، انتشارات سروش.

^۲ مربی صیر می‌کند تا بچه‌ها کلمه امین را بگویند.

بچه‌ها! یک صفت دیگر هم در این داستان بود که در جدول ما نبود. بله، دوستان باهوش! پیامبر گرامی اسلام از همان کودکی شجاع بود. او از تهدید همبازی‌هایش نترسید و حق را گفت.

یکی دیگر از صفات خوب پیامبر، بخشنده‌گی بود. به دلیل همین صفت‌های خوبی که پیامبر داشتند، خداوند مقامی بزرگ به پیامبر داد.

می‌دانید آن مقام بزرگ چیست؟^۱

حالا یک شعر برایتان می‌خوانم و بعد جواب سؤال را می‌دهم.

آخرین گلاس

گلاس درس در غار حرا بود

و دانشجوی آن هم مصطفی بود

فرشته یک خبر آورد: برخیز

بخوان اکنون، معلم هم خدا بود

بخوان قرآن به نام او که هر روز

دلت با حرفهایش آشنا بود

فروید آمد محمد از دل کوه

دلش لبریز از عطر خدا بود

گلاس درس او همواره برپاست

کلاسی که شروعش در حرا بود.

مرتضی دانشمند

^۱ مریبی پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود، سپس می‌گردید.

بزرگترین مقامی که خداوند به پیامبر داده این است که او خاتم پیامبران است. یعنی چه؟ یعنی این که بعد از او پیامبر دیگری نخواهد آمد و دین او دین جهانی و همیشگی خواهد بود و پیروان همه پیامبران باید از او اطاعت کنند.

حالا می خواهم یک مسابقه برگزار کنم. یک آیه در قرآن است که هم نام پیامبر را آورده، هم او را رسول خدا و هم خاتم پیامبران معرفی کرده است.

این آیه در سوره مبارکه احزاب بین آیات ۳۰ تا ۴۰ است.^۱

حالا من از این دانش آموز عزیزی که آیه را پیدا کردن می خواهم تا آیه را تلاوت کنند و پایان بخش کلاس ما باشند.

«ماکان محمد ابا احمد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بكل شيء علیما»^۲

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولیکن او رسول خدا و خاتم انبیاء است و خدا همیشه به امور عالم آگاه است.

^۱ مربی در صورت امکان از قبل تعدادی قرآن آماده می کند و بین دانش آموزان توزیع می کند تا همه بتوانند در مسابقه شرکت کنند، چنانچه این امکان وجود نداشت این سؤال می تواند به عنوان تکلیف خانه محسوب شود و کلاس با خواندن آیه «ان الله و ملائكته....» و فرستادن صلووات پایان یابد.

^۲ احزاب / ۴۰.

نام ٹرکس:

آداب تلاوت قرآن

نموداری:

قرآن

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با آداب تلاوت قرآن آشنا می شونند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان با آداب تلاوت قرآن مثل، پاکیزگی، اخلاص، احترام به قرآن، سکوت هنگام شنیدن آیات و ... آشنا می شونند.

هدف رفتاری:

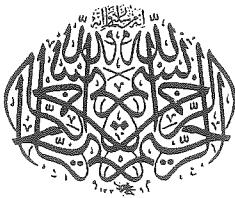
انتظار می رود در پایان این درس دانش آموزان هنگام تلاوت یا شنیدن آیات قرآن مراعات بیشتری کنند و بعضی از آداب را رعایت کنند.

روش های مناسب ٹرکس:

توضیحی، فعال (بازی با کارت، بازی با کلمات، مسابقه، جدول)

رسانه های آموزشی:

کارت، تخته



آداب تلاوت قرآن

ای سلام دوباره ای صدای همیشه

اول و آخرینی ای خدای همیشه

دانشآموزان عزیز و مؤدب بعد از نام خدا نوبت چیه؟

سلام

سلام علیکم. امیدوارم که خوب و خوش و سرحال باشید و مثل همیشه آماده باشید تا در برنامه خودتان شرکت کنید و مطالب تازه یاد بگیرید.

اول چند تا سؤال می‌پرسم.

ما یه حیات؟ آفرین! آب.

حالا اگر کلاه «آ» را برداریم و حرف «د» وسطش بگذاریم می‌شود؟ بارک الله،
ادب.

حالا اگر حرف الف را بعد از دال بگذاریم و کلای آن را هم پس بدھیم
می‌شود: آداب.

ما امروز می‌خواهیم درباره آداب تلاوت قرآن صحبت کنیم. حتماً می‌پرسید
مگر قرآن خواندن هم آداب دارد؟

بچه‌های خوب، بعضی از کارها انجام دادنش لازم نیست، اما اگر انجام بدھیم
بهتر است. مثلاً وقتی می‌خواهیم مشق بنویسیم، دفترمان را خط‌کشی کنیم و

مرتب و تمیز بنویسیم. این کار باعث می‌شود، معلم ما را تشویق کند و هر کس که دفتر ما را می‌بیند، از کار ما خوشش بیاید.

برای قرآن خواندن هم خوب است آدابی را رعایت کنیم. مثلاً وقتی می‌خواهیم

قرآن بخوانیم، پاگیز^۵ باشیم. یعنی چه؟ یعنی مساوک بزنیم. چرا؟ چون پیامبر فرموده است که راه قرآن را با مساوک تمیز کنیم. راه قرآن کجا است؟ دهان ما.

بعد باید چه کار کنیم؟ آفرین و ضو بگیریم. ضو گرفتن برای خواندن قرآن واجب نیست، اما اگر بخواهیم به آیات قرآن دست بزنیم باید وضو بگیریم.

یکی دیگر از آداب تلاوت قرآن تین است. بچه‌ها یعنی چه؟^۶ بچه‌ها اگر حروف این کلمه را بر عکس کنید، چه می‌شود؟ آفرین! نیت. یکی از آداب تلاوت قرآن نیت کردن است. یعنی انسان فقط به خاطر خدا قرآن بخواند، نه به خاطر این که از او تعریف کنند و بگویند چه آدم خوبی است.

حالا بگویید ببینم، وقتی ها در حضور پدر یا مادر یا آدم بزرگی می‌نشینیم، چگونه می‌نشینیم؟^۷ درود بر شما، بسیار با ادب، دو زانو یا چهار زانو.

می‌گویند: عابدی شصت سال عبادت کرد و بیشتر وقت‌ها قرآن می‌خواند، اما وقتی از دنیا رفت خدا اعمالش را قبول نکرد. پرسید چرا؟ جواب شنید: چون نمازهایت را به خاطر خدا نمی‌خواندی، به خاطر مردم می‌خوانندی. پس قرآن خواندنم را چرا قبول نکردید؟ جواب دادند: چون موقع قرآن خواندن پاهایت را دراز می‌کردی.

^۱ مربی صیر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، سپس می‌گوید.

^۲ مربی صیر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، سپس می‌گوید.

ما نه تنها باید مؤدب بنشینیم بلکه قرآن را (که کلام خداوند بزرگ و قانون اساسی ما مسلمان‌ها است) باید در یک جای بلند مثل رحل قرار دهیم، نه روی زمین.

شخصی تعریف می‌کرد که هنگام برگشتن از سفر حج سوار کشتنی بودم. جریان جالبی دیدم. یکی از مسلمانان هر وقت می‌خواست قرآن بخواند، به مردم دستور می‌داد که هیچ کس بالاتر از قرآن قرار نگیرد. هر کس در بالاتر قرار داشت پایین می‌آمد و در محلی که هم سطح یا پایین‌تر از قرآن بود می‌نشست و به تلاوت قرآن گوش می‌داد.

یکی دیگر از آداب تلاوت **قرآن** پشت این کارت است.

پ نظر شما پشت کارت چیست؟

بله، **قبله**، پس ما باید رو به قبله بنشینیم و قرآن بخوانیم. چون قبله مقدس‌ترین مکان روی زمین است و خداوند دستور داده که مسلمانان هنگام نماز خواندن و انجام عبادت‌های دیگر رو به قبله باشند.

حالا یک مسابقه داریم، چه کسانی حاضرند در مسابقه ما شرکت کنند^۱.

سؤال اول:

یکی از کارهایی که ما از شر آن در سوره ناس به خدا پناه می‌بریم؟
درود بر شما، وسواس.^۲

^۱ مربی چهار نفر را انتخاب می‌کند و از هر کدام یک سؤال می‌پرسد. هر کدام از شرکت کنندگان که نتوانست پاسخ صحیح دهد، از دور مسابقه خارج می‌شود و یک نفر دیگر جایگزین او می‌شود.

^۲ مربی کلمه وسواس را روی نخته می‌نویسد و بقیه پاسخ‌ها را هم زیر این کلمه قرار می‌دهد.

سؤال دوم:

یکی از سوره‌های کوچک قرآن که جمع کافر است. بله، درست است کافرون.

سؤال سوم:

جمله‌ای ناقص روی تخته می‌نویسم. انسان نباید..... انسان دیگر را ببرد. حال با کمک حروف پراکنده در این کار جمله را کامل کنید. **ب ر و آ**، درود بر شما، آبرو.

انسان نباید آبروی دیگران را ببرد. اگر ما می‌دانیم که کسی اشتباه کرده باید آن را پیش خودمان مخفی نگه داریم و با گفتن اشتباهی که او انجام داده نباید آبرویش را ببریم. اگر این کار را بکنیم، او از ما ناراحت می‌شود و خدا هم هیچ وقت ما را نمی‌بخشد.

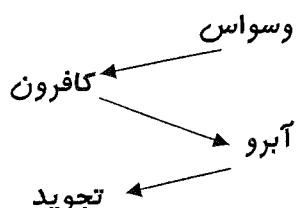
سؤال چهارم:

علمی که با دانستن آن قرآن را زیباتر می‌خوانیم، اما رعایت آن در نماز واجب است.

احسنست بر شما، تجوید.

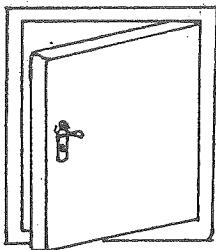
حالا به نظر شما از این چهار کلمه چه کلمه‌ی با معنایی به دست می‌آید که از آداب تلاوت قرآن است.

حالا حروف این کلمه را مطابق فلش به هم وصل کنید.

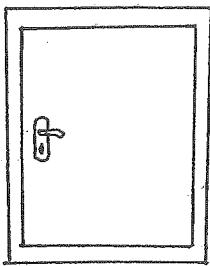


درود بر شما سکوت. یکی از آداب تلاوت قرآن این است که وقتی کسی قرآن می‌خواند، ما ساکت باشیم و گوش کنیم، مورد رحمت خداوند قرار بگیریم. امام چهارم ما امام زین‌العابدین می‌فرماید: «کسی که حرفی از کتاب خدا را بشنود بدون این که خودش قرائت کند، خداوند برایش حسن‌های می‌نویسد و یکی از گناهان او را پاک می‌کند و مقام او را یک درجه بالا می‌برد.^۱

یکی دیگر از آداب تلاوت قرآن



و یکی دیگر از آداب تلاوت قرآن



بچه‌ها به نظر شما این شکل‌ها چیست؟

در اول را باید بیندیم. چرا؟ چون در گناه است و در دوم را باید باز کنیم. چرا؟ چون در اطاعت است. حالا در اول را با چی بیندیم؟ با چیزی که شیطان را دور می‌کند و همه قاریان موقع تلاوت قرآن آن را می‌خوانند. آفرین بر شما «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

^۱ اصول کافی، ج ۲، باب ثواب فرآءه القرآن.

بچه‌ها چه کسی معنای این کلمه را می‌داند؟ یعنی: «از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می‌برم.»

شیطان از کجا رانده شد؟ از نزد خداوند متعال. **چرا؟** چون فرمان خدا را اطاعت نکرد و به حضرت آدم سجده نکرد.

در دوم را باید باز کنیم. با چی؟ بله با بسم الله الرحمن الرحيم. که به فرموده امام صادق ع، بزرگ‌ترین آیه قرآن است. بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر از وسط قرآن خواستند تلاوت کنند، نباید «بسم الله» بگویند، در صورتی که گفتن بسم الله برای شروع هر کاری خوب است. فقط در شروع یک سوره نباید بسم الله گفت. کدام سوره؟ درود بر شما دانش‌آموزان زرنگ و باهوش، سوره مبارکه توبه که بدون بسم الله الرحمن الرحيم نازل شده است. حالاً نوبت به جدول می‌رسد.

۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶
❖	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱

چه کسانی حاضرند در مسابقه شرکت کنند؟ (مربی چهار نفر را انتخاب می‌کند.)
چنانچه کسی نتوانست پاسخ دهد، مربی افراد دیگری را انتخاب می‌کند.
نفر اول: آنچه که از سوختن چوب یا ذغال یا چیزی دیگر به وجود می‌آید و آتش (۵، ۱۰ و ۱۲) دارای روشنی و حرارت است:

قوی (۱۳، ۱۴ و ۴)

نفر دوم: به معنای توانا، نیرومند و زورمند است:

نفر سوم: مایع سرخ رنگی که در تمام رگ‌ها جریان دارد: خون^۱ (۹ و ۷)

نفر چهارم: هنوز نازل نشده، نام گلی است: ناز (۸، ۱۱ و ۱)

نفر پنجم: به معنای سر، مطلب پوشیده و پنهان، آنچه که باید پنهان داشت؟:

راز (۲، ۳ و ۶)

حالا حروف جدول را سه تا سه تا می‌شماریم تا پیام آن را به دست آوریم.

پیام جدول شد: «زینت قرآن آواز خوش^۲ است.»

هر چیزی زیستی دارد. زینت قرآن هم آواز خوش است. یعنی ما باید قرآن را با

صدای خوب و زیبا بخوانیم.

حالا به این شعر زیبا توجه کنید:

قاری قرآن

مثل داداش بزرگ مصطفی

دوست دارم قاری قرآن شوم

مثل او قرآن بخوانم هر کجا

با صدایی خوب و صوتی دلنشین

سینه‌ام را نور باران می‌کند

خوب می‌دانم که آیا خدا

مثل آب خوردن آسان می‌کند

خواندنش هر کار دشوار مرا

تا نترسیم از خیال و فکر بد

همنشینم می‌شود در روز و شب

وقت تنهایی به دادم می‌رسد^۳

غصه‌ها را می‌شکافد از دلم

^۱ دو حرف «خو» در خانه شماره ۹ نوشته می‌شود.

^۲ قال رسول الله (ص): «لكل شئ حلية و حلية القرآن الصوت الحسن، محمدي ری شهری میزان الحكم».

ج ۳، باب القرآن، ح ۱۶۵۰۸.

^۳ محمد رضا میرزا^ی.

حالا با حروف پر اکنده در کارت ع ۱ د را بگویید؟ بله، دعا.

بچه‌ها می‌دانید که خداوند خودش در قرآن از ما خواسته تا دعا کنیم؟
بله! خداوند فرموده است: «ادعوئی استجب لکم^۱» یعنی مرا بخوانید تا
دعاهای شما را مستجاب کنم.

می‌توانید یکی از دعاها قرآنی را که همیشه در قنوت نماز می‌خوانید،
بگویید؟

بله! آفرین بر شما، آیه «ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و فنا
عذاب النار^۲»

چه کسی معنای این آیه را می‌داند؟

یعنی خدایا به ما در دنیا و آخرت پاداش بده و ما را از عذاب آتش نگهدار.

بچه‌ها دوست دارید که پدر و مادرتان از شما راضی باشند؟
آفرین به شما بچه‌های با ایمان.

می‌دانید که اگر پدر و مادرتان از شما راضی باشند، خدا هم از شما راضی خواهد بود؟
حالا برای این که آن‌ها را راضی کنیم و مقداری از زحمت‌های آن‌ها را جبران
کنیم، باید برایشان دعا کنیم. چگونه^۳؟

^۱ غافر / ۶۰.

^۲ بقره / ۱۰۲.

^۳ مریب مدتی صبر می‌کند تا پاسخ دانش‌آموزان را بشنود، چنانچه کسی پاسخ صحیحی داد او را تشویق می‌کند.

^۴ مریب پاسخ دانش‌آموزان را می‌شنود، سپس می‌گوید.

حالا من از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهم این آیه را با صدای زیبایشان برای شما بخوانند.

«ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب^۱»
یعنی چه؟ من از دوست عزیز دیگری خواهش می‌کنم، ترجمه آن را برای ما بخوانند.

یعنی: «پروردگار! مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در روز حساب (قیامت) ببخش.»

ما هم در پایان برنامه دعا می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که ظهور امام زمانمان را هر چه زودتر برساند. پس همه با هم دعای «اللهم کن لولیک» را می‌خوانیم.

^۱ ابراهیم / ۴۱

نام درس:

شهر قشنگ

مهم‌ترین:

قرآن

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با شگفتی‌های حیوانات آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱. آشنایی با بعضی از حیوانات در قرآن؛

۲. آشنایی با شگفتی‌های بعضی از حیوانات.

هدف رفتاری:

انتظار می‌رود در پایان درس، دانش آموزان بتوانند نام بعضی از حیوانات که در قرآن آمده بیان کنند و بتوانند شگفتی‌های زندگی بعضی از حیوانات را تعریف کنند و مواردی که نشانه لطف و مهربانی خداوند به موجودات است را ذکر کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (شعر، جدول، مسابقه، کارت، داستان).

رسانه‌های آموزشی:

تخته سیاه و کارت.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

شهر قشنگ

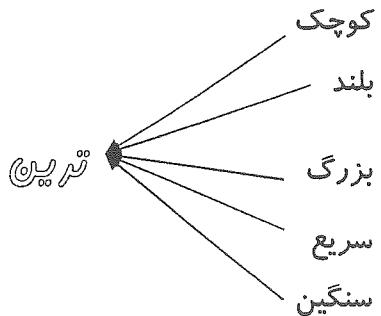
به نام خدا، خدای مهریان خدای خوب و آشنا

بسلام به شما بچه‌های خوب، چه کسی می‌تواند حدس بزنند که بر روی تخته
چه می‌نویسم؟

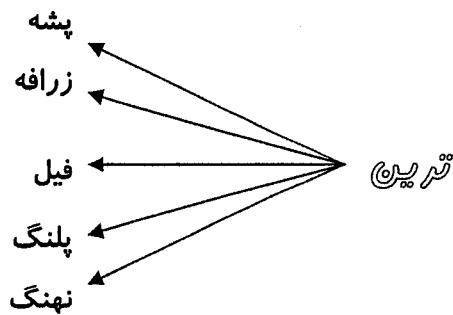
خُب این که چند تا نقطه بیشتر نیست. اگر کمی صبر کنید معلوم می‌شود که
چیست؟ بله، اگر این خطها را هم به آن اضافه کنیم کلمه

«تُرپِن» درست می‌شود.

حالا زود و تند سریع بگوید که



حیوان چه نام دارد؟



حالا که جواب این سؤال‌ها را دادید، یه این شعر دقت کنید و بگویید که کیستم؟
شش پا و دو شاخک دارم.

صحراء میرم دون می آرم
اینجا میرم اونجا میرم
پایین میام بالا میرم
نهایی سخته کار من

سنگینه خیلی بار من
جمع می شویم با... [مورچه‌ها]
صف می کشیم تو با غچه‌ها

دنبال هم مثل قطار
با هم می ریم دنبال کار
کار می کنیم کار می کنیم
گندمو انبار می کنیم

تا وقتی که از آسمان

پایین میاد برف و باران

تو لونه بی دون نباشیم

^۱ زار و پریشون نباشیم

آفرین به همه شما که درست حدس زدید. این شعر در باره حیوان بی آزار و پرتلاش مورچه است.

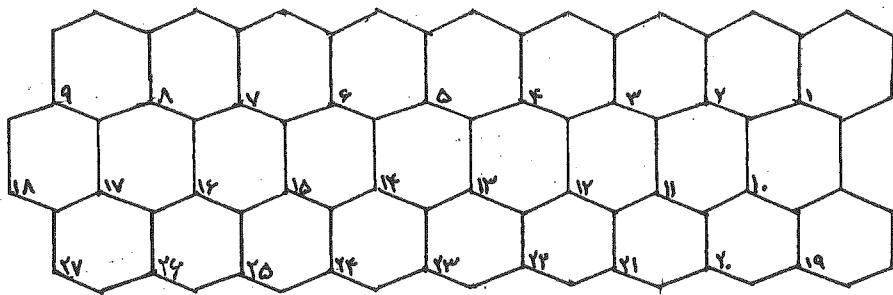
نام یک حیوان دیگر را روی تخته می نویسم؛ نحل. این به زبان عربی است. آیا

می توانید بگویید که در فارسی به آن چه می گویند؟

بلی «نحل»، نام سوره‌ای در قرآن است به معنای زنبور عسل

لانه زنبور عسل چه نام دارد؟ کندو

حالا همه آماده باشید که می خواهیم داخل کندوی عسل برویم باید خیلی مواضع باشید. البته نه کندوی واقعی، بلکه داخل این جدول که به شکل کندو است می شویم و با پاسخ به سؤال‌ها از شیرینی آن استفاده می کنیم.



^۱ آغاز شعر این چنین است: مورم و دانه می برم دانه به لانه می برم و در جای خالی هم کلمه مورچه‌ها باید جواب داده شود.

۱. پاستوریزه آن را تو می‌خوری، اما وحشی آن تو را می‌خورد:

شیر (۶، ۸ و ۱۲)

۲. جانور خزندگای که زهر کشنده دارد:

مار (۱۳، ۱۴ و ۴)

۳. حیوان باهوشی که برای سواری و بارکشی به کار می‌رود:

اسب (۵ و ۲۳)

۴. هنوز درنده نشده است:

پیامبری که یک جفت از همه حیوانات را سوار کشتی کرد:

نوح (۱ و ۲، ۳)

۵. با این که آبکی است، ولی محل مناسب برای زندگی بیشترین

دریا (۷، ۲۶ و ۲۴)

۶. مایعی درون زمین که از تبدیل باقیمانده حیوانات در زمان‌های

قدیم درست شده است:

نفت (۱۶ و ۲۵)

۷. من و تو نیستیم:

او (۱۱ و ۱۸)

۸. همان آواز است:

آوا (۱۵ و ۲۲)

۹. اولین حرف الفبا:

(۲۰)

اولین حرف جدول را بنویسید و ۷ تا ۷ تا بشمارید.

۱۰. آفرین پام این کندو عبارت است از: «حیوانات سود فراوانی برای شما دارند».

این جمله ترجمه این آیه شریفه است: «ولکم فیها منافع کثیرة»^۱

^۱ در خانه ۲۱ «ند» نوشته شود.

^۲ مؤمنون / ۲۱

خداآوند، جانوران گوناگونی را آفریده که بعضی از انواع آن بر روی زمین و تعداد بی‌شماری در دریاهای زندگی می‌کنند و هر کدام از آن‌ها ویژگی خاصی دارند.

اگر به اطراف خود نگاه کنید، می‌توانید مقدار زیادی از آن‌ها را بر روی زمین، زیر زمین، در آسمان و یا داخل رودخانه‌ها و دریاهای پیدا کنید.
در قرآن نام بعضی از آن‌ها آمده است که در مسابقه‌ای دونفر از شما، اسمی آن‌ها را دو به دو به هم متصل می‌کنند^۱:

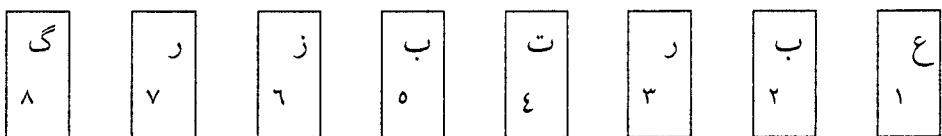
پشه	بقره
شتر	حمار
سگ	بغل
گاو ماده	قرده
مار بزرگ	کلب
الاغ	ابل
قطاطر	ثعبان
میمون	بعوضه

با تشکر از این دو دانش‌آموز که ما را با نام این حیوانات آشنا کردند. حالا از ۸ نفر می‌خواهیم که در قسمت بعدی کمک کنند تا با مطلب دیگری آشنا شویم. بر روی کارت کلمه‌ای نوشته شده که فایده یک حیوان است نام آن حیوان را بگویید.

^۱ مربی توجه داشته باشد، دانش‌آموزان نام بعضی از حیوانات را می‌دانند لذا در بقیه موارد آن‌ها را راهنمایی کند.

لباس	عسل	شیر	گوشت
چادر و غیره	حمل و نقل	کفش	فرش

آفرین پاسخ‌ها همه صحیح بود، اما شما هم باید دقت کنید به پشت کارت‌ها ببینید چه نوشته شده است؟ بچه‌ها به ترتیب شماره‌ای که روی کارت است باستانند.



بلی « عبرت بزرگ »

خداآوند در باره حیوانات می‌فرماید که: «در موجودات برای شما عبرت بزرگی است».^۱

اگر شما ذر آفرینش موجودات اطراف، دقت کنید، شاهد شگفتی‌های زیادی خواهید بود برای همین می‌خواهم دست به کار شوید و هر کدام درباره یکی از حیوانات جستجو کنید و آنچه را که دیده و یا شنیده و یا مطلبی در باره آن خوانده‌اید به صورت روزنامه دیواری و یا به هر صورت دیگر آماده کنید و در دسترس دیگران قرار دهید.

مورچ‌ها چگونه درون زمین لانه می‌سازند؟

پرنده‌ها لانه خود را با چه وسیله‌ای می‌سازند؟

زنبور عسل با چه نقشه‌ای کندو را می‌سازد؟

خفاش در تاریکی شب چگونه راهش را پیدا می‌کند؟

^۱ سوره مؤمنون، آیه ۲۱.

پرنده‌های مهاجر چگونه به محل قبلی خود برمی‌گردند؟
مارها و خزندگانی که دست و پا ندارند چگونه حرکت می‌کنند و غذای خود را به دست می‌آورند؟

بچه‌ها دوست دارید در باره رویاه حیله‌گر برایتان بگویم؟

بدن پر موی رویاه و پوست جالب او، محیط امنی برای کک‌ها است. وقتی این حشرات تعدادشان زیاد می‌شود، رویاه را به سته می‌آورند. رویاه برای راندن آن‌ها حیله‌ای می‌اندیشد که در نوع خود بی‌نظیر است.

تکه‌ای مو یا بوته‌ای مناسب به دهان می‌گیرد و به کنار جوی آبی رفته و به آرامی دم خود را در آب فرو می‌کند. کک‌ها از آب فرار کرده به بالا تنه رویاه می‌آیند. رویاه کم کم خود را در آب فرو می‌برد تا بالاخره تمام کک‌ها روی پوزه‌اش جمع شوند. آنگاه پوزه خود را نیز به آرامی در آب فرو می‌برد. کک‌ها به ناچار به مو یا قطعه نمد می‌چسبند. در این موقع رویاه آن را در مسیر آب رها کرده و سر خود را زیر آب می‌کند و بعد از لحظه‌ای راحت از آب خارج شده به سر کار خود می‌رود.^۱

اما ماجرا شکار این حیوان نیز شنیدنی است.

یکی از علاقمندان به شکار مرغابی می‌نویسد: با یکی از دوستان سحرگاهان برای شکار مرغابی از شهر خارج می‌شدیم. با احتیاط تمام به استخری که مرغابی‌های وحشی در آن مشغول شنا و تغذیه بوده‌اند رسیدیم. قبل از تیراندازی ناگهان رویاهی را در طرف دیگر استخر دیدیم که با احتیاط تمام خود را به جوی

^۱ عباسعلی محمودی، اسراری از زندگی حیوانات. انتشارات اهلیت، قم، ص ۱۳.

آبی که به استخر متنه می‌شود می‌رساند. از تیراندازی صرف نظر کرده به عملیات رویاه نگاه کردیم. این حیوان بوته‌ای از زمین کنده و با دندان به نزدیک استخر آورده در جوی آب انداخت. ابتدا مرغابی‌ها براثر صدا وحشت کرده چند تا به هوا پرواز کردند. بعد که متوجه می‌شوند بوته خاری به سوی آن‌ها می‌آید بدون وحشت بر آب می‌نشینند و به کار خود مشغول می‌گردند. رویاه بوته دیگری را کنده و به همین ترتیب در آب رها می‌کرد، تا مرغابی‌ها کاملاً مطمئن شوند که جز بوته چیزی بر روی آب در حرکت نیست.

مرتبه سوم بوته بزرگتری را به دندان گرفت و با احتیاط داخل آب شد و خود را تا پوزه زیر آب پنهان ساخت و با بوته خار هم استمار کرد و با این حیله تا نزدیک مرغابی‌ها رفت. ناگهان بوته را رها کرده و با دندان یکی از مرغابی‌ها را گاز گرفت. ولی به جای این که پای مرغابی به دهانش برسد، دُم او به چنگ رویاه افتاد و مرغابی وحشت‌زده پرو بال می‌زد.^۱

خوب بچه‌ها، خسته که نشدید، دنیای حیوانات دنیای پر از شگفتی‌هاست که نیاز به مطالعه و جستجوی فراوان دارد. که با مطالعه در آن به مهربانی و لطف خداوند پی می‌بریم.

در پایان توجه شما را به این شعر زیبا جلب می‌کنم
صبح آمده پروانه‌ها

بر روی گل‌ها می‌پرند

بوی خوش لبخند را

با خود به هر جا می‌برند

^۱ همان. ص. ۱۲۹.

گویی قطار مورچه

رد می شود از روی پل

هر مورچه دارد به پشت

یک بقچه بار پُر زِ گُل

شهری است در زیر زمین

با جاده‌ای پر پیج و تنگ

این شهر با کوشش شده

یک شهر آباد و قشنگ

از زیر دریا ماهیان

هستند در حال شنا

آبی و زرد و سرخ و سبز

هستند با هم آشنا

شهر قشنگ ماهیان

دنیای زیر آب‌هاست

دنیای زیر آب‌ها

یک قطره از لطف خداست^۱

^۱ جعفر ابراهیمی، شاهد.



أحكام

نام تدریس:

قطار آمادگی ۱

مهم‌ترین محتویات:

احکام

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با بعضی از مسائل مقدماتی تکلیف آشنا می‌شوند.

اهداف حزیری:

دانشآموزان لازم است در این درس با موارد زیر آشنا شوند:

۱. تکلیف یعنی رشد کردن که یک موهبت الهی به انسان‌هاست؛
۲. هر کاری که انجام می‌شود یکی از ۵ حکم واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح را دارد و همراه تعاریف و مثال‌هایشان؛
۳. تشخیص احکام پنجگانه به دست مرجع تقليید است؛
۴. تأکید خاص بر مسئله احترام به پدر و مادر و راههای این احترام.

هدف وقتی:

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان این درس بتوانند:

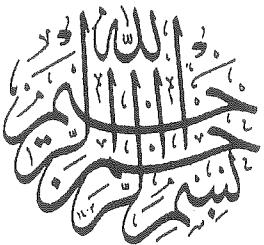
۱. تعاریف احکام پنجگانه تکلیفی را به همراه مثال‌هایشان بیان کنند.
۲. راههای معمول به دست آوردن حکم یک کار را بیان کنند و از همان طریق نظر مرجع تقليید خود را به دست آورند.
۳. احترام به پدر و مادر را با توجه به واجب بودنش جدی بگیرند و در امثال این واجب از راههای بیان شده بکوشند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال (بازی با کلمات، پرسش و پاسخ، جدول، نقاشی)

رسانه‌های آموزشی:

تحته سیاه و کارت



قطار آمادگی ۱

به نام آن که هرچه خوبی از اوست زمین و آسمان و هستی از اوست
از او خواهم مدد زیرا که او هست برای بندگانش بهترین دوست
گل های باغ زندگی، سلام! حالتون که خوب است، ان شاء الله؟... ان شاء الله که
همیشه خوب و خوش و سلامت باشد.

امروز برنامه مان را با چند سؤال شروع می کنیم. سؤال هایی که جواب هایشان
آسان هم هست، شما را به سوی یک رمز راهنمایی می کند. همه آماده شنیدن
سؤال ها هستند!^۱...

- | | |
|--|-------|
| ۱. نام سوره ای که اولش «ل» است؟ | لیل |
| ۲. نام یک کتاب آسمانی که اولش «ت» است؟ | تورات |
| ۳. نام پیامبری که اولش «ی» است؟ | یوسف |
| ۴. نام سوره ای که اولش «ف» است؟ | فیل |
| ۵. نام سوره ای که اولش «ک» است؟ | کوثر |

^۱ مریم محترم در صورتی که بچه ها نتوانستند پاسخ دهند آنها را راهنمایی کند. مثلاً لیل به معنای شب است * تورات نام کتاب آسمانی حضرت موسی صلوات الله علیه و آله و سلم، یوسف نام سوره ای در قرآن هم هست. فیل، نام یک حیوان بزرگ است. کوثر، کوچک ترین سوره قرآن است.

آفرین! خب حالا حروف اول هریک از جواب‌ها را بردارید و با آن‌ها یک کلمه معنادار بسازید.

(ل _ ت _ ی _ ف _ ک) آفرین بر شما تکلیف
خُب حالا چه کسی می‌تواند بگوید که تکلیف چه معنایی دارد؟
مشق‌هایی که معلم برای خانه می‌دهد.
بله درست است. دیگر چه؟

کلمه‌ای که بعضی پدر و مادرها هنگام عصیانی شدن از دست بچه‌ها به کار می‌برند. مثلاً می‌گویند: حالا صبر کن! تکلیفت روشن می‌کنم! به حسابت می‌رسم!
بله اما منظور ما، این هم نیست.

یک معنای دیگری هم دارد که معمولاً در مدارس همراه با جشن است.
بله احسنت؛ «جشن تکلیف»

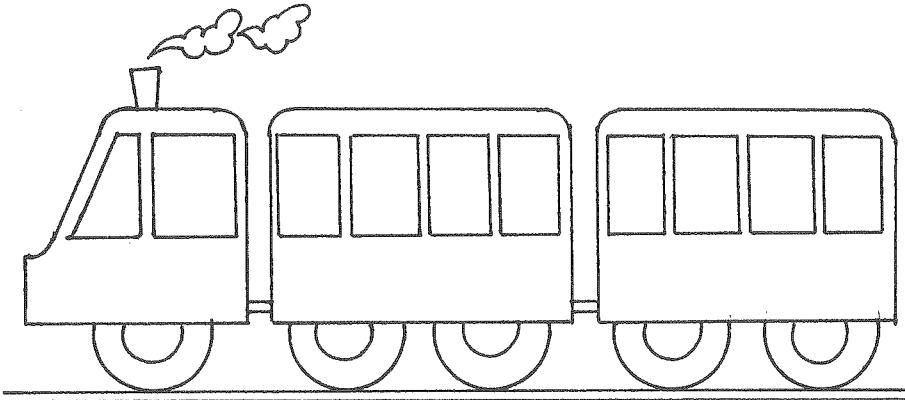
جشن تکلیف یا همان جشن عبادت که برای دختر خانم‌ها در پایان ۹ سالگی و برای آقا پسرها در پایان سن ۱۵ سالگی این جشن باشکوه را می‌گیرند.

دختر خانم‌ها و آقا پسرهایی که به سن تکلیف می‌رسند، در حقیقت دیگر کودک نیستند؛ به رشد رسیده و بزرگ شده‌اند. برای همین هم خداوند، آن‌ها را بیشتر از قبل دوست دارد. میوه تا کمال است، کم ارزش است اما همین که رسیده شد، خیلی ارزش پیدا می‌کند. به همین خاطر، جشن تکلیف، شیرین‌ترین لحظه نورانی است که یک نوجوان به استقبال تکلیف‌های خدایی می‌رود. از همه مهم‌تر، این لیاقت را پیدا می‌کند که خداوند با او مستقیم صحبت کند و او نیز با خدا درد دل کند.

اما قبل از آن، بچه‌هایی که خیلی زرنگ هستند، خودشان را آماده می‌کنند تا شیرینی آن لحظه نورانی را بچشند و یک جشن تکلیف با شکوه و فراموش نشدنی داشته باشند.

خب بچه‌ها! چطور خودمان را آماده کنیم؟ برای رسیدن به جواب این سؤال لازم است که سوار بر قطار آمادگی بشویم. قطار آمادگی، مسافرینش را از ایستگاه‌های مختلفی عبور می‌دهد که هر کدام از این ایستگاه‌ها پیام مهمی را به مسافران می‌دهد تا آمادگی آن‌ها لحظه به لحظه بیشتر شود. البته ما در این برنامه تنها می‌توانیم به دو، سه ایستگاه سر زنیم و پیام‌های مهم آن ایستگاه‌ها را دریافت کنیم. خب همه آماده سوار شدن بر قطار آمادگی هستند؟ (بله) قطار آمادگی را باید خود مسافران آن روشن کنند. استارت این قطار برای حرکت کردن، یک «یا علی» و «یک صلوات» است، با شمارش من همه با هم استارت می‌زنیم. ۱، ۲، ۳

(صدای بچه‌ها) یا علی اللهم صل علی محمد و آل محمد^۱



^۱ اگر بچه‌ها آهسته ذکرها را گفتند، مربی می‌گوید: چون آهسته استارت زدید قطار روشن نشد، یکبار دیگر همه با هم، محکم با شمارش من استارت می‌زنیم. ۱، ۲، ۳ یا علی اللهم صل علی محمد و آل محمد

ایستگاه شماره یک:

در ایستگاه شماره ۱، مسافران محترم وارد خانه‌های یک جدول می‌شوند و لازم است که کلمات و جملات خانه‌های این جدول را با دقت به خاطر بسپارند، تا آمادگی لازم را در این ایستگاه پیدا کنند.^۱

مثال	تعریف	علامت ریاضی	نام حکم
نماز	کاری است که آن را انجام دهیم.	+	واجب
droog گفتن	کاری است که آن را انجام دهیم	-	حرام
قرآن خواندن	کاری است که است آن را انجام	×	مستحب
غذای داغ خوردن	کاری است که است آن را انجام....	÷	مکروه
راه رفتن	کاری است که انجام دادن و ندادنش است	=	مباح

خُب بچه‌ها با این جدول فهمیدیم همه کارهایی که ما انجام می‌دهیم یکی از این ۵ حکم را دارد. یا واجب است یا حرام یا مستحب یا مکروه یا مباح. اما

^۱ مریم محترم در هنگام کشیدن جدول، کلمه‌های (باید، نباید، بهتر است.... بدھیم، بهتر است.... ندھیم، مساوی) را خالی می‌گذارد و بعد از اتمام جدول این کلمات را جایگزین می‌کند. ترجیحاً جهت مشخص‌تر شدن با رنگ‌دیگری این کلمات را بنویسد.

برای این که مشخص شود که چقدر در این ایستگاه آمادگی لازم را پیدا کرده‌اید، می‌رویم سراغ یک مسابقه^۱.

مثال‌های پیشنهادی کارت‌ها

واجب: روزه، جواب سلام دادن، درس خواندن، حجاب، احترام به پدر و مادر.

حرام: فحش دادن، دزدی کردن، بی احترامی به پدر و مادر، مستخره کردن.

مستحب: مسوک زدن، نماز جماعت، صلووات، وضو، سلام کردن.

مکروه: – نگاه به غذای دیگران، فوت کردن به چایی یا غذا، نماز در جای شلوغ، تند خواندن نماز.

مباح: ایستادن، فوتیال، خوابیدن، آب خوردن.^۲

خُب الحمد لله مثل این که در این ایستگاه همه مسافران محترم، به آمادگی لازم رسیدند. خوب است بدانیم که این احکام را یک دانشمند و مجتهد آگاه برای ما

بیان می‌کند. به او می‌گویند **مرجع تقليد** و ما هم از او **تقليد** می‌کنیم؛ یعنی به

حرف‌های او **عمل** می‌کنیم. حرف‌ها و نظرات مرجع تقليد را یا از کسی که

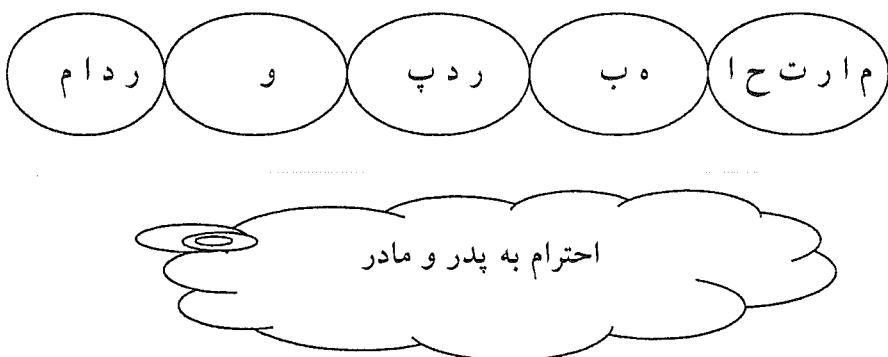
مورد اطمینان و راستگو باشد می‌شنویم؛ مانند روحانیون، یا این که در کتاب آن

^۱ مربی محترم ۵ نفری را که به ۵ سوال اول برنامه پاسخ صحیح داده بودند را آورده و به هر یک از آن‌ها ۴ عدد کارت می‌دهد که بر روی کارت‌ها مثال‌های نوشته شده است از کارهایی که احکام خمسه را دارد. سپس از هر یک می‌خواهد به ترتیب یک کارت را اشان بجهه‌ها بدنه، بخواند و بگویند که کدام یک از احکام خمسه را دارد. به این ترتیب تا پایان مسابقه بجهه‌ها با محرمات و واجبات و احکام جدیدی آشنا می‌شوند. در صورت لزوم، مربی محترم برای بعضی مثال‌ها توضیح مختصری هم ارایه کند. در پایان به ۵ نفر شرکت کننده به حسب امتیازاتشان جوایزی اهدا شود. لازم به ذکر است که دقت شود تا به هر نفر، حکم‌های مختلف داده شود.

^۲ به جهت این که مباح چندان ثمره‌ای ندارد، می‌توان از مثال‌هایش کم کرد و بر مثال‌های دیگر حکم‌ها، اضافه کرد.

مرجع تقليد می‌خوانيم که اسمش هست رساله يا **توضیح المسائل** ؛ چون حکم مسائل مختلف را برای ما توضیح می‌دهد و بیان می‌کند.

آخرین قسمت اين ايستگاه مربوط به يکي از بهترین کارهاست که با انجام دادن آن، خدای مهربان، خيلي خوشحال می‌شود. آن کار در بين مثال‌های کارت‌های مسابقه هم بود.



راستی بچه‌ها! به نظر شما این که می‌گویند به پدر و مادر خود احترام بگذارید، يعني چه کار کنیم؟

آفرین! به حرف آن‌ها گوش کنیم. مثلاً اگر گفتند: «برو نان بگیر!» بگوییم چشم. آن‌ها را اذیت نکنیم. مثلاً لباس‌هایمان را کثیف نکنیم. درس‌هایمان را بخوانیم و قبول بشویم تا آن‌ها خوشحال بشونند. احسنت، بارک الله.

بچه‌ها! یک لحظه سکوت کنید! مثل این که آقا کلام‌گو با یک خبر داغ برای ما، دارد می‌آید:

یک خبر داغ داغ

دوباره توی کوچه فریاد زد یک کلاع

خبر خبر خبردار، یک خبر داغ داغ

محمود آقای شیطون، شاداب گشت و خندید

توی کلاس سوم، نه رد شد و نه تجدید

دوباره او گرفته، هجده و نوزده و بیست

نمرهٔ تک، یکی هم، تو نمره‌های او نیست

مامان و بابا هستند، راضی از آقا محمود

خدای مهربان هم، گردیده شاد و خشنود

خُب بچه‌ها به نظر شما در این شعر، آقا محمود چطوری پدر و مادرش را
خوشحال کرد؟

بله با خوب درس خواندن و قبول شدن در امتحانات.

چقدر خوب است که ما هم با گوش ندادن به حرف پدر مادرها، اذیت کردن
آنها و مخصوصاً بد درس خواندنمان، آنها را خوشحال کنیم. درسته
بچه‌ها؟ (نخیر)

بارک الله، معلومه که حواس‌ها جمع جمعه. یک بار دیگر می‌پرسم: «چطور پدر
و مادرهایمان را خوشحال کنیم؟»

با گوش ندادن به حرف‌هایشان یا گوش دادن؟ (گوش دادن)

با اذیت کردن آنها یا اذیت نکردنشان؟ (اذیت نکردنشان)

با درس نخواندن یا درس خواندنمان؟ (درس خواندنمان)

بله با درس خواندنمان آنها را خوشحال‌تر از همیشه کنیم.

خُب دوستان! به خاطر کمبود وقت، ما باید در همین ایستگاه شماره ۱ بمانیم تا برنامه آینده که به ایستگاه‌های دیگر هم برویم و ببینیم چه در انتظارمان است. دعای سلامتی آقا امام زمان(عج) را که بلد هستید؟ (بله) پس همه با هم، یک صدای خوانیم.

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم كن لوليک الحجه بن الحسن

نام درس:

قطار آمادگی ۲

موضوع:

احکام

هدف گلایه:

دانشآموزان در این درس با چند مسأله مقدماتی، دیگر از مسائل مقدماتی تکلیف آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان لازم است در این درس با موارد زیر آشنا شوند.

۱. لزوم تشکر از محبت‌های دیگران و به تبع آن لزوم تشکر از نعمت‌های الهی؛
۲. اهمیت طهارت و نجاست در نماز و کیفیت طهارت گرفتن قبل از نماز؛
۳. انسان دشمنی دارد که در پی فریب اوست، ولی با به کار بستن پیشنهادات اطلاعیه، قابل دفع است.

هدف رفتاری:

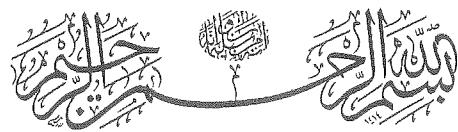
از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان این درس بتوانند:

۱. پاکیزگی مخصوصاً طهارت و نجاست را در هنگام نماز رعایت کنند.
۲. با عمل به پیشنهادات اطلاعیه ایستگاه شماره ۳، خود را از شیطان دور کرده و به خدا نزدیک کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعل (پرسش و پاسخ، شعر، جمله‌سازی، بازی با کلمات، راز بادکنک‌ها، نقاشی)

رسانه‌های آموزشی: تخته سیاه ، کارت



قطار آمادگی ۲

به نام آن که نام دلربایش بود درمان درد بندگانش

به لب ذکر شفابخش تو دارم خدایا هر چه دارم از تو دارم

دوستان خوبم سلام! حال و احوالتان که خوبه ان شاء الله؟ (بله) خسته و کسل و

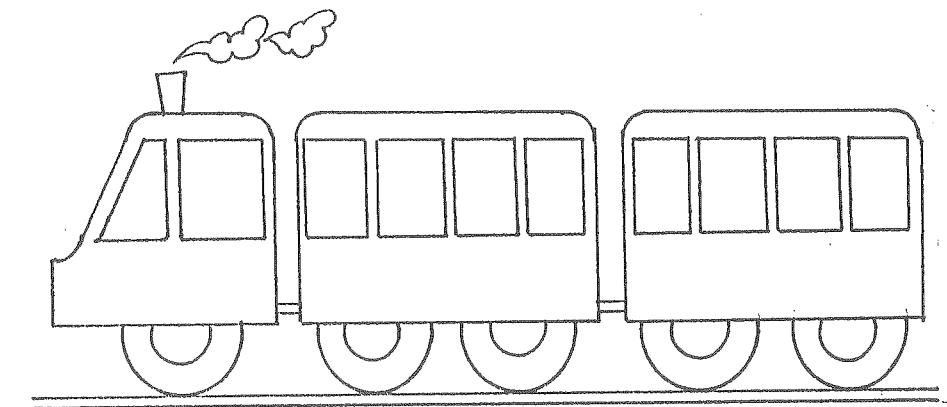
بی حال که هستید ان شاء الله؟! (خیر) بارک الله، معلومه که حواستان جمع جمعه.

جمع است یا هنها؟ (جمع) بله جمع جمع است.

خُب بچه‌ها! زودتر سوار شوید که الان قطار حرکت می‌کند. یادتان که نرفته ما

در برنامه قبل سوار قطار آمادگی شدیم و در ایستگاه شماره ۱ پیاده شدیم. بچه‌ها

مثل این که قطار دارد حرکت می‌کند. همه سوار شدند؟ (بله)

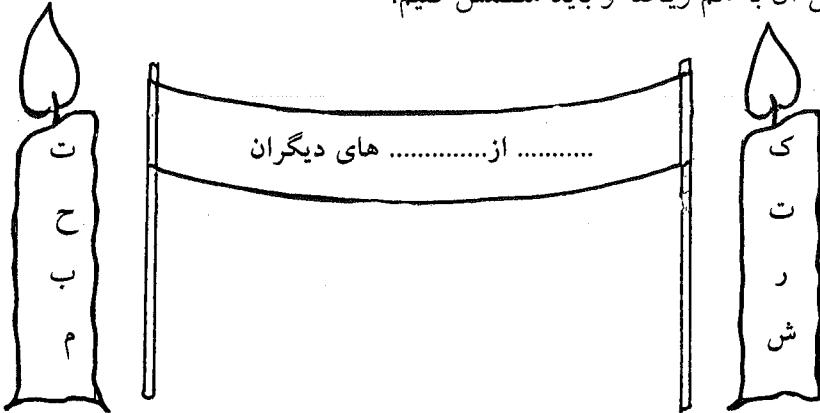


تا به ایستگاه شماره ۲ برسیم، بینیم پیام‌های ایستگاه شماره ۱ چه بود و در آن‌جا چه چیزهایی یاد گرفتیم.^۱

خُب بچه‌ها داریم به ایستگاه شماره ۲ می‌رسیم. برویم بینیم در این ایستگاه چه چیزی در انتظار ماست.

ایستگاه شماره ۲

مثل این که اولین کار ما توجه کامل به پیام این پلاکارد است که البته کلمات اصلی آن به هم ریخته و باید منظمش کنیم.



آفرین! پیام این پلاکارد «تشکر از محبت‌های دیگران» است. فرض کنید که شما خیلی تشننه هستید و به دنبال آب می‌گردید. کسی برای شما یک لیوان آب گوارا می‌آورد. شما هم که تشننه هستید تمام آب لیوان را می‌نوشید. هر انسان قدردان، بلا فاصله پس از نوشیدن آب چه می‌کند؟ بله تشکر می‌کند. چون به او محبتی کرده است.

^۱ مریم محترم مروری مختصر در عرض دو، سه دقیقه با کمک از بچه‌ها بر مطالب ایستگاه شماره ۱ داشته باشد.

بچه‌ها! من یک نفر را می‌شناسم که به همه ما انسان‌ها محبت‌های زیادی کرده و نعمت‌های زیبایی هم به ما داده، عقل داده، هوش داده، چشم داده، گوش داده و دست داده، پا داده، مامان داده، بابا داده. خلاصه این که همه نعمت‌های قشنگی که ما داریم از اوست. او هم کسی نیست غیر از؟ (خدای خوب و مهریان).^۱

ای تو با جان و دل من آشنا
ای خدای بی‌شريك و بی‌قرین
نام زیبای تورا دارم به لب
از برایم آفریدی رایگان

بارالها دوست می‌دارم تو را
در میان دوستانم بهترین
شکر می‌گویم تو را هر روز و شب
هم پدر، هم مادر بس مهریان

این زبان و چشم و گوش و پا و دست
دارم از لطف تو هر نعمت که هست

مهریانا ای خدای خوب من داده‌ای تو، این همه نعمت به من

خُب، بچه‌ها! با توجه به اولین پیام این ایستگاه، چقدر زیباست که ما از محبت‌ها و نعمت‌هایی که خداوند به ما عنایت فرموده چکار کنیم؟ (تشکر) بله، تشکر کنیم.

به صورت‌های مختلفی می‌توانیم از خداوند مهریان تشکر کنیم. مثلاً دعا کنیم، یا قرآن بخوانیم، اما بهترین و زیباترین تشکری که می‌توانیم از خداوند مهریان داشته باشیم چیه؟^۲
بله، آفرین! نماز خواندن.

^۱ مری مختارم بدون مقدمه در اینجا، شعر زیبای خداوند را می‌خواند.

^۲ مری مختارم همزمان با گفتن «چیه» دست‌ها را به حالت تکبیره‌الاحرام به کنار گوش‌ها می‌آورد تا بچه‌ها همه با هم یک صدا بگویند: نماز

نماز ستون دینه، معراج مؤمنینه

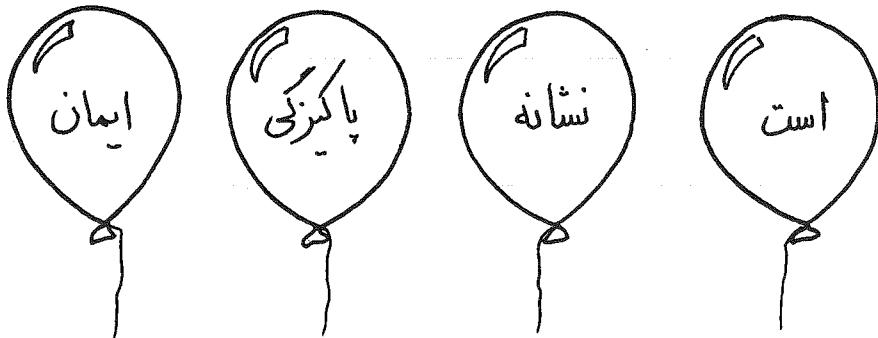
نماز صبحت با خداست، صبحت با او شیرینه

وقتی نماز می‌خونی، مثل گل خوشبوی

با خدای مهربون، از خوبی‌ها می‌گویی

و اما پیام دوم ایستگاه شماره ۲:

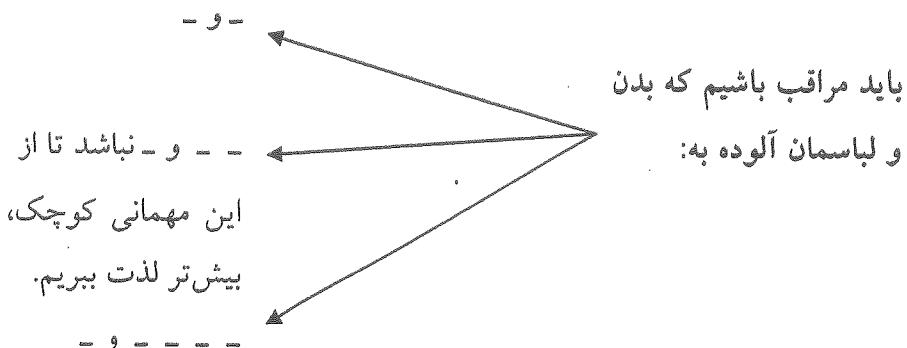
اگر بتوانید کلمات هر بادکنک را در جای مناسب خود، قرار دهید به پیام دوم این ایستگاه خواهید رسید.



..... پیامبر گرامی اسلام(ص):

پیامی از پیامبر گرامی اسلام، هدیه‌ای ارزشمند به مسافران قطار آمادگی:
«پاکیزگی نشانه ایمان است.»

خُب دوستان! اگر شما بخواهید به یک مهمانی مهم بروید آیا هیچ وقت با لباس و بدن کثیف و آلوده به آن مهمانی می‌روید؟ (نه) یادمان نرود که وقتی نماز می‌خوانیم، در حقیقت خداوند به ما اجازه داده به محضرش برویم و در یک مهمانی کوچک با او حرف بزنیم. پس خیلی زشت است که با لباس و بدن آلوده به این مهمانی شیرین برویم.



اگر کسی هنگام بازی کردن به زمین خورد و دستش خون آمد، یا به دستشویی (توالت) رفت و ادرار یا مدفعه کرد. در این صورت چطور باید خودش را پاک کند؟ بله، آب بهترین پاک کننده‌ای است که خداوند آفریده است.^۱

خون: ابتدا لکه‌های خون را می‌شوید و بعد دست خود را زیر شیر آب یک بار آب می‌کشد.

ادرار یا مدفعه: در این صورت باید طهارت بگیرد و محل خارج شدن ادرار و مدفعه را با آب تمیز کند. یعنی ابتدا ادرار و مدفعه را با آب بشوید، سپس اگر شیلنگ آب هست، یک بار محل خارج شدن ادرار و مدفعه را آب بگیرد و اگر آفتابه هست باید سه بار آب بگیرد تا کاملاً پاک شود.

اگر کسی بعد از رفتن به دستشویی، طهارتی را که در این ایستگاه یاد گرفتیم انجام ندهد، هم بدن و هم لباسش نجس می‌شود و باعث مریضی او نیز می‌شود. از همه مهم‌تر این که نمازش هم صحیح نیست.

^۱ مریض محترم، منحصراً از بجهه‌ها این سؤال را پرسید تا سطح فهم آن‌ها را در زمینه مسأله نجاست و طهارت و کیفیت طهارت دریابد.

خُب، این هم از دو پیام مهم ایستگاه شماره ۲. برویم که ایستگاه بعدی در انتظار ماست.

تا به ایستگاه شماره ۳ برسیم، خوب است بدانیم که آب یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند است که به ما عطا فرموده. اگر آب نبود، هیچ موجود زنده‌ای در روی زمین نمی‌توانست زندگی کند. از همه مهم‌تر این که خدای مهریان این آب را پاک قرار داد نه نجس. پیامبر گرامی اسلام همیشه و هر روز خداوند را به خاطر این نعمت ارزشمند شکر می‌کرد و می‌فرمود:

«الحمد لله الذي جعل الماء طهوراً ولم يجعله نجساً»
خدایا تو را شکر می‌کنم که آب را پاک و پاکیزه قرار دادی و آن را نجس قرار ندادی.

ما هم می‌توانیم مانند پیامبر از این نعمت گران‌بها تشکر کنیم!
راستی بچه‌ها! تا حالا فکر کردید که اگر آب هم نجس بود چه اتفاقی
می‌افتد؟ پس بباید قدر آب را بیش تر بدانیم.
مثل این که رسیدیم^۲ به ایستگاه شماره ۳

ایستگاه شماره ۳

^۱ مری مختارم کلمه به کلمه این دعا را می‌خواند و بچه‌ها همه با هم تکرار می‌کنند.
^۲ مری مختارم از قبل هماهنگ می‌کند، یک بزرگ‌تر در این ایستگاه، پاکت نامه‌ای را به او بدهد. داخل پاکت نامه، یک اطلاعیه است. مری مختارم مقداری نقش بازی می‌کند به این ترتیب که در حالی که مقداری از نامه را برای خود مرور می‌کند، به بچه‌ها می‌گوید: بچه‌ها! مثل این که یک اطلاعیه است. پیام ایستگاه شماره ۳ در همین اطلاعیه است. اطلاعیه را به همان آوردن نامه می‌دهد تا با صدای بلند و حالت قطعنامه‌ای آن را بخواند و در هنگام خواندن او، مری مختارم، عنایین پیشنهادی انتهای اطلاعیه را پای تخته می‌نویسد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اطلاعیه

اطلاعیه

قابل توجه کلیه مسافران محترم قطار آمادگی!

ضمن خوشآمدگویی و خیر مقدم به ایستگاه شماره ۳، توجه شما را به این اطلاعیه مهم جلب می‌نماییم! طی خبرهای رسیده از سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی ایستگاه شماره ۳، ابلیس، دشمن قسم خورده انسان‌ها، در تدارک حمله‌ای همه جانبیه به مسافران محترم و عزیز قطار آمادگی می‌باشد. هدف از این حمله، به اسارت در آوردن روح پاک مسافران محترم و دور کردن آن‌ها از خداست. گزارش‌های رسیده، حاکی است که مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده سپاه ابلیس، کمین‌های غافلگیرانه، تله‌های انفجاری و ایجاد مین‌های وسوسه بر سر راه این عزیزان می‌باشد.

ابلیس که هزاران سال پیش بر اثر نافرمانی کردن از دستورات الهی و سجده نکردن بر حضرت آدم^{صلی اللہ علیہ و آله و سلم} از بهشت بیرون انداخته شد، از همان زمان، دشمنی با انسان را شروع کرد و حتی قسم خورده که همه انسان‌های روی زمین را فریب دهد مگر کسانی که به حرف او گوش ندهند و همیشه تابع دستورات الهی باشند. از همان زمان تا به حال، ابلیس با سپاهیانش در کمین انسان‌ها، مخصوصاً نوجوانانی که در حال آمادگی برای ورود به مهمانی الهی و جشن تکلیف می‌باشند، می‌نشیند.

لازم به ذکر است که سرویس‌های علمی - پرورشی ایستگاه شماره ۳ راه‌هایی را برای مقابله با این دشمن قسم خورده، پیشنهاد می‌کند. راه‌هایی که باعث دوری شیطان از شما عزیزان و نزدیک‌تر شدن‌تان به خداوند مهربان می‌شود:

۱. همه کارها را با نام خدا و صلوات بر محمد و آل محمد شروع کنید!
۲. همیشه نماز را اول وقت بخوانید؛ زیرا نماز، بینی شیطان را به خاک می‌مالد و رویش را سیاه می‌کندا
۳. در مقابل نامحرمان، حجاب کامل داشته باشید!
۴. در هنگام فکر گناه، اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگویید!
۵. به پدر و مادرتان احترام بگذارید و آن‌ها را از خود ناراحت نکنید!
۶. از دروغ گفتن و مسخره کردن دیگران و دشنانم دادن خودداری کنید!
۷. اگر مرتکب گناهی شدید، بلا فاصله توبه کنید و از خدا بخواهید شما را بیخشد!

به امید این که همیشه در مقابل سپاه ابلیس پیروز و سریلنگ باشید.
واحد علمی - پژوهشی ایستگاه شماره ۳

این هم از اطلاعیه مهم ایستگاه شماره ۳ که پیام‌های مهمی به مسافران قطار آمادگی داد.

قطار آمادگی ایستگاه‌های دیگری هم دارد؛ اما فعلاً در این برنامه همین سه ایستگاه کافی است.

آخر برنامه با خواندن دعای سلامتی آقا امام زمان(عج) از آن امام مهربان می‌خواهیم که همه ما را برای آمادگی کامل پیدا کردن یاری کند.

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم كن لوليك الحجة بن الحسن ...

نام درس:

بهترین هدیه

موضوع:

احکام

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با اهمیت نماز و بعضی از احکام پیرامون آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با مسجد؛ نماز نشانه دوستی با خداست؛
۲. لباس نمازگزار؛ نماز زیبا و کامل.

هدف رفتاری:

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس موارد زیر را در زندگی بکار گیرند.

۱. هنگام نماز، در مسجد حضور پیدا کرده و با جماعت بخواند؛
۲. سعی بر زیبا خواندن نماز نماید؛
۳. هنگام نماز لباسش تمیز و پاک باشد.

روش‌های مناسب تدریس:

توضیحی، فعال: (شعر، کارت، جدول، داستان)

رسانه آموزشی: تخته و کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بیهترین هدیه

صبح است صبح است، الله اکبر الله اکبر^۱

برخیاز جا، یک بار دیگر، الله اکبر

پیش از تو برخواست، از خواب بلبل، الله اکبر

بیدار گشته، هم غنچه هم گل، الله اکبر

با جیک جیکش، گنجشک زیبا، الله اکبر

پیش از تو گفته، شکر خدا را، الله اکبر

شب را سپیده، بر خاک افکند، الله اکبر

وقت نماز است، برخیز فرزند، الله اکبر^۲

سلام، سلامی به زیبایی تابستان و گرمی حضور شما در کلاس. امیدوارم

حالتان خوب تر از قبل باشد و از تابستان زیبا لذت ببرید.

برنامه را با یک معما شروع می کنم. البته اول باید خوب گوش کنید تا بتوانید

جواب آن را بدھید.

^۱ دانشآموزان بلند الله اکبر را تکرار می کنند.

^۲ نصمه های کودکانه، موسسه آیات هدایت.

کیم چیم در دارم	محراب و منبر دارم
خانه و آشیانم	سنگر مؤمنام
حصیر و قالی دارم	گنبد عالی دارم
پناه بی پناهم	دشمن هر گناهم
صاحب گلستانه ام	دل به خدا بسته ام
پیر و جوان و کودک	هر کی بزرگ و کوچک
به سوی من می آیند	سجاده می گشایند
چه خوب و مهربانند	با هم نماز می خوانند.

آفرین بر همه شما که خوب گوش کردید و خیلی زود هم توانستید جواب را
به دست بیاورید.

بله دوستان! جواب ما مسجد بود. اما چند سؤال از شعر می پرسیم. هر کسی
بتواند جواب بدهد وارد مسابقه خواهد شد.

مسجد دوست چه کسانی است؟

جواب: «پیر و جوان و کودک.»

بله دوستان خوب من! مسجد با همه انسانها چه بزرگ و چه کوچک دوست
است؛

پیر و جوان و کودک هر کی بزرگ و کوچک

سؤال بعدی این است؛ مسجد با چه چیزی دشمن است؟

جواب: «دشمن هر گناه است» پناه بی پناهم دشمن هر گناهم

حالا تند و زود و سریع بگویید در مسجد چکار می‌کنیم؟ بله دوستان نماز می‌خوانیم؛ باهم نماز می‌خوانند.

البته سؤال اصلی من این است آن‌ها که نماز می‌خوانند با همدیگر چگونه‌اند؟ «خوب و مهربانند» چه خوب و مهربانند با هم نماز می‌خوانند

بله دوستان خوب من، آن‌هایی که در مسجد نماز می‌خوانند با یکدیگر خوب و مهربان هستند و همیشه سعی می‌کنند تا اگر کسی مشکلی دارد با همدیگر به او کمک کنند.

از این چهار دوست عزیز دعوت می‌کنیم برای اجرای مسابقه تشریف بیاورند. شما هم این دوستانتان را با یک صلووات تشویق بفرمایید.

من چهار کارت دارم که هر کدام از دوستان یکی را انتخاب می‌کنند. البته نباید آن را به شما نشان دهند. فقط هر سؤالی که می‌پرسم با حرفی که دستشان است باید جواب بدهند.



شهری بگید که با این حروفها شروع شود؟

اسمی بگید که با این حروفها شروع شود؟

سوره‌ای از قرآن که با این حروفها شروع شود؟

یک جمله زیبا که با این حروفها شروع شود؟

آفرین بر همه شما! حالا نوبت مرحله دوم است. اگر این حروفها را کنار هم قرار دهیم یک کلمه زیبا و معنادار درست می‌شود. تا شماره ۱۲ می‌شماریم دوستان شما باید با همدیگر این کار را انجام بدهند. آفرین بر شما! کلمه مورد نظر نماز است.

حالا یک سؤال از شما می‌کنم. به من بگویید نماز چیست؟

صحبت کردن با خدا، عبادت خداوند، راز و نیاز با خدا و

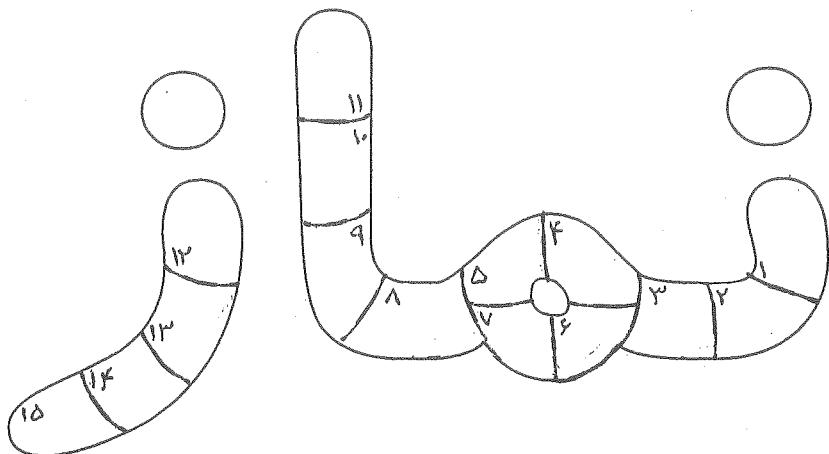
همه این حرف‌هایی که دوستان شما گفتند، کاملاً درست است. حالا به سراغ کارت‌ها می‌رویم ببینیم کارت‌ها به ما چه می‌گویند. از دوستان شما خواهش می‌کنم یکی یکی کارت‌ها را برگردانند، تا ببینیم پشت کارت‌ها چه جمله‌ای نوشته شده است.

است	خدا	با	دوستی
-----	-----	----	-------

بله دوستان خوبم! نماز خواندن من و شما در حقیقت دوستی کردن با خداوند است. ما اگر با کسی دوست باشیم و او را خیلی دوست داشته باشیم، دوست داریم همیشه کنار او باشیم و با همدیگر صحبت کنیم. حالا با هم می‌رویم سراغ یک جدول و با حل آن رمز زیبای آن را کشف می‌کنیم.

سؤال:

۱. می‌گویند سلام نشانه آن است؟ ادب
۲. ماشین انسان است؟ پا
۳. برادر سیب است و دو حرفی؟ به
۴. سه کیلو برابر با.....؟ من
۵. راه بی‌انتها؟ را
۶. بالا سر و پایین پای کشور ما؟ دریا
- ۷.دوازدهمین حرف فارسی؟ ر



برای به دست آوردن رمز جدول کافی است حرف اول را نوشته و سه تا سه تا بشماریم.

«نماز را به یاد من بر پا دار»

روی کارت^۱ آیه‌ای^۲ از قرآن را نوشته‌ام که رمز جدول ترجمه آن است. شما هم بلند بخوانید.

لذکری	الصلوٰه	اقم
-------	---------	-----

بله دوستان من! نماز خواندن ما به یاد خداوند بودن است. حالا که فهمیدیم اگر نماز بخوانیم با خداوند دوستی کرده‌ایم، باید خیلی مراقب باشیم تا یکدفعه این دوستی قطع نشود و با خداوند قهر نکنیم. حالا با هم شعری که می‌دونم شما هم بلدید می‌خوانیم.

^۱ طه/۱۴

^۲ مری چندین بار کارت‌ها را نشان دهد و گامی جا به جا کند تا دانش آموزان ادامه را بگویند.

ای نازنین با ایمان	ای بچه مسلمان
در چشمه‌های قرآن	باید وضو بگیری
مثل گل خوشبوی	وقتی نماز می‌خونی
از خوبی‌ها می‌گویی	با خدای مهربون
اگه نماز بخونی	خدا تو را دوست داره
تكلیف خود بدونی	هر صبح و ظهر و هر شب
در آسمون آبی	مثل خورشید می‌تابی

وقتی نماز می‌خونی

اما دوستان خوب خدا، شما برای دوستان هدیه می‌خرید و دوست دارید هدیه زیبا و خوبی باشد. برای خدا هم که دوست ما است باید هدیه بفرستیم تا آن‌ها را برای ما جمع کند و به عنوان یادگاری پیش خود نگه دارد، تا زمانی آن‌ها را به ما نشان دهد.

اما باید تلاش کنیم این هدیه، خوب، تمیز و سالم باشد. یعنی باید آداب نماز خواندن را یاد بگیریم. یکی از این کارها؟ البته باید جواب چند سؤال را بدھیم تا به آن برسیم.

۱. به معنای واجب، ضروری است؟ لازم
۲. اولین فصل سال؟ بهار
۳. می‌گویند مایه حیات است؟ آب
۴. در قرآن ۱۱۴ تا است؟ سوره

شما از هر کلمه حرف اول را جدا کنید و کنار هم قرار دهید تا کلمه مورد نظر به دست بیاید.

پاسخ ما لباس است. همه ما لباس می‌پوشیم، ولی از هر لباسی برای جایی استفاده می‌کنیم. (مهمنانی، خواب، ورزش و ...)

فکر من گشید برای نماز خواندن چه لباسی باید پی‌پوشیم؟

تمیز باشد

پاک باشد

مال خودمان باشد.

...

همه پاسخ‌های شما درست است. لباس حتماً نباید نو باشد، بلکه تمیز و مرتب و پاک بودن کافی است.

حالا با یک لباس تمیز و پاک می‌خواهیم یک نماز بخوانیم. این بهترین هدیه‌ای است که ما می‌توانیم برای خدا بفرستیم. حالا شعری درباره نماز می‌خوانم. شما با دو کلمه «بخوانیم» و «نخوانیم» بلند جواب بدهید.

آرام نماز بخوانیم تند تند نماز نخوانیم

با حوصله بخوانیم بی حوصله نخوانیم

اول وقت بخوانیم آخر وقت نخوانیم

یک سؤال:

چه کسی می‌داند اولین نماز جماعت بعد از بعثت پیامبر با چند نفر برگزار شد و چه کسانی بودند؟

اگر خوب به داستان گوش کنید می‌توانید جواب دهید.

عنیف کندي گويد: در زمان جاهلیت وقتی که هیچ کس به پیامبر ایمان نداشت و هنوز مسلمان نشده بودند، به قصد خرید لباس برای خانواده‌ام به مکه رفت.

روزی به مغازه عباس بن عبدالمطلب^۱ (نزدیک مسجدالحرام) رفتم و به کعبه نگاه می‌کردم. آفتاب در وسط آسمان بود. ناگهان دیدم مردی رو به کعبه ایستاد، جوانی آمد و در طرف راست مرد ایستاد بعد بانویی آمد و در پشت سر آن‌ها ایستاد. مرد به رکوع رفت، آن دو نیز به رکوع رفتند. مرد سر از رکوع برداشت، آن دو نیز سر برداشتند. مرد به سجده رفت، آن دو نیز به سجده رفتند. به عباس گفت: «این چه کاری است؟»

Abbas گفت: «کار بزرگی است، می‌دانی این مرد کیست؟ او محمد بن عبد الله پسر برادرم است و آن جوان علی فرزند برادرم ابوطالب است و آن بانو خدیجه همسر محمد است.

محمد می‌گوید که پروردگار آسمان‌ها و زمین او را به پیامبری انتخاب نموده و دستور داده است این گونه او را عبادت کنند. به خدا سوگند این دین در روی دین بجز این سه نفر پیرو ندارد.»

و اما چند سؤال:

۱. این نماز جماعت چند نفره بود؟ سه نفره
۲. امام جماعت چه کسی بود؟ پیامبر اسلام
۳. چه کسانی با پیامبر نماز می‌خوانند؟

حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه

آن روز چند نفر مسلمان وجود داشت؟ فقط سه نفر

^۱ عمومی رسول اکرم.

آفرین به شما که خوب داستان را گوش دادید و بسیار سریع جواب‌ها را
دادید.

از خدای خوب و مهربان می‌خواهیم دراین روز و در این سال گرامی، ما را از
نماز خوان‌ها قرار دهد. همچنین به ما کمک کند تا بتوانیم نمازهای خود را خوب
و قشنگ بخوانیم و واقعاً از دوستان همیشگی خداوند باشیم. با خواندن دعای
فرج برنامه را تمام می‌کنیم.

نامه درسی:

خانه‌های نورانی

محتوى:

احکام

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با اهمیت و جایگاه مسجد و آداب مسجد آشنا می‌شوند.

اهداف حوزه‌ی:

در این درس دانش آموزان با موارد زیر آشنا شوند.

۱. اهمیت فوق العاده مسجد در اسلام؛

۲. مسجد، فقط عبادتگاه مسلمانان نیست. در صدر اسلام محل حل و فصل تمام مشکلات جامعه بوده است؛

۳. مساجد خانه‌های نورانی خداوند بر روی زمین هستند؛

۴. ورود، خروج و بودن در مسجد، آداب خاصی دارد که انسان با رعایت آنها به خداوند نزدیکتر می‌گردد.

هدف رفتاری:

از دانش آموزان انتظار می‌رود که در پایان درس:

۱. بتوانند اهمیت جایگاه مسجد در اسلام را با استناد به رفتار پیامبر گرامی اسلام (ص) بیان کنند؛

۲. به رفتن به مساجد علاقمند شوند؛

۳. هنگام ورود، خروج و بودن در مسجد، لاقل برخی از آداب مسجد که در این درس بیان شده را رعایت کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

روش فعال (بازی با کلمات، جدول، پرسش و پاسخ، رازگل‌ها، داستان)

رسانه‌های آموزشی:

تخته سیاه یا وايت برده، استفاده از پوستر از قبل آماده شده (در صورت نبودن تخته)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

خانه‌های نورانی

بچه‌ها سلام! حالتون که خوبه انشاء الله؟ قبراق و سرحال و سلامت که هستید بله؟ ان شاء الله که همیشه گل خنده روی لبتون شکوفا باشه. خب دوستان! هیچ وقت یادمون نمی‌ره که اول هر کار را با نام و یاد؟ ... خدا شروع می‌کنیم. خدای خوب و مهربونی که هر چه خوبی داریم به خاطر اوست.

دلت را با خداوند آشنا کن ز عمق جان خدایت را صدا کن

بکن هر کار را با نامش آغاز خدای مهربان از خود رضا کن

برنامه امروز را با بازی با کلمات شروع می‌کنیم. بازی با کلمات امروز ما با یک سؤال قرآنی شروع می‌شود.

۱. نام یکی از سوره‌های قرآن کریم است که به اسم یکی از روزهای هفته است؟ بله، بارک الله، جمعه، که هم سوره‌ای در قرآن است و هم یکی از روزهای هفته.

حرف اول جمعه را روی تابلو می‌نویسیم.

۲. حالا اگر یک حرف به آخر این «جیم»، اضافه کنیم می‌شود به معنای پدر بزرگ؟ آفرین «جل» که یعنی، پدر بزرگ.

۳. اگر یک حرف دیگر به آخر جد اضافه کنیم اسم یکی از شهرهای عربستان می‌شود که حاجی‌ها قبل از رفتن به مکه به آن شهر می‌روند؟ بله، جده.

۴. حالا خیلی سریع بگویید چه حرفی به اول جده اضافه کنیم تا یکی از واجبات نماز درست شود؟ آفرین، سین که بشود «سجده».

۵. حالا اگر حرف آخر را برداریم و به جای آن یک حرف جدید در اول آن کلمه بگذاریم می‌شود محل عبادت مسلمانان؟ بله آفرین، «مسجد».

مسجد محلی است برای عبادت مسلمانان. به محل عبادت مسیحیان، کلیسا می‌گویند. به محل عبادت یهودیان، معبد و به محل عبادت مسلمانان، مسجد می‌گویند.

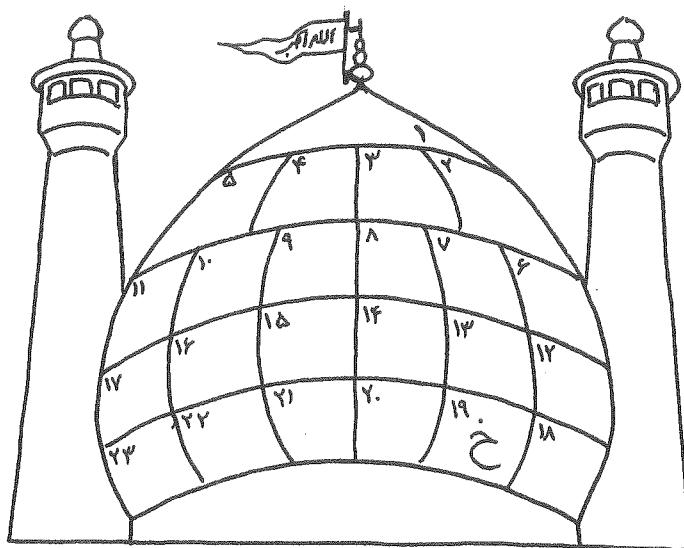
مربی دراینجا بی‌مقدمه شعر مسجد را می‌خواند.

دویدم و دویدم	به مسجدی رسیدم
مسجد با صفائی	قشنگ و دلربایی
مردم با اراده	تمیز و پاک و ساده
جوان و کودک و پیر	چون دانه‌های زنجیر
نشسته در پیش هم	متحد و منظم
عجب جماعتی بود	راستی که خیلی خوب بود
آقای باوقاری	عالیم روزگاری
جلوی مردم ایستاد	خُرم و شاد و آزاد
نماز ما به پا شد	خدا انسیس ما شد

خب حالا کی هی تونه اسم چند تا مسجد رو بپرسی؟

معمولًا بچه‌ها اسم مسجد محل خود و مساجد معروف را می‌برند. اگر مسجد جمکران را ذکر نکردند، مربی محترم آن را به صورت معماً مطرح کند.

معما: نام مسجدی است که به دستور امام زمان (عج) ساخته شده و شب‌های چهارشنبه، مردم از سراسر ایران برای زیارت به آن مسجد می‌روند؟
بارک الله، مسجد مقدس جمکران در کنار شهر مقدس قم می‌باشد.
حالا همه آماده باشند تا با هم وارد یک مسجد بشویم و با پاسخ به چند سؤال،
جدول روی گنبد این مسجد را حل کنیم و بینیم رمز آن چیست؟



۱. پیامبر بت شکن که خانه کعبه را نیز بنا کرد: ابراهیم (۲۳، ۱۲، ۳، ۱۰، ۱۸، ۱۶)
۲. اولین واجب از واجبات نماز: نیت (۱۷، ۱۸ و ۱)
۳. نام یکی از سوره‌های کوچک قرآن که اولش م است: مسد (۱۱، ۲۲، ۶)
۴. لقب امام چهارم به معنی بسیار سجد کننده؟ سجاد (۲۰، ۱۳، ۲۱، ۲)
۵. مسافر رگ‌های بدن انسان که بدون آن انسان می‌میرد: خون (۱۵، ۹ و ۴)

۶. نام گلی دو حرفی اما بسیار زیبا و خوش بو: رُز

۷. نهمین حرف از الفبای فارسی: خ

هنگام رسم جدول، داخل خانه آخر، دو خط مساوی کشیده شودکه بعد از تکمیل جدول برای نشان دادن جهت خواندن حروف، به صورت فلش درمی‌آید. بله، آفرین رمز جدول، قسمتی از یک حدیث است: «مسجد خانه خدا بر روی زمین است».

حدیثی زیبا و شنیدنی از رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص)^۱ که فرمودند: «مسجد خانه خدا بر روی زمین است و همان طور که ستارگان آسمان‌ها برای اهل زمین می‌درخشند، مسجد هم در زمین برای اهل آسمان‌ها می‌درخد و نور می‌دهد^۲. و هرکسی که با وضو و طهارت به مسجد برود، خداوند او را از گناهنش پاک می‌گرداند^۳.

و اما رسیدیم به داستان؛ داستانی که اسمش هست^۴:

روز به یاد ماندنی

آن روز مدینه حال و هوای دیگری داشت. چهره هر کسی را که می‌دیدی، سرشار از شادی و شور بود. از صبح زود مردم بیرون دروازه شهر جمع شده

^۱ مریب طوری کلمه محمد را می‌کشد که بچه‌ها تشویق به صلوات فرستادن شوند.

^۲ بخار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۲۶.

^۳ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۰.

^۴ مریب به صورت دو خط اسم داستان را پای تخته می‌نویسد و بعد شروع می‌کند به خواندن قصه.

بودند. نگاه‌ها به راهی بودکه از محله قبا به مدینه می‌رسید، تا بینند مهمان عزیزان کی از راه می‌رسد. زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، همه و همه چشم به راه آن پیامبر مهربان بودند. بله بالآخره بعد از روزها انتظار، روزموعود فرا رسیده بود و رسول گرامی اسلام که پس از گذراندن آن سفر بسیار سخت، چند روزی در محله قبا منتظر رسیدن حضرت علی^{الصلی اللہ علیہ وسلم} مانده بود، اینک به شهر مدینه قدم می‌گذاشت. در میان جمعیت مشتاق، بچه‌ها هم دیده می‌شدند. سهل و سهیل هم که تازه پدرشان را از دست داده بودند، در میان جمیعت منتظر بودند. ناگهان فریادی بلند شد: «آمدند. پیامبر خدا با یارانشان آمدند.» با شنیدن این جمله، ولوله‌ای در میان جمیعت بر پاشد و همه به سمت کاروان پیامبر دویدند. پیامبر مهربان با چهره‌ای نورانی و در حالی که لبخندی شیرین بر لب داشت، در میان موج جمیعت وارد مدینه شد. به همه سلام می‌کرد، حتی به بچه‌ها. سهل و سهیل هم مانند دیگر بچه‌ها به دنبال شتر پیامبر می‌دویدند و با دیدن چهره مهربان پیامبر، دیگر احساس یتیمی نمی‌کردند. عجب روز زیبا و عزیزی بود.

پیامبر گرامی اسلام، اوّلین کاری که در مدینه انجام داد، دستور ساخت یک مسجد برای عبادت مسلمانان بود. زمینی را در مرکز شهر انتخاب فرمود. زمین مورد نظر همان زمینی بود که پدر سهل و سهیل برای آنها به یادگار گذاشته بود. همان دو نوجوان یتیمی که پیامبر را بسیار دوست داشتند و از زمانی که ایشان را دیده بودند، دیگر احساس یتیمی نمی‌کردند. پیامبر فرمود تا دو نوجوان یتیم را حاضر کنند. وقتی خبر به سهل و سهیل رسید، از خوشحالی کم مانده بود که بال در بیاورند. بلافضله خود را به محض پیامبر رساندند و سلام کردند. رسول خدا

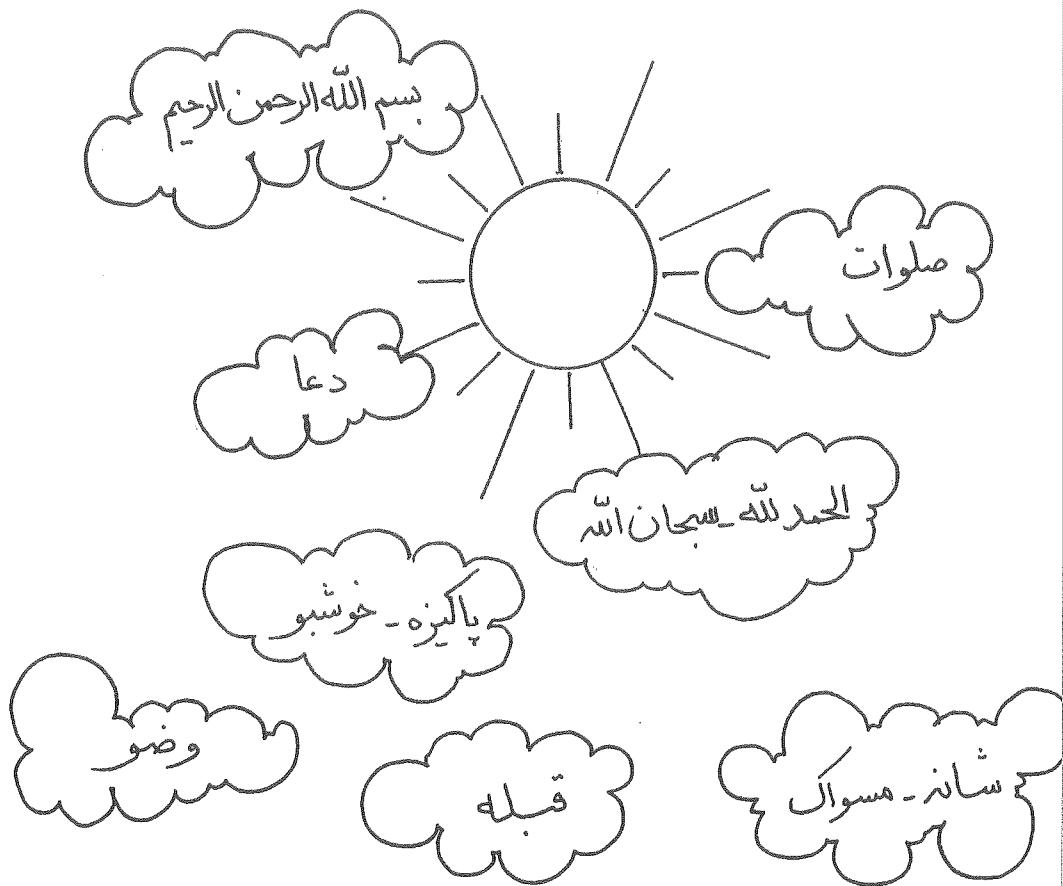
با مهربانی جواب سلام این دو نوجوان با ادب را داد و آنها را بوسید. هنگامی که فهمید پدرشان از دنیا رفته است، بیشتر به آنها محبت کرد و برای پدرشان نیز دعا کرد. پیامبر گرامی اسلام، تصمیم خود را در مورد ساختن مسجد برایشان بیان کرد و از آنها اجازه خرید زمین را گرفت. سهل و سهیل نگاه معناداری به یکدیگر کردند، بله آنها تصمیم گرفته بودند زمین خود را برای ساخت مسجد به پیامبر هدیه کنند. اما پیامبر نپذیرفت و برای بهبودی وضع زندگی آنها زمین را به ده دینار خرید.

به این ترتیب زمین مسجد مهیا شد و مسلمانان به همراه پیامبر برای ساخت اوّلین مسجد مدینه، دست به دست هم دادند و با وجود سختی‌های بسیار، مسجدی زیبا که سقفش از شاخه‌های درختان خرما پوشیده شده بود، بنا کردند. مسجدی که پیامبر گرامی اسلام در مدینه بنا کرد، تنها برای عبادت نبود، بلکه مرکز تمام فعالیت‌های اسلام بود. هم مدرسه بود، هم پایگاه اعزام مسلمانان به جبهه‌های نبرد، هم محل قضاوت بین مردم و هم مرکز مشاوره برای حل مشکلات مردم بود.

راستی چقدر باید مسجد اهمیت داشته باشد که اوّلین کاری که پیامبر گرامی اسلام در مدینه انجام داد، ساختن مسجد بود.

و اما آخرین قسمت برنامه امروز ما، پر کردن جاهای خالی در گلبرگ‌های این گل زیباست!^۱

^۱ در جاهای خالی گلبرگ‌ها کلمات مناسب داخل ابرها را بنویسد تا مشخص شود هنگام مسجد رفتن چه کارهایی را خوب است انجام دهیم.





* در مسجد لغش و نکنیم. و حمایت نماز خواندن دیگران نشویم.

* خادم زحمتکش مسجد را ذایت نکنیم و به او در تمیز کردن مسجد مگه کنیم.

* یکی از کارهایی که در مسجد خوب است انجام دهیم، دعا کردن است. ما هم در پایان برنامه همه با هم دعای سلامتی آقا امام زمان(عج) را زمزمه می‌کنیم.

فعالیت‌های

پروردشی

کارگاه خلاقیت و ابتکار

با سلام حضور مربیان گرانقدر

یکی از وظایف سنگین و دشوار مربیان جذب مخاطبان و علاقه‌مند کردن آن‌ها به کلاس‌های معارف دینی می‌باشد. اما از چه راهی باید اقدام کرد که زمینه پرورش ذوق و خلاقیت آن‌ها نیز پرورش یابد و احساس خستگی نکنند، و قسمتی از وقت آنان نیز به این امر اختصاص یابد.

یکی از راه‌های بسیار جذاب که مربیان عزیز باید جدی روی آن وقت بگذارند کلاس‌های «کاردستی» یا همان «کارگاه خلاقیت و ابتکار» است.

طرح‌های این مجموعه فقط یک پیشنهاد است و دانش‌آموزان باید آزاد باشند تا طرح‌های ابتکاری و خلاق خود را با هر وسیله ممکن ابداع نمایند، مهم جذب و تقویت روح خلاقیت آنان است که باید با تشویق و ترغیب همراه شود.

تقدم و تأخیر طرح‌ها اشکالی ندارد. بستگی به ذوق و سلیقه و نیاز مربی دارد. این مجموعه متشکل از شش طرح با عنوان کارگاه خلاقیت و ابتکار، ویژه مقطع ابتدایی می‌باشد. برخی طرح‌ها از منابع مختلف جمع‌آوری و با تغییراتی آورده شده است که آدرس آن در پاورپوینت آمده است.

برای تنوع در کار، هر هفته یک روز را به ساخت و طراحی یک کاردستی، اختصاص دهید. کارها مجموعاً به گونه‌ای انتخاب شده‌اند تا به آسانی ساخته شوند.

بهتر است قبل از شروع کار خود نمونه‌سازی نمایید. و سایل کار را از قبل آماده کنید، همچنین در طول کار رعایت نکات ایمنی به خصوص هنگام کار با اشیاء تیز و برنده ضروری است.

هر طرح از نظر محتوایی به گونه‌ای تنظیم گردیده تا هر کدام دارای بار آموزشی فرهنگی مجزا باشد. شما می‌توانید پس از تکمیل هر کار، توضیح لازم را بدھید. برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با پیامبر اکرم(ص) برخی کارها در رابطه با زندگی حضرت محمد(ص) می‌باشد. تشویق افرادی که خوب کار می‌کنند، به هر شکل ممکن ضروری به نظر می‌رسد.

در پایان دوره از کارهای دانش‌آموزان نمایشگاهی ترتیب داده شود. در طول دوره به دانش‌آموزان یادآوری گردد حتماً نمایشگاهی از آثار آنان برپا می‌گردد و کارهای دانش‌آموزان در معرض دید عموم به خصوص اولیای آنان قرار خواهد گرفت. در کنار هر اثر، مشخصات کامل دانش‌آموز آورده شود. در صورت فراهم بودن امکانات به تدریج آثار بازسازی یا زیباسازی شوند، یعنی در داخل کادر مخصوص و... قرار گیرند. سپس در جای مناسب چیده شوند. در هنگام برپایی نمایشگاه تلاش شود با هم‌آهنگی قبلی و در صورت امکان به تمامی آثار هدایایی به رسم یادبود تقدیم گردد.

بدیهی است که افراد برگزیده از هدایای مناسب‌تری بهره‌مند می‌گردند. شما می‌توانید برخی از این عناوین، به خصوص مواردی که در رابطه با زندگی پیامبر اکرم(ص) می‌باشد را به عنوان مسابقه عمومی در سطح منطقه تبلیغ خود برقرار نمایید.

پیشنهاد می‌گردد در صورت تمایل از تمامی آثار موجود عکس تهیه شود و از نمایشگاه فیلم‌برداری گردد و نمونه‌هایی از آثار برگزیده را به همراه نام و نام خانوادگی خود و محل تبلیغ، نام صاحب اثر، همراه با سن و نشانی آنان را به مرکز تربیت مردمی تحويل دهند. تا نمایشگاه نهایی آثار و تصاویر به وسیله این مرکز هر پا گردد و از افراد برگزیده تقدیر به عمل آید. ان شاء الله

رعايت نکات ايمني

برای کار کردن با برخی وسایل مثل: قیچی، تیغ برش و کاتر یا تیغ موکت بری رعایت نکات ایمنی ضروری می باشد.

اگر تیغ مخصوص برش در دست ندارید می توانید با احتیاط کامل از تیغ اصلاح با روش زیر استفاده کنید.

ابتدا تیغ را با کمال دقیق در امتداد طول دو قسمت کنید و با چسباندن یک پوشش محافظ مثل مقوا یا چوب بستنی، هر نیمه تیغ را به یک تیغ برش تبدیل کنید.

شکل سازی با تصاویر

اهداف کلی: دانش‌آموزان ضمن ساخت کاردستی با برخی از مظاهرات مثل: آفتاب، زمین، آب باران، چاه... و با چگونگی پاک شدن اشیاء منتجس (نجس شده) آشنا می‌شوند.

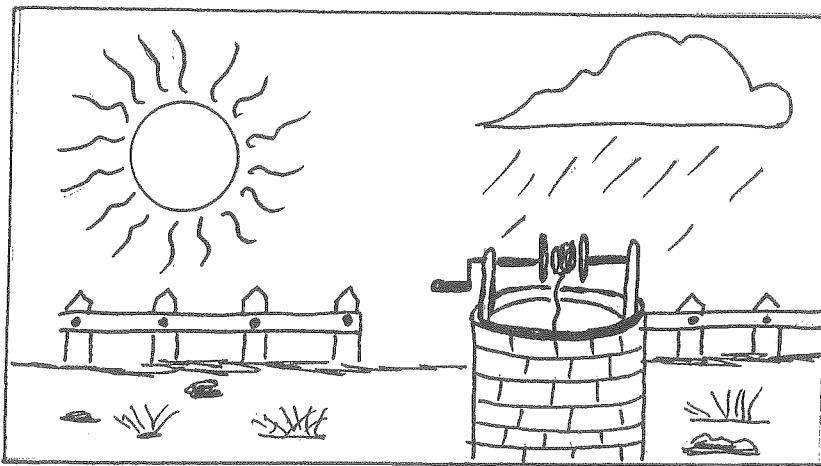
وسایل مورد نیاز:

روزنامه و تصاویر مناسب، چسب، قیچی، مقوا، کاغذ رنگی^۱.

روش ساخت:

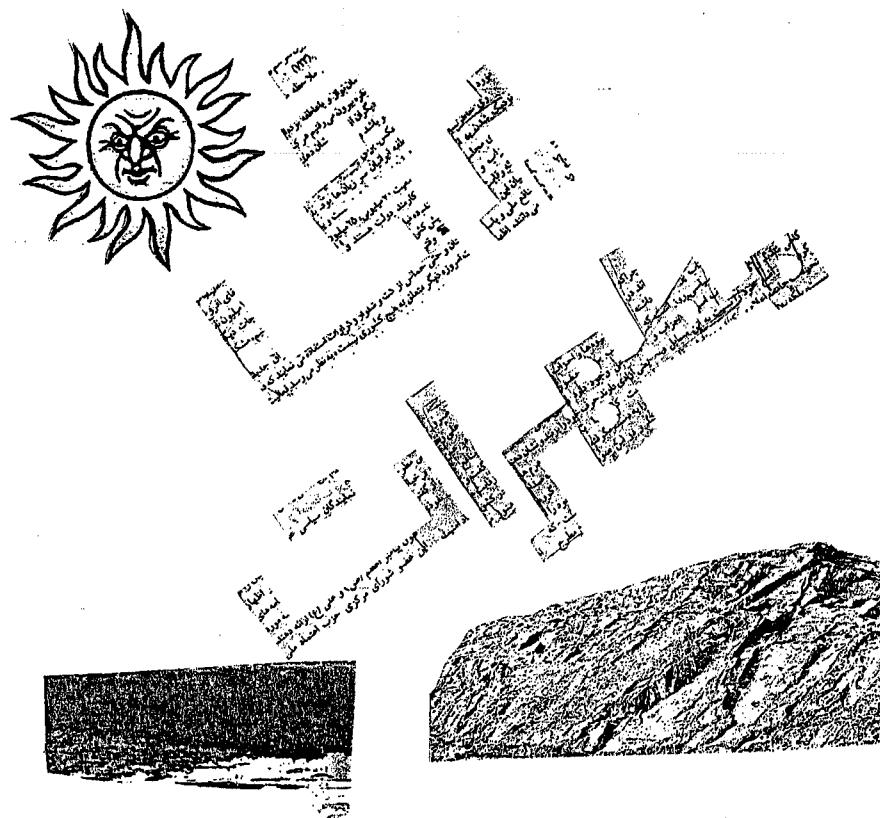
ابتدا دور تصاویر را با قیچی ببرید، تا با ترکیب چند قطعه از روزنامه و تصاویر به موضوع مورد نظر برسید. به عنوان مثال اگر خورشید ندارید می‌توانید با کمک کاغذ رنگی خورشید درست کنید.

پس از این که تمام تصاویر را آماده نمودید آن‌ها را با سلیقه خود کنار هم روی مقوا بچینید اگر از آن طرح راضی بودید آن را بچسبانید.



^۱ نیزه تقوی، شکل سازی با روزنامه و مجله، کانون پرورش فکری، چاپ ۱۳۶۵.

مربی در پایان برخی از احکام مطهرات را متناسب با نیاز دانش آموزان از رساله های عملیه پاسخ می دهد. به عنوان مثال: چگونه خورشید پاک کننده است؟ با تابش خورشید بر زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برد شده، با شش شرط پاک می کند^۱.



^۱ امام خمینی(ره) توضیح المسائل، مطهرات، آفتاب، مسأله ۱۹۱.

کار با چسب

اهداف گلی: دانش‌آموزان در این کارگاه ضمن ساخت کاردستی با یکی از مباحث عقاید - وجود نعمت‌های الهی - آشنا می‌شوند.

وسایل مورد نیاز

مقوا، چسب مایع، آب رنگ یا مداد رنگی، خردہ کاموا، خردہ کاغذ رنگی.

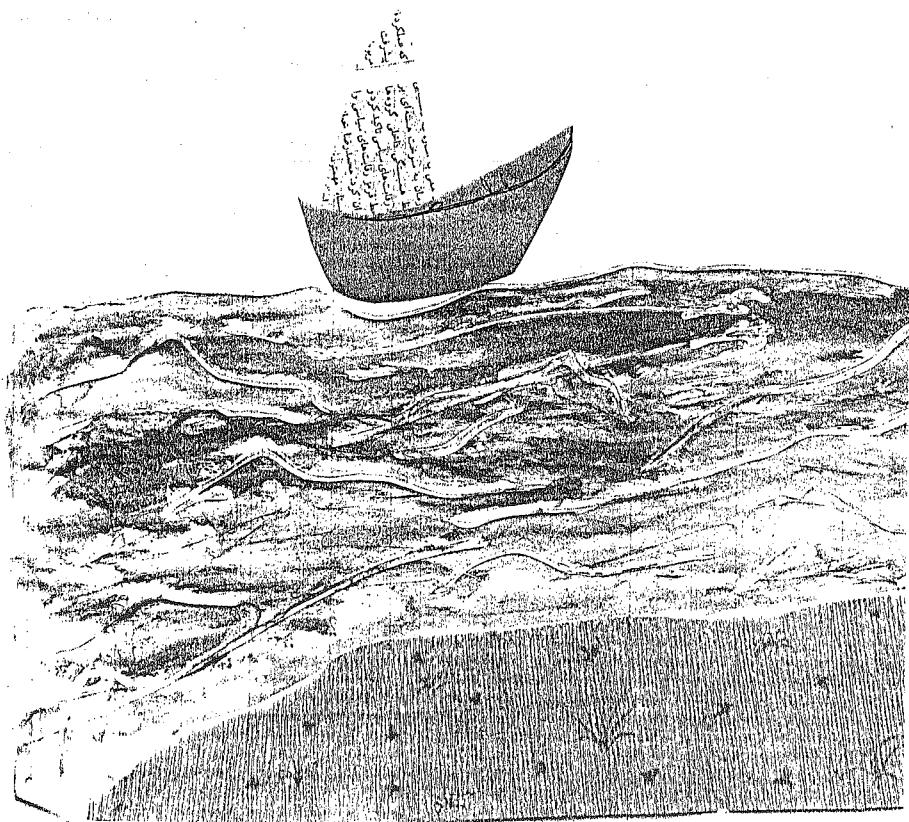
روش ساخت

مقوایی در ابعاد حدود 20×30 سانتی‌متر درست کنید - این اندازه به دلخواه قابل تغییر است - شکل دشت را در ذهن خود مجسم کنید! حالا شروع کنید به ریختن چسب روی مقوا! کمی صبر کنید، دوباره این کار را تکرار کنید، چند بار این کار را تکرار کنید و مدتی صبر کنید تا چسب خشک شود! پس از آن می‌توانید به وسیله آب‌رنگ، رنگ‌آمیزی نمایید.

برای درست نمودن دشت می‌توانید در پای کوه و روی چسب مایع را تکه‌های خُرد شده از کاموا رنگ سبز یا کاغذ رنگی سبز یا ... بریزید. شما یک کوه و دشت زیبا دارید بالای آن این آیه^۱ را بنویسید.

^۱ جائیه، ۱۲، الله الذي..... نحل، ۱۳، هو الذي سخر.

مربی پس از پایان درس آیه‌ای از قرآن را بخواند و توضیحاتی در رابطه با نعمت‌های خداوند مثل وجود دریا که در آن فایده‌های زیادی برای بشر قرار داده است بیان نماید.



کار با حبوبات یا پولک‌ها

اهداف گلی: دانش‌آموزان در این کارگاه ضمن ساخت دو نوع کاردستی با برخی از احکام حیوانات حلال گوشت آشنا می‌شوند.

وسایل مورد نیاز:

مقوا، چسب مایع، حبوبات مختلف، مداد، پاک کن، پانچ (سوراخ کن کاغذ)، کاغذ رنگی

روش ساخت

۱. از قبل طرح موردنظر را (مثل: شکل یک ماهی یا گوسفند) تهیه نموده آن را روی تخته بکشید. دانش‌آموزان شکل طرح را در مقواهای خود کشیده سپس آن را به وسیله حبوبات تک‌تک چسب زده و طرح را روی مقوا بچسبانند.

۲. با استفاده از وسیله‌ای به نام پانچ پولک‌های کاغذی رنگی تهیه کنید، پولک‌های رنگی تهیه شده را روی طرحی که از قبل آماده شده است بچسبانید، چسب را روی طرح نمایید بلکه کمی چسب به پولک‌ها زده و آن‌ها را یکی یکی بچسبانید^۱!

در پایان مرتب مباحث احکامی را مطرح نماید. چه ماهی‌هایی حلال گوشت هستند؟

اگر ماهی فلس‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون جان دهد پاک و خوردن آن حلال است^۲.

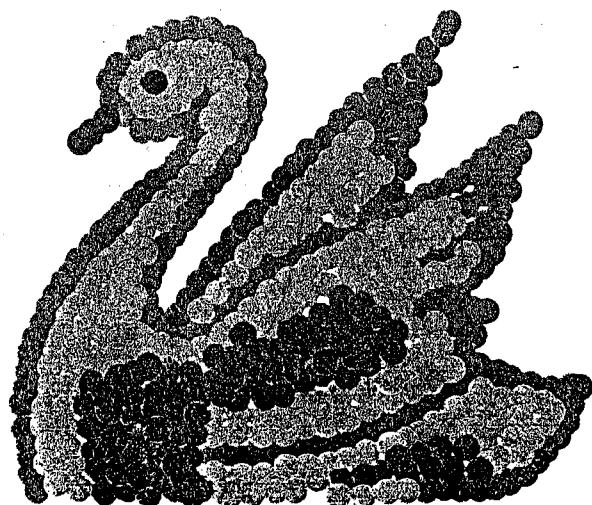
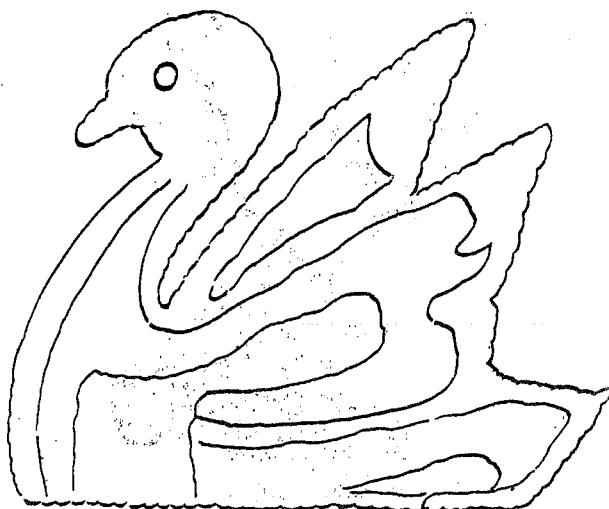
^۱ سید مصطفی قبله، کاردستی‌های پولکی با کاغذ، انتشارات راهگشا، بهار ۶۹.

^۲ توضیح المسایل مراجع، انتشارات اسلامی، پاییز ۱۳۷۷، ص ۵۲۲، مسئله ۲۶۱۵.

خوردن گوشت گوسفند چه حکمی دارد؟ اگر به دستور اسلام آن را ذبح کنند
گوشت آن حلال است!^۱

از دانش آموزان هم درخواست می شود چند سطر از این مطالب را به دلخواه کنار

آثار خود بنویسند.



^۱ همان، ص ۴۹۹، مسأله ۲۵۸۳ با دخل و تصرف.

کار با مقوا

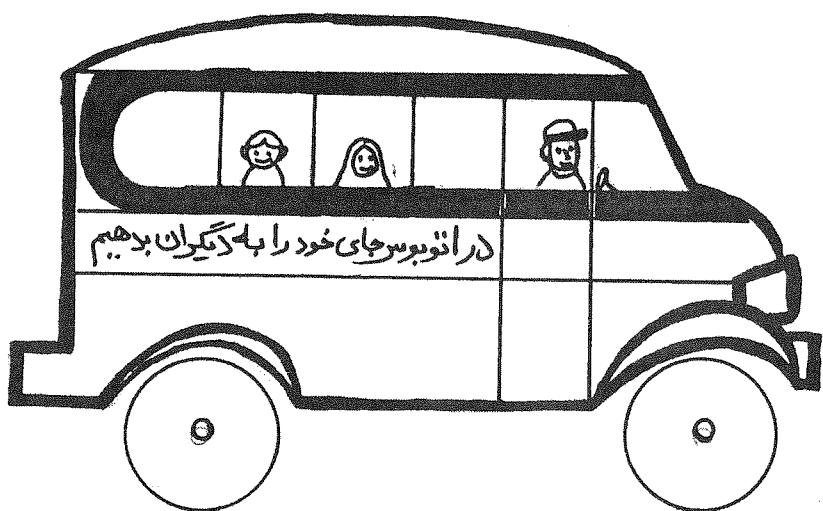
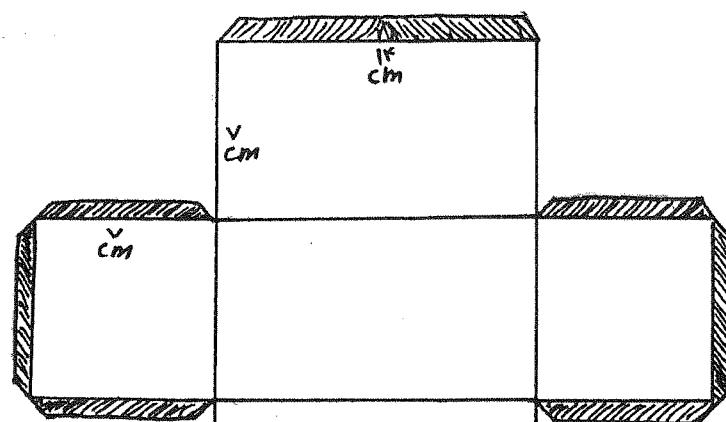
اهداف گلی: دانش آموزان در این کارگاه ضمن ساخت کاردستی اتوبوس با یکسی از آداب و اخلاق اسلامی، گذشت و ایثار آشنا می‌شوند.

وسایل مورد نیاز: مقوا معمولی، قیچی، چسب، خط کش، مداد، پاک کن.

روش ساخت:

ابتدا مقواهایی در ابعاد 35×30 در نظر بگیرید طبق الگو آن را روی مقوا پیاده‌سازی نمایید^۱ و روی آن را چسب بمایید! پس از آن دو قسمت را به یکدیگر بچسبانید! شکل مکعب مستطیل به دست می‌آید. بهتر است قبل از چسب زدن محل پنجره‌ها را مشخص نموده و اتوبوس راتزین نمایید. پس از پایان کار ۴ دایره را بریده و به عنوان چرخ‌ها به اتوبوس بچسبانید. پیشنهاد می‌شود جمله‌ای مناسب را روی اتوبوس بنویسید. پیام پیشنهادی ما عبارت است از: در اتوبوس جای خود را به دیگران بدهیم. مربی در ادامه می‌تواند مباحثی در رابطه با ایثار و گذشت توضیح دهد و به این مطلب نیز اشاره نماید این گونه رفتارها (گذشت) از رفتار پیامبر اکرم(ص) سرچشمی گرفته است.

^۱ کم و زیاد نمودن ابعاد اتوبوس به سلیقه دانش آموز بستگی دارد.



بافته‌ها^۱

۲۴۱

اهداف گلی: دانش آموزان در این کارگاه همراه با ساخت کاردستی روش بافت،

با نمونه‌ای از ساده‌زیستی پیامبر اکرم(ص) آشنا می‌شوند.

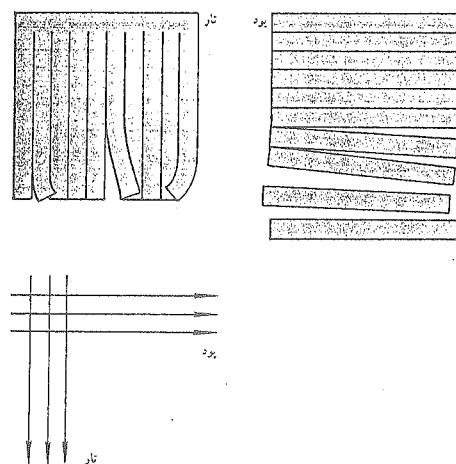
وسایل مورد نیاز:

انواع کاغذ‌های رنگی، تیغ برش، قیچی، خط‌کش، مداد، چسب و...

روش ساخت:

دو صفحه کاغذ، به رنگ‌های مختلف انتخاب کنید و آن‌ها را به صورت افقی و عمودی برابر شکل برش بزنید. به برش‌های عمودی «تار» و به برش‌های افقی «پود» می‌گوییم.

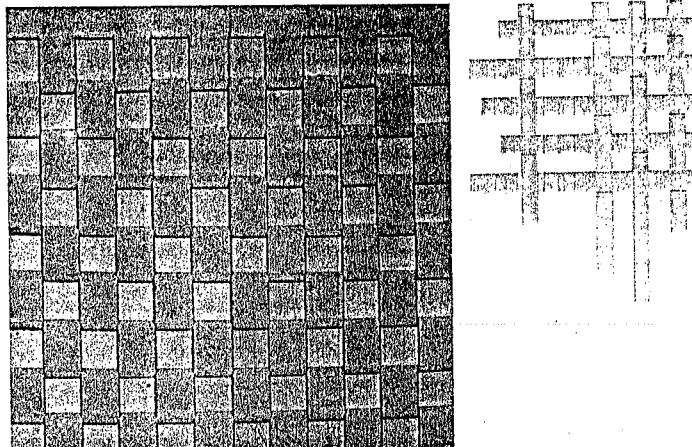
یکی از دو کاغذ بریده شده مانند «تار» باید از یک طرف سالم بماند. (در انتهای کاغذ قطع نشود) نوارهای «تار» را از لابلای برش‌های نوارهای «پود» یک در میان عبور دهید. این عمل را تکرار کنید تا تمام تارها بافته شود.



^۱ محمد مهدی هراتی، بانشهای کاغذی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، با اندک دخل و تصرف.

به یک نمونه دیگر توجه کنید.

بهتر است برای این که بافته‌ها از هم جدا نشود ابتدا و انتهای هر «پود» را بعد از بافت چسب بزنید و به برگ زمینه یا نوار «تار» بچسبانید.



بافت با وسایل دیگر

شما با اجناس و وسایل دیگر نیز می‌توانید عمل بافت را انجام دهید. به عنوان نمونه می‌توانید از سیم‌های نازک پلاستیکی یا طناب پلاستیکی یا... یک بافت جذاب بسازید.

اساس تمامی بافتهای بر همین اصل استوار است. حصیربافی نیز کاری این چنینی است.

مربی در ادامه مباحثی در رابطه با ساده‌زیستی پیامبر اکرم(ص) اشاره می‌نماید. هنگامی که ثروت عظیم خدیجه علیها السلام در اختیار او بود، آن ثروت برای او ارزشی نداشت و آن را در راه اسلام خرج نمود. پیامبر اکرم(ص) بسیار ساده زندگی می‌کرد و کف خانه حضرت حصیر بوده است. حصیر جهیزیه حضرت فاطمه زهراءسلام الله علیها بوده^۱.

^۱ جعفر سبحانی، فروع/بدیت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۵۲۵

کار با کاغذ رنگی

اهداف گلی: دانش آموزان در این کارگاه ضمن ساخت کاردستی با یکی از سفارشات پیامبر در زمینه آداب فردی - مسواک زدن - آشنا می‌شوند.

وسایل مورد نیاز: کاغذ رنگی، چسب، مقوا، قیچی، مداد و پاک کن

روش ساخت:

ابتدا مربی تصویر یک مسواک و خمیردندان را روی تخته می‌کشد و دانش آموزان هم این شکل‌ها را بر روی کاغذ می‌کشند یا این که تصاویر مسواک و خمیردندان را تکثیر نموده و در اختیار آنان قرار می‌دهد. سپس از آن‌ها درخواست می‌شود با کمک کاغذ رنگی‌ها مسواک و قطعات خمیردندان را با قیچی از کاغذ رنگی‌های مختلف ببرند و آن‌ها را بر روی یک کاغذ رنگی مثل رنگ زرد یا ... بچسبانند.



پس از ساختن طرح، حدیثی از پیامبر اکرم(ص) بر روی طرح نصب نمایید.
پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «دهانها یتان را با مسوак پاکیزه نگه دارید^۱».



^۱ قال رسول الله(ص): «طبّوا أفواهكم بالسواك». محمد ری شهری، میزان الحكمه، ج ۲، ص ۱۳۹۴، ۱۳۷۵، نقل از کنزالعمال، ۲۸۰۴، ۲۷۵۳.

کارگاه
قصه نویسی

مقدمه

مربی گرامی!

در این بخش با تشکیل کلاس‌های کارگاهی برای دانش‌آموزان
ضمون آشنا نمودن آن‌ها با عناصر داستانی، روش نوشتمن داستان را
به آن‌ها آموزش دهید.

روشن کار در کتاب راهنمای آمده است، با مراجعه به آن می‌توانید
با فعال نمودن دانش‌آموزان، آگاهی نسبی در باره چگونگی
قصه‌نویسی نیز به آن‌ها ارایه نمایید.

با خلاق نمودن دانش‌آموزان آن‌ها را متوجه توانایی نهفته‌اشان
خواهید کرد.

خوبی‌ترین گل

شخصیت

شخصیت، فرد یا افرادی هستند که موارد داستان را انجام می‌دهند و آن را پیش می‌برند. شخصیت پردازی در داستان به دو شیوه است:

الف: مستقیم: نویسنده (وشن و واضح شرح می‌دهد که شخصیت‌های

داستان چه چور آدھهایی هستند؛ خوبند یا بدند و ...

ب: غیر مستقیم: نویسنده با گفت و گو و عمل، (فتار و گردار) شخصیت‌های

داستان را به فوائد معرفی می‌کند.

(وش دوھ بھرین راه برای داستان نویسی است.

در داستان خوبی‌ترین گل، شخصیت اصلی مرد نگرانی است که می‌خواهد بهمه مد

بچه‌ای که همسرش به دنیا خواهد آورد پسراست یا دفتر. شخصیت پیامبر(ص) و

امام حسین^{علیه السلام} و خدمتکارش همی در خدمت او هستند.

بیننم شما می‌توانید شخصیت‌هایی (ا که فوائد دارد معرفی کنید؟

شخصیت اصلی داستان را چطور؟

پیامبر داشت صحبت می‌کرد. حسین روی زانویش بود. لبخند شیرینی بر لب داشت و با انگشتان پیامبر بازی می‌کرد. مرد آرزو کرد پسر باشد. نتوانسته بود در خانه بماند. گاهی به در مسجد نگاه می‌کرد. به خدمتکارش گفته بود که کجا می‌رود.

پیامبر موهای حسین را نوازش کرد. مرد با حسرت آهی کشید. چند تا دختر داشت. فکر کرد آن‌ها ارزشی ندارند. نه می‌توانند در جنگ شرکت کنند، نه می‌توانند در صحراء کمکش کنند. پسر خوب بود. غرق تماشای نویه پیامبر بود.

حسین پایین آمد. دوان دوان دور شد. پیامبر لبخندی زد. نوهاش را تماشا کرد که از مسجد بیرون می‌رفت. مرد هم او را نگاه می‌کرد. خدمتکارش را دید. خوشحال نبود. نفسش بند آمد. خدمتکار جلو آمد، سلام کرد و کنار مرد نشست.
چیزی در گوش او گفت مرد با ناراحتی گفت: «نه.»

پیامبر ساکت شد. همه به طرف او برگشتند. رنگ مرد تغییر کرد. دوست داشت بیرون برود. پیامبر صدایش زد. چهره مرد سیاه شده بود. خیلی ناراحت شده بود. فقط به زمین نگاه می‌کرد. پیامبر گفت: «چه شده؟»
خدمتکار بلند شد و رفت. مرد نیم خیز شد. احساس می‌کرد مسجد دور سرشن می‌چرخد. اما همه می‌خواستند بفهمند چه خبر شده است. همه می‌کردند. پیامبر باز پرسید: «چه شده مرد؟»
- چیزی نیست.

به سختی جواب داد. نشست. خجالت می‌کشید سرشن را بلند کند. اگر می‌فهمیدند او باز هم صاحب دختری شده است، ... وقتی اصرار پیامبر را دید، گفت: «همسرم دختری به دنیا آورده.» صدایش می‌لرزید. پیامبر تبسی کرد. برخاست پیش آمد و به او تبریک گفت. کنارش نشست با مهربانی دستش را گرفت و گفت: «به به! دختر، گل خوشبوست. خدا روزی اش می‌دهد. آسمان بر او سایه می‌اندازد.» بعد شروع کرد و از خوبی‌های دختر گفت.

مرد سرشن را بالا آورد. به دهان پیامبر چشم دوخت. هرگز چنین فکر نکرده بود. شنیده بود که پیامبر فاطمه را خیلی دوست دارد. احساس می‌کرد غنچه‌ای در دلش می‌شکفده. یعنی دختر هدیه خدا بود. چشمانش را بست. قطره اشکی ریخت. پیامبر هنوز درباره خوبی‌های دختر صحبت می‌کرد. دلش می‌خواست

برخیزد و به خانه برود. اما حرف‌های پیامبر شیرین بود. طاقت نیاورد. وقتی پیامبر ساکت شد، بلند شد. مردی گفت: «قدمش مبارک است.» مرد لبخندی زد و به طرف در مسجد رفت. احساس سبکی می‌کرد. دوست داشت ببیند دخترش چه شکلی است. با عجله کفش‌هایش را پوشید. آفتاب زیبایی بود.

منبع:

کافی، ج ۶، ص ۵.

الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

گردنبند

توصیف

یکی از عناصر داستان، توصیف است. توصیف به مکان‌ها و شفاهیت‌ها به خصوص شفاهیت اول داستان، جان و (و) معنده او را به فواننده می‌شناساند. توصیف در داستان‌های کودکان به دو صورت انجام می‌گیرد.

۱. جمله و کلمه

۲. نقاشی

داستان گردنبند، داستانی توصیف است. شروع آن (ا) با دقت می‌خواهیم: گردنبند زیبایی بود. زد بود. از طلای خالص بود. گردنبند در دستان پیامبر(صل) می‌درخشید. هلا شما توصیف‌های دیگر داستان را پیدا کنید.

گردنبند زیبایی بود؛ زرد بود، از طلای خالص بود. گردنبند در دستان پیامبر(صل) می‌درخشید. زنانی که در اتاق بودند، درباره آن صحبت می‌کردند. امامه، دختر همسایه که در سایه نخل بازی می‌کرد، برخاست و به طرف پنجره آمد. سلام کرد. پیامبر(صل) به او لبخند زد و جوابش داد. نگاه امامه به گردنبند بود.

پیامبر(صل) به کنار پنجره آمد. نگاهی به همسرانش کرد. جوانترین زن لبخند زد و فکر کرد حتماً پیامبر(صل) گردنبند را به او خواهد داد. پیامبر(صل) به بیرون چشم دوخت. چند گنجشک روی نخل جیک جیک می‌کردند. امامه برگشت و دوباره در سایه نخل شروع کرد به بازی؛ ولی زیر چشمی به اتاق نگاه می‌کرد.

— این گردنبند چگونه است؟

این صدای مهربان پیامبر(ص) بود. امامه لبخندی زد.

— خیلی قشنگ است!

— من تا به حال چنین گردنبندی ندیده‌ام!

امامه می‌خواست بفهمد پیامبر گردنبند را به چه کسی می‌دهد. دلش به بازی نمی‌رفت. برخاست. باز آمد کنار پنجره. گردنبند بین زن‌ها دست به دست می‌شد، تا این که زن جوان آن را گرفت. چشمانش را بست و با تبسم آن را نوازش کرد.

— آن را به من بده!

زن جوان چشمانش را باز کرد. زن‌های دیگر نفس راحتی کشیدند. همه منتظر بودند ببینند که گردنبند نصیب چه کسی می‌شود. امامه لبه‌ی پنجره نشست. چشمان سیاه و درشتی داشت. آهی کشید و گفت: «خوش به حال...».

هنوز صحبت‌ش تمام نشده بود که پیامبر(ص) به سوی پنجره آمد. لبخندی زد.

گردنبند را به گردن او انداخت. چشمان امامه درخشید و با شوق فریاد زد: «یعنی مال من؟»

پیامبر(ص) نگاهی به همسرانش کرد و با مهربانی سرش را تکان داد.

منبع:

مجمع‌الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۴.

کشتی گیر و تیرانداز

گفت و گو

گفت و گو یا دیالوگ عنصر مهمی از داستان است. گفت و گو به معنای صحبت گردن و مبادله افکار و عقاید شفചیت‌های داستان است.

گفت و گو، باید احساس طبیعی و واقعی بودن (ا به فواینده بدهد. ولی احساس ملال به او دست ندهد. گفت و گو علاوه بر دادن اطلاعات جدید، باید داستان (ا نیز پیش ببرد.

در داستان کشتی گیر و تیرانداز، به جاهایی که علامت‌گذاری شده است، گفت و گو می‌گویند. سعی کنید گفت و گوهای دیگر داستان (ا پیدا کنید.

گفت: «اینجا چه کار می‌کنید؟»

- ما هم می‌فوایدیم به چنگ بیاییم.

- چنگ که کار بپنهان نیست.

هالا گفت و گوهای بعده داستان (ا شما پیدا کنید.

* * *

سمره و رافع منتظر بودند. رافع کمانش را برداشت، اما سمره فقط چوبی برداشته بود. سپاه از میان نخلستان بیرون آمد. زره‌ها و شمشیرهای سپاهیان می‌درخشید. رافع سرک کشید و پیامبر را نشان داد. سمره هم سری تکان داد و خندید. رافع گفت: «باید آهسته دنبالشان برویم!»

سواران گذشتند. اسبی شیشه کشید. سمره پدرس را نشان داد. رافع گفت: «فکر نمی‌کنم از اینجا ما را به شهر برگردانند.»

خیلی از بچه‌ها خواسته بودند به چبه بروند؛ اما پیامبر گفته بود که برگردند؛ اما رافع و سمره پنهانی آمده بودند تا از اینجا همراه سپاه شوند.

پیاده‌ها که رسیدند، بلند شدند و به طرف سپاه رفتند مرد چهارشانه‌ای که آن‌ها را دیده بود، گفت: «اینجا چه کار می‌کنید؟»

- ما هم می‌خواهیم به جنگ بیاییم.
- جنگ که کار بچه‌ها نیست.

عده‌ای ایستاده بودند و از آن‌ها می‌خواستند که برگردند. سواران هم افسار کشیدند. رافع و سمره حاضر نبودند به مدینه برگردند. تیراندازی گفت: «باید برگردید!»

رافع خندید و گفت: «من حاضرم با تو مسابقه تیراندازی بدھم.»

مرد ساكت شد. پیامبر آمد ببیند چه خبر شده است. زره بر تن داشت. رافع جلو رفت. زین اسب او را گرفت و گفت: «اجازه دهید من هم بیایم. پرنده را در هوا می‌زنم.»

مردی گفت: «آری او را می‌شناسم تیرانداز ماهری است، گرچه کوچک است.»

رافع متظر نماند. شاخه درختی را نشان داد. تیر در کمان گذاشت و به هدف زد. پیامبر لبخندی زد. سری تکان داد. رافع نگاهی به سمره کرد. ناراحت بود. همه دوستش را تشویق می‌کردند. سمره یکباره گفت: «اما زور من از رافع بیشتر است.»

پیرمردی گفت: «فکر نکنم. دشمنان زیادی داریم، بزرگ خواهی شد.»

اشک در چشمان سمره حلقه زد. به رافع خیره شد که کنار مردها ایستاده بود و با غرور نگاه می‌کرد. گفت: «می‌توانم ثابت کنم. اجازه دهید کشتن بگیریم.»

آسمان صاف بود. کوه احمد نزدیک بود. پیامبر از اسب پیاده شد. پیادگان حلقه‌ای تشکیل دادند. رافع می‌ترسید؛ ولی ناید فرصت را از دست می‌داد.

کمانش را گوشه‌ای گذاشت. سمره کفش‌هایش را درآورد. قدش کوتاه بود، اما چابک بود.

نسیم خنکی وزید و موهای رافع را افshan کرد. سمره با آب دهان دستانش را خیس کرد و به هم مالید و جلو رفت. رافع دستانش را دراز کرد و با هم درگیر شدند. هر کدام سعی می‌کرد کمر دیگری را بگیرد. دور هم می‌چرخیدند. پایشان را عقب می‌کشیدند و گاه پشت پا می‌زدند. عده‌ای سمره را تشویق می‌کردند. گروهی رافع را صدا می‌زدند. پیامبر با دقت به هردو نگاه می‌کرد. هردو چابک بودند. خسته شده بودند؛ اما دست از تلاش برنمی‌داشتند.

سمره ناگهان پرید و ساق پای رافع را گرفت. فریاد سپاهیان بلند شد. رافع روی یک پا دور خود چرخید. گردن سمره را گرفته بود و فشار می‌داد. سمره فوری پای رافع را رها کرد و محکم به کمر او چسبید. پشت پایی به او زد و روی زمین انداختش. پشت او را به خاک مالید. با خوشحالی بلند شد. مشتش را گره کرد، فریاد زد و تکان داد.

هر دو نفس نفس می‌زدند. رافع ناراحت بود. خم شد و کمانش را برداشت. پیامبر صدایشان زد. پسران شجاعی بودند. دستی به بازوهای هر دو زد، از آنها تعریف کرد و گفت که می‌توانند در جنگ شرکت کنند. رافع و سمره فریاد زدند. بالا و پایین پریدند. همدیگر را در آغوش گرفتند بعد با غرور با سپاه اسلام به راه افتادند.

منبع:

سیر الملوك والامم، ج ۲، ص ۵۰۶

استقبال شیرین

زاویه دید

داستان معمولاً به یکی از شیوه‌های زیر نوشته می‌شود. یا چه‌مان، داستانش (ا) (وایت می‌کند به آن زاویه دید اول شخص می‌گویند. مثل «من به مدرسه رفته. محلم را دیدم که نراحت بود» یا نویسنده از بالا، هر چیزی را که می‌بیند یا احساس می‌کند برای فوائد بیان می‌کند. به آن داستان کل یا سوم شخص می‌گویند. مثل «محلم، نراحت جلو در ایستاده بود. من (فت و من) آمد.» البته (زاویه‌های دید دیگر و بیزتری وجود دارد که من توانید به کتاب‌های تخصصی مراجعه کنید.

داستان استقبال شیرین با زاویه دید سوم شخص (وایت شده است. حالا دربی مهتره! شما می‌توانید دانش‌آموزان را راهنمایی کنید تا هر کدام دو داستان با (زاویه دید مختلف برای چلسه بعد پیدا کنند و بیاورند.

بچه‌ها با شادی فریاد می‌زدند و می‌دویدند. چند پیرمرد هم عصا می‌زدند و می‌رفتند. زن‌ها هم عجله داشتند. سعد دلو را بالا کشید. کمر راست کرد. مردم کجا می‌رفتند؟ چه خبر شده بود؟ عرق پیشانیش را پاک کرد. کمرش درد گرفته بود. باید چند دلو دیگر آب بالا می‌کشید تا زمینش را سیراب می‌کرد. کنجکاو شد. دلو را لبه چاه گذاشت، کنار حصار رفت و از پیروزی که عصا می‌زد و به دنبال جمعیت می‌رفت، پرسید: «ام فروه، چرا از مدینه بیرون می‌روند؟» پیروز ایستاد. گوش‌هایش خوب نمی‌شیند. سعد بلندتر پرسید. پیروز گفت: «می‌گویند سپاه اسلام دارد می‌آید.»

- پیامبر سالم هستند؟

- خدا را شکر! می‌گویند آری.

مدتی بود که پیامبر با عده‌ای به سوی مرز شام رفته بود. خبر آمده بود که سپاه روم قصد دارد به مدینه حمله کند. مسلمانان رفته بودند جلوشان را بگیرند. سعد دست و صورتش را شست. کف دست‌هایش کمی سبز بود و بوی علف می‌داد. کف دستش مثل پوست درخت شده بود. زبر و خشن بود؛ از باغ بیرون رفت. به خاطر خانواده‌اش نتوانسته بود همراه پیامبر برود. اما دوست داشت او را ببیند.

بیشتر مردم مدینه آمده بودند؛ زن بودند و بچه. پیرها هم جمع شده بودند. زن‌ها نیز به دنبال شوهران خود بودند. بچه‌ها پدرهایشان را صدا می‌زنند و سراغ آن‌ها را می‌گرفتند. زنی که دخترش را روی شانه‌اش گذاشته بود، به دنبال همسرش بود. دخترک با خوشحالی پدرش را صدا زد. سعد آهی کشید. کاش او هم کسی را می‌داشت. بچه‌های او همه دختر بودند و هنوز عروس نشده بودند. از لابه لای جمعیت پیش می‌رفت. دلش می‌خواست از نزدیک پیامبر را ببیند و پیروزی را به او تبریک بگوید. کاش جوان بود! زیر لب گفت: «خوشا به حال کسانی که در جنگ شرکت کرده‌اند!»

جمعیت زیادی اطراف پیامبر بودند. دست می‌دادند و به حضرت شادباش می‌گفتند. پیامبر هم تشکر می‌کرد. سعد تلاش می‌کرد، پیش برود. پیامبر وقتی او را دید، گفت بگذارند که او پیش بیاید. پیغمرد کوتاه قدی بود. دیگران نمی‌گذشتند جلو بیاید. راه باز شد. سعد پیر، سلام کرد. با پیامبر دست داد. خیلی خوشحال بود. پیامبر لحظه‌ای دست او را نگه داشت. دوباره به کف دستش دست

کشید. پینه بسته و زیر بود. شکاف شکاف شده بود. پیامبر دست او را فشار داد و

گفت: «آسیبی به دست رسیده؟»

جای طناب بود. دست‌هایش را نشان داد. به آرامی گفت: «نه، باطناب از چاه آب بالا می‌کشم، بیل می‌زنم و کار می‌کنم تا خرجی خانواده‌ام را به دست آورم.» پیامبر دستش را گرفت. خم شد. سعد می‌خواست دستش را عقب بکشد، اما پیامبر بر آن بوسه زد. اشک در چشمان سعد حلقه زده بود. چرا پیامبر این همه به او محبت داشت؟ او هم دست پیامبر را بوسید. همه تعجب کرده بودند. ساكت بودند. مگر سعد انصاری چه کار کرده بود؟ می‌خواستند بدانند. پیامبر دستان او را نشان داد و گفت: «این دستی است که آتش جهنم آن را نمی‌سوزاند.»

منبع:

اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۶۹

مهمان کوچک

نثر

نثر کتاب‌ها و داستان‌های کودکان و نوجوانان باید ساده و صمیمی باشد. ساده نوشتن به معنی بد نوشتن و کودکانه نوشتن نیست، بلکه باید جمله‌ها از استمتاهم برخوردار باشند و در فهم کودک همچنین جمله‌ها کوتاه باشد و زیبا.

اصول نثر خاص کودکان

۱. از شکسته نویسی و محاواره نویسی پرهیز شود. مثلاً به های می‌گوییم، می‌گم نوشته نشود، چون فوائد کوچک در ذهنش کلمه‌ها را می‌شکند، اما در فوائد مشکل پیدا می‌کند.
۲. از کلمه دو یا سه سیلابی مثل خدا، آب و... استفاده شود.
۳. کلمه‌های سنگین و غیر مأнос به کاربرده نشود مثل سوسیالیزم و... در داستان مهман کوچک تلاش شده است که جمله‌ها کوتاه و هدایت‌چهار کلمه‌ای باشند و کمتر از کلمه‌های غیر مأнос استفاده شود.

ام سلمه در سایه نشسته بود و استراحت می‌کرد. تازه حیاط را آب پاشیده بود تا خنک شود. بوی کاهگل حیاط را پر کرده بود. عصر گرمی بود. احساس کرد صدای در می‌آید. چه کسی بود؟ بلند شد. کسی در را فشار می‌داد. سعی می‌کرد داخل شود. به طرف در رفت. معلوم بود بچه است. پسری‌چه‌ای با شیرین زبانی می‌گفت: «پدر بزرگ!»

صدرا را شناخت. تعجب کرد. نوه پیامبر را دید که می‌خواست تو بیايد. دستش را از لای در تو آورد. ام سلمه لبخندی زد و گفت: «صبرکن عزیزم!» در را باز

کرد. لپ‌های حسین سرخ شده بود. دست او را گرفت و از سایه دیوار به اتاق برد. گفت: «هوا گرم است. چرا بیرون آمدی؟» حسین نگاهی به اتاق کرد و گفت: «پدر بزرگ کجاست؟» ام سلمه تُشکی انداخت و از او خواست بنشینند. پیاله شربتی آورد و گفت: «پدر بزرگ استراحت می‌کند» و بیرون رفت.

ام سلمه که رفت، حسین برخاست. از لبه پنجره قد کشید. حیاط ساكت بود. یک قمری و چند گنجشک در سایه نخل دانه می‌خوردند. به طرف در رفت. صندل‌هایش را پوشید و دوید. آفتاب داغ بود. گنجشک‌ها پریدند و لا به لای شاخ و برگ درخت قایم شدند.

اتاق استراحت پدر بزرگ را می‌دانست. از پله‌ها بالا رفت. از کنار پنجره گذشت. پدر بزرگ دراز کشیده بود. پارچه سفیدی رویش بود. فقط صورتش دیده می‌شد. احساس کرد می‌خندد. نگاهی به حیاط کرد. ساكت و خلوت بود. ام سلمه هنوز نیامده بود. پدر بزرگ را خیلی دوست داشت. می‌خواست برگردد، اما دلش برای او تنگ شده بود. می‌خواست با او بازی کند و مثل هر روز روی سینه‌اش بنشینند. در چهارچوب در ایستاد و به آرامی گفت: «پدر بزرگ!» اما پیامبر بیدار نشد. کفش‌هایش را درآورد. دلش می‌خواست بغل پدر بزرگ بخوابد. آهسته جلو رفت. نزدیک پیامبر کاسه آبی بود. پایش به آن خورد کاسه و صدا کرد. ترسید. می‌خواست برگردد که پدر بزرگ چشمانش را باز کرد. با دیدن نوه کوچکش لبخندی زد. اشاره کرد نزدیکش برود. دستانش را دراز کرد، همان طور که خوابیده بود بازوهای کوچک حسین را گرفت و او را روی سینه‌اش نشاند. او

را به سینه اش فشد و بوسید. قلقلکش داد. حسین خنده کرد. پیامبر دوباره او را بوسید.

ام سلمه که با سبد میوه‌ای به حیاط آمده بود، با شنیدن صدای خنده ایستاد. از این که پیامبر بیدار شده بود؛ ناراحت بود. از پله‌ها بالا رفت. یک قمری که در ایوان لانه داشت، به آرامی خواند. یک لحظه پیامبر را دید که لب‌های نوهاش را می‌bosید. بادی وزید و پرده جلو در را به رقص درآورد. ام سلمه تبسی کرد و زیر لب گفت: «چه بهتر، این میوه بهشتی را بهترین انسان‌های روی زمین با هم بخورند». سلام کرد. چهره حسین از خنده شکفته بود. سبد انار را کنار پیامبر گذاشت. پیامبر نوهاش را نوازش کرد و به او نگاه کرد. او هم حسین را دوست داشت. فکر کرد اگر پسری می‌داشت، باز هم حسین را بیشتر عزیز می‌داشت.

منبع:

مقتل الحسين خوارزمي، ج ۱، ص ۲۳۱.

نوبت به نوبت

پیام

پیام داستان (و) و اندیشه‌ای است که بر کل داستان هاکم است. به تعبیری همان درونمایه است. در واقع نتیجه‌ای است که داستان درباره زندگی بیان می‌کند. برای فهمیدن پیام، ما باید ابتدا از فود پرسیم که منظور اصلی داستان چیست و در زندگی داستانی به چه چیزهایی اهمیت می‌دهد.

ویژگی‌های پیام:

۱. باید در یک جمله مبتدا فبری بتوان آن را بیان کرد.
۲. نباید از ضرب المثل یا کلمه‌های قصار برای بیان داستان سود جست.

نکته آخر این که:

باید توجه داشت که بسیاری از داستان‌ها برای سرگرمی نوشته می‌شوند و پیام خاصی ندارند. یا بعضی از داستان‌ها تلاش دارند فقط مسی را به مخاطب (القا) کنند. پیام داستان نوبت به نوبت این است: «در هر گاری باید برابری و عدالت (عایت شود).»

تق ، تق ، تق!

فاطمه(س) جارو را تکیه به دیوار داد. به طرف در رفت. بوی عطر پدر را شناخت. در را باز کرد. بوی بهاری کوچه آمد تو. چهره خندان پیامبر نمایان شد. سلام کرد و داخل شد.

نصف حیاط که آفتابی بود، جارو شده بود. پیامبر(ص) با دخترش صحبت می‌کرد که صدای گریه‌ای بلند شد.
- آب می‌خواهم.

صدای حسن بود. فاطمه(س) می خواست برود؛ اما پدر از او خواست کارش را تمام کند. پیامبر(ص) از کنار پنجره گذشت. دامادش علی خوابیده بود و استراحت می کرد. نوه کوچکش هم با لبخندی بر لب؛ به آرامی نفس می کشید، اما حسن بیدار شده بود. چشمانش را می مالید و خواب آلود آب می خواست.
پدر بزرگ با مهربانی صدایش زد و به سوی تاقچه رفت. پیاله‌ای برداشت و آن را از مشک آب پُر کرد. با نوهاش حرف می زد که حسین با صدای پدر بزرگ بیدار شد. وقتی دید پدر بزرگ می خواهد به حسن آب دهد، گفت: «من تشنۀ تر هستم».

پدر بزرگ لبخندی زد؛ اما پیاله را به حسن داد و با دست اشاره کرد که نوبت او هم می رسد. صبر کند.

فاطمه(س) آمد کنار پنجره. پدر را دید که پیاله را به فرزند بزرگش داد. حسین(ع) هنوز اصرار می کرد و آب می خواست. مادرخندید و گفت: «پدر حسن را بیش تر دوست داری؟» پیامبر(ص) سرچرخاند. صدای یک قمری بلند شد. همان طور که به حسن کمک می کرد آب بخورد، تبسیمی کرد و گفت: «هر دو نزد من مساوی‌اند. هیچکدام بر دیگری برتری ندارد. حسین باید صبر کند تا نوبتش برسد».

فاطمه فکر کرد، پدر اینجا هم عدالت را رعایت می کند.
پدر بزرگ به سوی حسین رفت با پیاله‌ای پر از آب.

منبع:

بشاره المصطفی، ص ۱۸۸

الكتب بساتين العلماء
كتاب‌ها ببوستان دانشمندانند
حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام



مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) از سال ۱۳۶۱ با هدف «تبیین و گسترش معارف دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی» با نشر آثاری از «اندیشمندان و فرهیختگان» کار خود را آغاز کرد. پس از به بار نشستن تلاش پژوهشی «واحدهای دفتر تبلیغات اسلامی»، انتشار آن را نیز عهده‌دار شد.

در این مؤسسه آثار را در سه گروه مخاطب «شخصی، عمومی، کودک و نوجوان» پس از تصویب در «شورای بررسی آثار» بارعایت معيارهایی از جمله: «اتقان و محتوای مناسب، نیاز جامعه به موضوع اثر، روشناند بودن تألیف، تبودن آثار مشابه در بازار و...» در ۱۶ موضوع اصلی و ۶۰ موضوع فرعی در حوزه اندیشه اسلامی منتشر می‌کند.

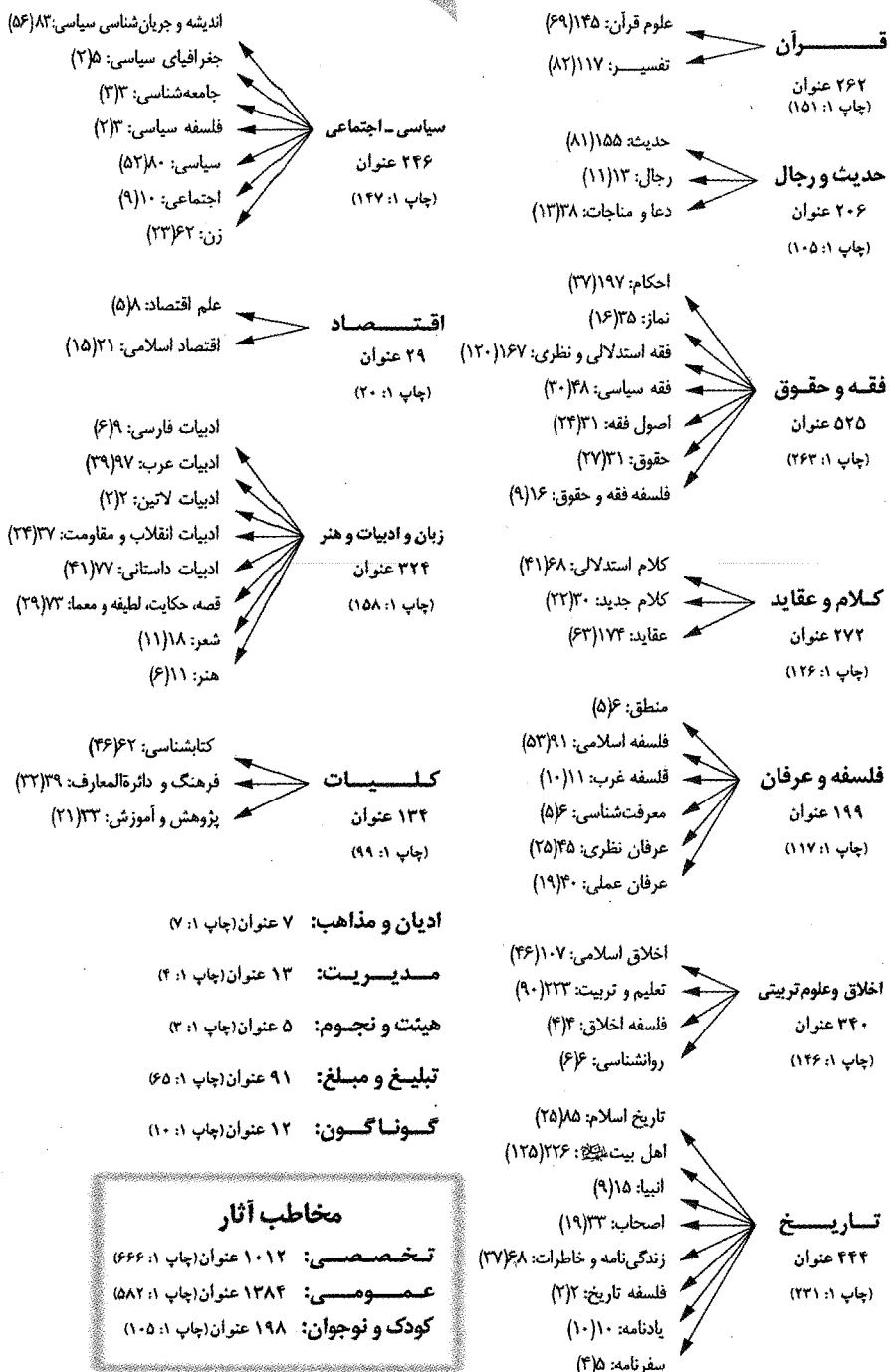
پرافتخارترین ناشر برگزیده کشور

تنها ناشر در کسب مجموعه امتیازهای زیر

(۱۹) نوبت ناشر نمونه، ۱۳۹۱ کتاب برگزیده، با ۱۷ امتیاز)

- ۵۷ نوبت ناشر سال کشوری (۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- ۶۷ نوبت ناشر سال حوزه (۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) برگزیده مدیریت حوزه علمیه قم؛
- ۳۷ نوبت ناشر سال دانشجویی (۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) برگزیده جهاد دانشگاهی؛
- ۱۷ نوبت ناشر برگزیده سال قرآن کریم (۱۳۸۳) برگزیده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- ۲۷ نوبت ناشر برگزیده نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۳۷۵ و ۱۳۸۱)؛
- ۱۷ نوبت ناشر جشنواره کتاب آسان (۱۳۸۳) برگزیده سازمان نهضت سوادآموزی؛
- ۱۷ نوبت ناشر سال استان قم (۱۳۷۸)؛
- ۱۳۹۷ کتاب برگزیده با کسب ۱۶۹ امتیاز در جشنواره‌های مختلف (سال کشوری، حوزه، دانشجویی، ولایت و...)

موضوع و مخاطب آثار و تعداد آن‌ها



* تعداد عنوانین چاپ اول هر موضوع در پرانتز آمد، و با اختصار بازچاپ هر کدام، تعداد عنوانین منتشره هر موضوع تا پایان اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ مشخص شده است.

شیوه‌تهیه آثار

خواستاران کتاب‌های مؤسسه می‌توانند از طریق وب سایت: <http://www.bustanekestab.com> یا فروشگاه‌ها و نمایندگی‌های فروش آثار مؤسسه را تهیه نمایند و یا با واریز مبلغ کتاب به حساب سپیا(ملی): ۰۰۵۰۰۱۱۵۹۰۰۰۱۰ به نام مؤسسه و ارسال فیش آن به نشانی مؤسسه، از طریق پست، دریافت نمایند.

مؤسسه برای واگذاری نمایندگی آثار خود به کتابفروشی‌ها و مراکز پخش -

خصوصاً در شهرهای فاقد نمایندگی -با انعقاد قرارداد آمادگی دارد.

مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

خرداد ۱۳۸۵

فروشگاه‌های مؤسسه:

فروشگاه مرکزی، قم، میدان شهداء، بوستان کتاب قم، تلفن: ۷۷۴۲۴۲۶

فروشگاه شماره ۲، تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، دست چپ کوچه دوم (پشن)، پلاک ۲۲، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۵

فروشگاه شماره ۳، مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۲۶۷۷

فروشگاه شماره ۴، اصفهان، خ حافظ، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۰۳۷۰

فروشگاه شماره ۵، اصفهان، میدان انقلاب، رو بروی سی و سه پل، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

کتابفروشی‌ها و مراکز انتشاراتی و نمایندگی فروش کتاب‌های مؤسسه در داخل کشور:

آذربایجان غربی

○ چالدران:

رضایی، خ ساحلی، تلفن: ۳۶۲۲۲۵۵

اردبیل

○ اردبیل:

نمایشگاه دائمی آموزش و پرورش، خ امام خمینی

تلفن: ۲۲۲۱۸۵۹

مؤسسه فرهنگی آیة الله مروج، خ ۲۰ متری، تلفن: ۲۲۴۸۹۴۴

اصفهان

○ اصفهان:

امام عصر(عج)، خ چهار باغ، تلفن: ۲۲۰۴۹۳۲

پیش ربعی، دولت آباد برخوار، خ مطهری،
ک داوری، تلفن: ۵۸۲۷۸۸۲

شامن الانسمه، خ چهار باغ، جنب مسجد بقیه...

تلفن: ۲۲۲۲۵۳۹

خاتم الانبیاء، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۳۰۵۰

آذربایجان شرقی

○ قم:

شهید شفیع زاده، خ امام خمینی

ولايت، خ شريعتي جنوبی، تلفن: ۵۵۶۹۲۲

کتابفروشی شهید باکری، میدان شهداء، رو بروی بانک ملی

مرکزی، تلفن: ۵۵۵۸۹۲۵

○ آذربایجان:

اندیشه، خ امام، مجتمع میلاد نور، تلفن: ۴۲۲۴۱۷۷

○ بناب:

طباطبایی، جنب مصلی، تلفن: ۷۲۲۸۶۳۹

○ هراغه:

مرکز فرهنگی ثلثین، میدان طوع فجر، تلفن: ۲۲۴۹۰۰۰

○ هرند:

انتشارات گلزار ادب، خ پروین اعتصامی، تلفن: ۲۲۵۷۴۴۷

○ میانه:

رسالت، خ سرجشمه، تلفن: ۲۲۲۵۰۱۱

سروش، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۹۳۶۲۰
شیکه اندیشه، ابتدای خ آزادی، تلفن: ۶۶۹۲۵۱۲۷
شفیعی، خ اردبیلشت، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴
قدیانی، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۶۴۰۴۴۱۰
کتاب مرجع، خ فلسطین، تلفن: ۸۸۹۶۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۱۲۰۳
کتاب شهر، خ انقلاب، خ ابو ریحان، خ شهید نظری،
ش ۶۶۴۱۲۷۶۲، تلفن: ۹۲، طبقه ۳
کوکب، خ ۱۲ فروردین، تلفن: ۶۶۴۰۶۵۴۸
محصولات فرهنگی عصر ظهور، خ افسری،
تلفن: ۲۲۱۴۷۲۳۰
مولی، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳
○ **کروچ:**
مؤسسه فرهنگی اسراء، بلوار ۷ تیر، بین چهارراه
مصطفی و میدان امام حسین علیه السلام، ک سادات
ساختمان یادگار پدر، تلفن: ۲۸۰۴۸۲۲
خامس آل عبیا، میدان کرج، اول بلوار شهید چمران،
تلفن: ۲۲۴۸۴۸۶

○ **شهر وی:**
کتابفروشی علامه شعرائی، ابتدای جاده قم، جنب
مسجد امام رضا علیه السلام، تلفن: ۵۰۹۰۶۷۲۹

خواسان رضوی

○ **مشهد:**
التشارتات امام، ابتدای کوی دکتر، تلفن: ۸۴۳۰۱۴۷
○ **سیزده:**
کتابفروشی فلاحی، خ بیهقی، روبروی مؤسسه خیریه
ایتام، تلفن: ۲۹۲۱۳۲۸ - ۲۲۴۴۶۶۲

○ **قیمتاپور:**
سازمان تبلیغات اسلامی، خ شریعتی، تلفن: ۲۲۲۱۴۷۵
کانون فرهنگی شهید باهنر، خ فردوسی شمالی،
تلفن: ۲۲۲۶۰۸۹

خواسان جنوبی

○ **قافون:**
قانون، خ مهدیه، نرسیده میدان مبارزان، تلفن: ۵۲۲۶۱۵۸
○ **خوزستان:**

○ **آبادان:**
بوستان کتاب، خ طالقانی، جنب حوزه علمیه
امام صادق علیه السلام، تلفن: ۲۲۲۴۸۱

○ **اهواز:**
اشراق، خ نادری، تلفن: ۲۲۲۸۶۸۱
پیشخن کتاب مصبح اهلی، اول کمپلو، مسجد
موسی بن جعفر، تلفن: ۲۷۸۹۱۱۱
رشد، خ حافظ، تلفن: ۲۲۱۶۳۴۵

خدمات فرهنگی فدک، خ مسجد سید، تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵
پیام عترت، خ مسجد سید، تلفن: ۲۲۶۷۴۵۱
فرهنگسرای اصفهان، دروازه دولت، تلفن: ۲۲۰۴۰۲۹
نشر و پخش کریم اهل بیت، سبزه میدان، مجتمع
تجاری امین، تلفن: ۲۲۲۸۷۲۲

○ کاشان:

بیزدانخواه، بازار، تلفن: ۴۴۵۴۸۵۹
نمایشگاه کتاب آموزش و پرورش، خ شهید رجایی،
تلفن: ۴۴۴۹۴۴۲۲
خانه کتاب، چهارراه آیه الله کاشانی، روبروی جهاد،
تلفن: ۴۴۵۰۳۱۲

○ خوانسار:

ارمغان قلم، خ امام، جنب بانک ملی مرکزی،
تلفن: ۲۲۲۲۲۲۶

بوشهر

○ بوشهر:

موعود اسلام، خ لیان، تلفن: ۲۵۲۴۹۳۳

○ پرازجان:

محصولات فرهنگی حوزه، خ مولوی، جنب مسجد
فاطمه الزهراء علیها السلام، تلفن: ۴۴۲۰۶

○ جم:

مؤسسه کتاب مدرسی، پیش ریز، سه راهی بانک
صادرات، تلفن: ۷۶۵۲۶۷۰

قزوین

○ تهران:

افق، خ پاسداران، دشتستان چهارم، تلفن: ۲۲۸۴۷۰۲۵
انشتارات دفاع، خ پاسداران، سه راه اختیاریه،
تلفن: ۹۱۲۱۷۵۱۳۹۹

پیش اثار، خ شهدای ژاندارمری، تلفن: ۶۶۴۶۰۲۲۳
پیشخن پکتا، خ انقلاب، چهارراه کالج، ابتدای
حافظ شمالی، تلفن: ۸۸۹۲۶۷۰
پیشخن دانش علوم، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین،
تلفن: ۶۶۹۵۴۸۵۰

حافظ نوین، بازار بین الحرمین، تلفن: ۵۵۶۲۱۷۷۴
حکمت، خ ابو ریحان، شماره ۲، تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲
دارالکتب الاسلامیه، خسیابان پامنار،
تلفن: ۵۵۶۲۷۴۴۹ - ۵۵۶۲۰۴۰

دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، خ انقلاب، تلفن: ۶۶۴۶۹۶۸۵
سازمان تبلیغات اسلامی، خ بهارستان، تلفن: ۷۷۵۲۱۹۷۵
سازمان تبلیغات اسلامی، میدان فلسطین، تلفن: ۸۸۹۰۲۸۴۳

ق

○ قم:

اخلاق، خ ارم، تلفن: ۷۷۴۲۶۲۵

ارمنان طوبی، خ دور شهر، تلفن: ۷۷۳۷۳۶۷

اسلامی (جامعه مدرسین)، بلوار امین، تلفن: ۲۹۳۲۲۱۹

الهادی، فلکه الهادی، تلفن: ۶۶۱۶۱۲۲

ام القری، خ شهید رجایی، تلفن: ۷۷۳۵۶۴۶

بنیاد معارف اسلامی، خ شهداء، خ تلفن: ۷۷۳۲۰۰۹

پیوهشت پیش، خ بلوار امین، تلفن: ۸۸۳۸۵۸۵

پارسیان، خ ارم، تلفن: ۷۷۳۷۷۱۶

پرسمان دینی، خ ارم، تلفن: ۷۸۳۰۲۸۰

پژوهشگاه تحقیقات اسلامی سپاه، خ دور شهر،

تلفن: ۷۷۳۰۷۲۵

پژوهشگاه تعلیم و تربیت، خ حجتی، تلفن: ۷۷۴۴۳۰۹

پیش، خ آذر، تلفن: ۷۷۱۳۰۷۶

توحید، چهارراه شهدا، تلفن: ۷۷۳۳۱۵۱

جمال، بلوار بهار، تلفن: ۷۷۳۶۳۵۳

حضور، خ حجتی، تلفن: ۷۷۳۹۴۲۴

دارالتلثین، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۳۲۹۹۳

دارالعلم، خ ارم، تلفن: ۷۷۴۴۲۹۸

دارالفکر، خ شهداء، تلفن: ۷۷۴۳۵۴۴

دلیل، معلم، تلفن: ۷۷۴۴۹۸۸

ذوی القربی، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۴۶۶۳

سازمان تبلیغات اسلامی، روبروی شیخان،

تلفن: ۷۷۴۰۳۷۶

سلطانی، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۳۴۰۴۷

شکوری، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۰۴۳۸

صحیفه خرد، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۴۸۹۳۳

صلات، خ ارم، تلفن: ۷۷۴۹۵۷۴

طوبی، خ چهار مردان، تلفن: ۷۷۳۱۴۸۰

عصمت، چهارراه شهدا، تلفن: ۷۷۴۰۵۱۵

کتابسرای قائم، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

کتاب گستر جوان، خ شاه سید علی، تلفن: ۰۹۱۲۲۵۱۱۳۵۲

معروف، خ مصلنی، تلفن: ۲۹۲۶۱۷۵

مهدی، کوچه بیکلی، تلفن: ۷۸۲۲۷۵۵۰۶

مهر امیرالمؤمنین، بلوار بهار، تلفن: ۷۷۴۲۹۹۷

مؤسسه امام خمینی، خ ممتاز، تلفن: ۷۷۴۲۲۲۶

مؤمنین، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۳۱۳۲۸

نمایندگی استان قدس قم، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۴۶۸۴

نمایندگی ولی فقیه نیروی دریایی سپاه، خ شهداء، ک ۲۶

تلفن: ۷۷۳۱۶۳۱

نوید اسلام، پاساز قدس، تلفن: ۷۷۴۳۴۶۲

هجرت، معلم، تلفن: ۷۷۴۴۴۵۹

○ راههنر:

واحد رهنهنگی مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام) پیروزی، ک بیکلی، پ ۳۸، تلفن: ۲۲۲۴۵۷۸

○ درزقول:

فروشگاه کتاب حرم، حرم مطهر حضرت سبز قبا، تلفن: ۲۲۲۴۲۶۸

مسراج، خ شریعتی، تلفن: ۵۰۵۱۳۷۵

همشهری، خ شریعتی، تلفن: ۲۲۲۶۲۵۹

○ بجهان:

مجتبی صندوق، بلوار آیة الله وحید، جنب برج کوبی زمانی، تلفن: ۳۳۳۲۲۷۲

زنجان

○ زنجان:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ امام، تلفن: ۳۲۲۹۵۷۱

کتابفروشی مسجد سید، سبزه میدان، تلفن: ۳۲۲۵۵۷۷

○ خرهدره:

بوستان مذهبی فرهنگی، خ سید جمال، مقابل مسجد

تلفن: ۵۰۲۲۸۵

سمنان

○ مشاهروه:

مسجد حضرت رسول اکرم (علیه السلام) خ امام خمینی، تلفن: ۲۲۲۲۹۵۰

کهکلیویه و بویراحمد

○ یامسوج:

کتابفروشی مرکزی یامسوج، فلکه ساعت، خ سردار چنگل جنوبی، تلفن: ۲۲۲۲۵۶۲

سیستان و بلوچستان

○ زاہدان:

مجتمع فرهنگی نسیم اکرم (علیه السلام)، تقاطع خیابان مصطفی خمینی (علیه السلام) و طلاقانی، تلفن: ۳۲۵۳۹۹۴

فارس

○ فشیوار:

دارالكتب شهید مطهری، خ زند، تلفن: ۲۲۵۹۰۲۲

نسجم الدین، فلکه دانشجو، تلفن: ۰۹۱۷۱۱۸۰۲۴۰

تلفن: ۶۲۹۴۱۱۱

وفاق، بلوار شهید بهشتی، پایین تر از مسجد

سیاحتگر، زیر گذر، تلفن: ۸۲۱۸۴۲۶

قزوین

○ قزوین:

سازمان تبلیغات اسلامی، خ شهداء، تلفن: ۲۲۲۹۰۱۹

کانون توحید، میدان آزادی، تلفن: ۲۲۲۴۸۷۷

○ آبیک:

فروشگاه منتظران، خ آیت الله طلاقانی، تلفن: ۰۲۸۹۲۹۱۱

گرمان

- **بابل:** سازمان تبلیغات اسلامی، جنب مسجد جامع، تلفن: ۲۲۰۴۲۱۴-۲۲۰۴۲۱۵
حدیث مهتاب، خ امام خمینی، چهار سوق، مجتمع تجاری
خاتم الانبیاء، تلفن: ۲۲۹۰۷۷۱-۲۲۹۰۴۱۹

- **چالوس:** بقیة الله، مصلی، تلفن: ۲۲۰۷۵۷-۲۲۰۷۵۰
○ **وامسر:** الهیان، میدان امام، تلفن: ۵۲۲۹۵۸-۵۲۲۹۵۸

مرکزی

- **اراک:** شرکت سپیدار سرو نوین، میدان ارگ، خ بیان، پلاک ۵۴، تلفن: ۲۲۵۶۲۲۴

هرمزگان

- **بندرعباس:** سازمان تبلیغات اسلامی، جنب شهرداری مرکز، تلفن: ۲۲۴۰۵۹۹

همدان

- **همدان:** کتابفروشی آیت الله مدنی، میدان دانشگاه، تلفن: ۸۲۶۰۲۱۱-۱۴-۲۵۱۷۵۰۵-۰۵
منتظران نور، خ شهداء، کوچه آخوند، تلفن: ۲۵۱۷۵۰۵

- **توفییرگان:**

- آیینه، خ باهنر، تلفن: ۴۲۲۲۷۵۱-۰۵
○ **ملادی:**

- سروش، خ سعدی، تلفن: ۲۲۱۶۸۵۰-۰۵

یزد

- **یزد:** نیکوروش، خ امام خمینی، تلفن: ۶۲۶۴۶۹۹
سازمان تبلیغات اسلامی، بلوار شهید پاکنژاد، تلفن: ۷۲۵۱۰۹-۰۹

- **هیبد:**

- مرتضی دهقانی، بارچین، کوچه شهید فیاضی، پلاک ۲۱، تلفن: ۷۷۵۰۰۷۷

- **کرمان:** کتابسرای اخلاق، خ احمدی، بین چهارراه و سه راه
جنب تهیه مسکن ملت، تلفن: ۲۲۶۱۱۲۳-۲۲۶۹۱۷۱-۰۴
سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۲۲۶۹۱۷۱-۰۴
 مؤسسه بنیاد امام حاذق علیه السلام، خ امام، جنب مسجد امام، تلفن: ۲۲۲۵۳۱۵

- **بسم:** کوثر، سه راه رستم آباد، تلفن: ۴۲۰۰۴۰۰-۹

- **کرمانشاه:** پایروند، بازار وکیل الدوله، تلفن: ۷۲۳۷۵۶۲
خانه کتاب، میدان ارشاد، تلفن: ۷۲۷۴۹۶۴-۰۶
شمس، میدان آزادی، تلفن: ۸۲۲۵۱۰۶-۰۶

- **اسلام آباد غرب:**

- خاتم، خ راه کربلا، تلفن: ۵۲۲۵۶۴۷

گردستان

- **سنندج:** غزالی، پاساز عزتی، تلفن: ۲۲۵۶۱۰۰-۰۰
مرکز بزرگ اسلامی، خ امام خمینی، تلفن: ۲۲۵۳۰۱۲-۰۱

گلستان

- **علی آباد کتول:**

- کتابفروشی ولايت، خ امام رضا علیه السلام، تلفن: ۶۳۰۰۸۵۸-۰۱

گیلان

- **رشت:** سازمان تبلیغات اسلامی، خ مطهری، تلفن: ۳۲۲۲۲۶۲-۰۶

- **قاليش:** سازمان تبلیغات اسلامی، تلفن: ۰۹۱۲۲۵۳۱۰۴۵

مازندران

- **ساری:** رسالت، خ انقلاب، تلفن: ۲۲۲۲۷۷۴۲-۰۰
كتاب گستره، خ جمهوری اسلامی، تلفن: ۲۲۱۱۹۲۲

نمایندگی های فروش کتاب های مؤسسه در خارج کشور

سوریه

- **دمشق:** مکتبة الجوادین، شارع السيدة زینب العام، مقابلة الحوزة الزيتنيّة.

لبنان

- **بیروت:** بار الغدیر، حارة حریک بنایه البنت اللیبانی السویسی، هاتف، ۹۶۱۱۵۵۸۲۱۵-۰۴-۹۶۱۱۷۷۳۶۰

عراق

- **بغداد:** مکتبة دار السجاد، شارع المتنبي.

- **بصرة:** مکتبة دار الزهراء علیها السلام، او دار الإمام الہادی، سوق العشار.

- **نجف:** منشورات ذوى القربى، سوق الحدیث.

RAHTŪSHE-YE RĀHEAYĀN-E NŪR

Būstān-e- Ketab**, press**

(The Garden of the Book)

[The Center of Publication and Printing of the
"Daftar-e Tablighāt Islāmī Huze 'Elmiye Qom"

(The office of Islamic Propagation of the Islamic Seminary of Qom)]

The most glorious selected publisher in Iran

Qom,IR.IRAN.P.O.Box: 37185.917

Phone No:+98251 7742155 Fax: + 98251 7742154

<http://www.bustaneketab.com>

E-mail: info@bustaneketab.com

قابل توجه طلاب و فضلای گرامی اعزامی طرح هجرت

به منظور استفاده آن عزیزان در سفرهای تبلیغی تابستان و... برای مخاطبان «عمومی» و «دانش آموزان»، معرفی کتاب و مجلات مناسب، **تجهیز کتاب خانه‌ها** خصوصاً در مناطق محروم، **برگزاری نمایشگاه** در زمان و مکان‌های مناسب، **ارائه هدیه** به مخاطبان در جشنواره‌ها و مسابقات خاص، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان و...، **مؤسسه بوستان کتاب** (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی) آمادگی دارد:

۱. کتاب‌های عمومی و کودک و نوجوان منتشر شده خود را که بالغ بر ۷۰۰ عنوان در ۱۶ موضوع اصلی و ۶۰ موضوع فرعی (تفسیر، علوم قرآنی، فقه و احکام، تاریخ و سیره و...) می‌باشد با تخفیف ویژه در اختیار آن عزیزان قرار دهد.
۲. برخی مجلات دفتر تبلیغات اسلامی، خصوصاً ماهنامه‌های پیام زن، سلام پچه‌ها، پوپک و سنجاقک، برای این گروه مخاطب منتشر می‌شود، باعنایت به این که مجلات به صورت خبری و روزمره نیست حتی شماره‌های گذشته آنها نیز قابل استفاده برای موارد بالا می‌باشد. مؤسسه آماده است برخی از شماره‌های گذشته موجود را به صورت **اهدایی** برای این منظور در اختیار آن عزیزان قرار دهد.
- در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر یا دریافت آنها به ساختمان مرکزی مؤسسه، ابتدای خیابان شهدا تلفن ۷۷۴۲۱۵۵، پخش مؤسسه مراجعه فرمایید.